

ج-تحقیق و تفحص توسط مجلس شورای اسلامی؛ تحقیق و تفحص از حقوق خاصه مجلس شورای اسلامی است تحقیق و تفحص به ابتکار نماینده شکل می‌گیرد پس تقاضای تحقیق و تفحص از سوی نماینده مجلس به عمل می‌آید تقاضای مطروحه در کمیسیون تخصصی مربوطه مطرح می‌شود و نمایندگان نیز مأمور به تحقیق و تفحص در آن زمینه خواهند شد.

حداکثر مهلت برای تحقیق و تفحص ۶ ماه است که قابل تمدید (در صورت ضرورت) می‌باشد.

۳- نظارت استصوابی

الف-نظارت بر معاهدات و عهدنامه‌های بین‌المللی

ب-تغییر در خطوط مرزی

ج-برقراری محدودیت‌های ضروری: طبق اصل ۷۹ قانون اساسی برقراری حکومت نظامی مطلقاً ممنوع است لیکن در موارد اضطراری دولت می‌تواند با تصویب مجلس حداکثر برای مدت ۳۰ روز محدودیت‌های ضروری برقرار نماید برای تمدید این محدودیت نیاز به تصویب مجدد مجلس شورای اسلامی است.

د-صلح دعاوی و ارجاع امر به داوری: طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد در مواردی هم که طرف دعوا خارجی باشد نیازمند تصویب هیئت وزیران و مجلس است.

پ-قرض و استقراض

ت-استخدام کارشناسان خارجی

ز-اعطای امتیاز تشکیل شرکت به خارجیان

ی-فروش و انتقال اموال دولتی که از نفایس ملی باشد؛ طبق اصل ۸۳ قانون اساسی بناها و اموال دولتی اگر از نفایس ملی نباشند تابع فروش اموال عمومی هستند که تحت نظارت مجلس است اگر از نفایس ملی غیر منحصربه‌فرد باشد با تصویب مجلس امکان‌پذیر است لیکن اگر از نفایس ملی منحصربه‌فرد باشد فروش و انتقال آن مطلقاً ممنوع است.

۴- نظارت سیاسی

الف- سؤال هر نماینده می‌تواند از وزیر در چارچوب وظایف او سؤال بنماید سؤال به هیئت رئیس تقدیم و در زمان مناسب قرائت می‌شود و وزیر مربوط موظف از ظرف مدت ۱۰ روز در مجلس حاضر شده و پاسخ بدهد و می‌تواند برای یک ماه استمهال نماید.

ب-استیضاح وزیر به محض تصمیم موافق مجلس به استیضاح عزل می‌شود یعنی نیاز به اقدام دیگری نیست در خصوص رئیس‌جمهور استیضاح مطرح نیست بلکه **عدم کفایت** مطرح است پس اگر یک‌سوم مجموع نمایندگان مجلس طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور را تقدیم مجلس کنند رئیس‌جمهور موظف است ظرف یک ماه در مجلس حاضر شود و توضیح بدهد.

اگر دو سوم نمایندگان حاضر به این طرح رأی مثبت و موافق بدهند تصمیم مجلس خدمت مقام رهبری تقدیم می‌شود. تصمیم به مجلس باید مورد موافقت رهبری قرار گیرد و در صورت عدم موافقت رهبری این تصمیم فاقد اثر است.

رهبری الزامی به امضا تصمیم مجلس ندارد.

۵- نظارت مالی

الف-بودجه: سند مالی است که کلیه درآمدها و هزینه‌های یک سال کشور در آن پیش‌بینی می‌شود.

ب-تهیه و تصویب بودجه: تهیه بودجه با دولت است تنها قانونی که فقط از طریق لایحه قابل وضع است قانون بودجه است لایحه بودجه توسط دولت به مجلس تقدیم می‌شود. ج-نظارت مالی بر اجرای بودجه: علاوه بر تصویب بودجه نظارت بر اجرای آن هم با مجلس است که طبق اصول ۵۴ و ۵۵ از طریق دیوان محاسبات که زیر نظر مجلس شورای اسلامی است صورت می‌گیرد.

ح-محدودیت‌های دوران کفالت رئیس‌جمهور:

-نمی‌توان وزیران را استیضاح نمود یا به آنان رأی عدم اعتماد داد.

-نمی‌توان اقدام به بازنگری قانون اساسی نمود.

-نمی‌توان در کشور همه پرسی برگزار کرد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

✍ وزیر بالاترین مقام سیاسی، اداری، فنی وزارتخانه تحت امر خود می‌باشد.

✍ آیین‌نامه وزارتی به مقرراتی اطلاق می‌شود که وزیر مربوطه برای اداره بهتر وزارتخانه تحت نظر خود و اجرای قوانین، تدوین و تصویب می‌کند. ویژگی‌های آیین‌نامه وزارتی:

- قلمرو اجرایی محدود به همان وزارتخانه دارد.

- نمی‌تواند مخالف قوانین مصوب مجلس یا آیین‌نامه‌های مصوب هیئت‌وزیران باشد.

✍ از سری وظایف رئیس قوه قضاییه:

۱- عضویت در شورای موقت رهبری

۲- عضویت در شورای ریاست جمهوری

۳- عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴- عضویت در شورای عالی امنیت ملی

۵- عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی

✍ رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام اداری، مالی و استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض نماید.

✍ اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام به اعضای ثابت و متغیر تقسیم می‌شود که هر دو منصوب رهبری هستند.

- اعضای ثابت و متغیر می‌توانند اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند، اشخاص حقوقی یعنی کسانی که به واسطه جایگاه و مقام حقوقی خود در مجمع عضویت دارند مثل رؤسای قوای سه‌گانه.

- آیین‌نامه داخلی و تشکیلات مجمع توسط مجمع تهیه تصویب و به تأیید مقام رهبری می‌رسد.

- ریاست مجمع منصوب مقام رهبری است.

- اداره امور مجمع با دبیر مجمع است و دبیر مجمع رابطه میان مجمع و مقام رهبری است.

- مجمع تشخیص مصلحت نظام بازوی مشورتی مقام رهبری است

○ از وظایف و اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌توان به:

۱- حل اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان

وقتی مجلس بر مصوبه‌ای اصرار دارد و شورای نگهبان آن را مغایر شرع یا قانون اساسی می‌داند، تصمیم‌گیری نهایی با مجمع است.

۲- تشخیص مصلحت در مواردی که نظام با بن‌بست قانونی مواجه باشد

به‌ویژه در مواردی که مصوبه مجلس برخلاف نظر شورای نگهبان است اما به دلایل مصلحت نظام، قابل پذیرش باشد.

۳- مشاوره و ارائه نظر به مقام معظم رهبری در امور ارجاعی

برخی موضوعات مهم کشور ممکن است مستقیماً از سوی رهبری به مجمع ارجاع داده شود.

۴- نقش در بازنگری قانون اساسی

۵- ارائه پیشنهادها و سیاست‌های کلی نظام به رهبری.

۶- نقش نظارتی در حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام

✍ وظایف رئیس دیوان محاسبات کشور

۱- گزارش تفریغ بودجه کل کشور:

باید تا پایان دی‌ماه سال بعد تهیه شده و برای رسیدگی به مجلس شورای اسلامی ارسال گردد.

۲- پیشنهاد و تفریغ بودجه دیوان محاسبات:

پیشنهاد بودجه دیوان: تا پایان شهریور هر سال به کمیسیون برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس ارائه شود.

گزارش تفریغ بودجه دیوان: تا پایان شهریور سال بعد ارائه گردد.

۳- پاسخ‌گویی نظارتی به مجلس شورای اسلامی:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

موظف است پاسخ رسمی و قانونی به درخواست‌های مکتوب زیر ارائه دهد:

رئیس مجلس

رؤسای کمیسیون‌ها

نمایندگان

هیأت‌های تحقیق و تفحص

معاونت نظارت مجلس

❖ حضور مقامات در جلسات مجلس شورای اسلامی:

۱- رئیس‌جمهور، معاونان و وزیران:

می‌توانند به صورت فردی یا جمعی در جلسات علنی مجلس شرکت کنند.

اجازه دارند مشاوران خود را نیز به همراه بیاورند.

۲- رئیس قوه قضائیه:

در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور در مجلس شرکت می‌کند.

۳- اعضای شورای نگهبان:

حق حضور در تمام جلسات رسمی مجلس را دارند.

حضور آنان الزامی است در جلساتی که طرح یا لایحه‌ای با قید دو یا سه فوریت مطرح شده باشد.

❖ روند معرفی و رأی اعتماد به هیئت وزیران

۱- معرفی وزرای پیشنهادی:

رئیس‌جمهور موظف است حداکثر ظرف دو هفته پس از انجام مراسم تحلیف، یا در صورت سقوط دولت یا تغییر نیمی از وزراء، از ابتدای شروع به کار دولت، فهرست کامل اسامی وزرای پیشنهادی برای هر وزارتخانه را به همراه برنامه کلی دولت، سوابق علمی و اجرایی و امتیازات قابل استناد آنان به مجلس شورای اسلامی تسلیم کند.

۲- رأی اعتماد به وزراء:

پس از بررسی برنامه‌ها و سوابق وزراء در کمیسیون‌های تخصصی، هر وزیر به صورت جداگانه در صحن علنی مجلس معرفی می‌شود و پس از دفاعیات و صحبت مخالفان و موافقان، برای اخذ رأی اعتماد به رأی‌گیری گذاشته می‌شود. نصاب لازم برای کسب رأی اعتماد، اکثریت مطلق نمایندگان حاضر در جلسه است. رأی ممتنع در رأی‌گیری به منزله رأی مخالف تلقی می‌شود.

۳- الزام به معرفی مجدد وزیر:

چنانچه مجلس به یک یا چند وزیر رأی اعتماد ندهد، یا وزارتخانه‌ای به هر دلیل (مانند عزل، استعفا، فوت و...) فاقد وزیر باقی بماند، رئیس‌جمهور موظف است طبق اصل ۱۳۵ قانون اساسی، حداکثر ظرف مدت سه ماه فرد یا افراد دیگری را برای اخذ رأی اعتماد به مجلس معرفی نماید.

پایان.

بسمه تعالی

قوانین خاص و آرا وحدت رویه

تابستان ۱۴۰۵

فصل اول: قوانین خاص مربوط به حقوق مدنی

بخش اول - قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹

■ ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی

اگر کسی بدون مجوز قانونی، به صورت عمدی یا در نتیجه بی احتیاطی، به یکی از حقوق زیر آسیب وارد کند و موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت است:

-جان

-سلامتی

-مال

-آزادی

-حیثیت

-شهرت تجاری

-هر حق دیگری که قانون برای افراد شناخته است.

این ماده با اصل ۳۹ قانون اساسی مرتبط است:

«هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت ممنوع و موجب مجازات است.»

■ ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی

اگر عمل زیان زننده باعث ورود خسارت مادی یا معنوی شود، دادگاه پس از احراز موضوع، حکم به جبران آن می دهد.

اگر فقط یکی از این دو نوع خسارت وارد شده باشد، جبران همان نوع خسارت مورد حکم قرار می گیرد.

طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۱ و ۲ این قانون، خسارت معنوی همچون خسارت مادی قابل مطالبه و جبران است.

✎ ارکان مسئولیت مدنی (برای جبران خسارت):

جهت مطالبه خسارت، وجود سه رکن در دادگاه باید احراز شود:

-فعل یا ترک فعل مرتکب

-ورود ضرر

-رابطه‌ی سببیت بین فعل و ضرر

■ ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی

دادگاه با توجه به اوضاع و احوال قضیه، میزان زیان و شیوه و کیفیت جبران آن را تعیین می کند.

جبران خسارت به صورت مستمری مجاز نیست مگر در دو حالت:

۱. مدیون، تأمین مقتضی برای پرداخت بدهد.

۲. قانون چنین شیوه‌ای را اجازه داده باشد.

■ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی - موارد تخفیف در میزان خسارت

دادگاه می تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد:

۱. پس از ورود خسارت، کمک مؤثر واردکننده زیان به زیان دیده.

۲. اگر وقوع خسارت ناشی از غفلی عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود.

۳. اگر زیان دیده به هر نحوی در ایجاد یا تشدید خسارت نقش داشته باشد.

▪ ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی – آسیب بدنی و کاهش قوه کار

در صورتی که در اثر آسیب به بدن یا سلامتی:

-نقصی در بدن ایجاد شود

-قوه کار فرد کاهش یافته یا از بین برود

-هزینه های زندگی او افزایش یابد

واردکننده زیان، مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است.

← دادگاه می تواند نحوه جبران را یکی از این دو حالت تعیین کند:

۱. پرداخت مستمری

۲. پرداخت مبلغی به صورت دفعه‌تاً واحد

در صورت انتخاب شیوه مستمری، دادگاه میزان، مدت و مبلغ تأمین را نیز مشخص می کند.

اگر هنگام صدور حکم، تعیین قطعی آثار صدمه بدنی ممکن نباشد، دادگاه تا دو سال پس از صدور حکم حق تجدیدنظر در آن را دارد.

▪ ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی – مسئولیت در نگهداری مجنون یا صغیر

هر کس که قانوناً یا بر اساس قرارداد، مسئول نگهداری یا مواظبت از مجنون یا صغیر باشد، در صورت تقصیر در انجام وظیفه خود، مسئول جبران زیان های وارده از سوی آن ها خواهد بود.

اگر شخص مسئول نتواند تمام یا بخشی از خسارت را جبران کند، جبران خسارت از مال محجور (صغیر یا مجنون) انجام می شود.

در هر حال، جبران زیان نباید باعث عسرت و تنگدستی جبران کننده شود.

این حکم فقط شامل پدر، مادر، وصی یا قیم نیست، بلکه شامل همه افراد موظف به نگهداری یا مواظبت می شود؛ مانند:

-دایه

-پرستار

-معلم

-مدیر تیمارستان

و...

🔸 نکته تطبیقی با ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی: طبق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، تقصیر نوعی است و محجور مسئول شناخته می شود. اما در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، تقصیر شخصی ملاک است و نگهدارنده محجور مسئول شناخته می شود.

▪ ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی – لطمه به حیثیت و اعتبار

هر کس که به حیثیت و اعتبار شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود، می تواند از واردکننده زیان، جبران خسارت مادی و معنوی را مطالبه کند.

در صورت اثبات تقصیر و متناسب با نوع آن و اهمیت زیان، دادگاه می تواند علاوه بر حکم به خسارت مالی، دستوراتی برای رفع زیان از طرق دیگر صادر کند، از جمله:

-الزام به عذرخواهی

-درج حکم در جراید

-و اقدامات مشابه دیگر

▪ ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی – مسئولیت کارمندان دولت و شهرداری ها

اگر کارمندان دولت، شهرداری ها یا مؤسسات وابسته، در حین انجام وظیفه عمداً یا بر اثر بی احتیاطی به دیگران خسارت وارد کنند، شخصاً مسئول جبران خسارت هستند.

اگر خسارت ناشی از نقص وسایل یا امکانات اداری باشد و نه تقصیر شخصی کارمند، مسئولیت جبران با اداره یا مؤسسه مربوطه است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مؤسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

✓ در خصوص اعمال حاکمیت دولت، اگر دولت طبق قانون و به اقتضای منافع عمومی، اقداماتی انجام دهد که موجب ضرر دیگران شود؛ دولت مسئول جبران خسارت نخواهد بود.

▪ ماده ۱۳ قانون مسئولیت مدنی - بیمه مسئولیت کارگران

کارفرمایانی که مشمول ماده ۱۲ هستند، مکلفاند تمامی کارگران و کارکنان اداری خود را در برابر خساراتی که ممکن است به اشخاص ثالث وارد کنند، بیمه نمایند.

▪ ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی - مسئولیت جمعی و دفاع مشروع

اگر چند نفر به طور مشترک به دیگری زیان وارد کنند:
- همگی نسبت به جبران خسارت متضامناً مسئول هستند.
- دادگاه میزان مسئولیت هر یک را با توجه به نحوه مداخله تعیین می کند.
اگر کسی در مقام دفاع مشروع موجب ورود خسارات بدنی یا مالی به شخص متعددی شود، مسئول خسارت نخواهد بود، مشروط بر اینکه خسارت وارده متناسب با دفاع و متعارف باشد.

بخش دوم - قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵

این قانون، مجموعه قواعد و مقرراتی است که کلیه دارندگان وسایل نقلیه (اعم از شخص حقیقی و حقوقی)، را ملزم می نماید، وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که ممکن است وسایل مذکور، به اشخاص ثالث وارد کنند، بیمه نمایند.

ماده دو قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه، در این خصوص بیان می دارد: «کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند، مکلفاند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص ثالث وارد می شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۸) این قانون، نزد شرکت بیمه ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی داشته باشد، بیمه کنند.»

تبصره ماده مربوط به تکلیف در تحصیل بیمه نامه:

دارنده وسیله نقلیه اعم است از:

✓ مالک

✓ یا متصرف

اگر هر یک از این دو، نسبت به تحصیل بیمه نامه موضوع این قانون اقدام نماید، تکلیف از دیگری ساقط می شود.

نکته مهم: مسئولیت دارنده در تهیه بیمه نامه، مانع از مسئولیت شخصی کسی که حادثه ناشی از فعل یا ترک فعل اوست نخواهد بود. به عبارت دیگر، بیمه نامه دارنده، مسئولیت فاعل حادثه را از بین نمی برد.

• تکلیف دارنده وسیله نقلیه به اخذ بیمه حوادث برای راننده مسبب حادثه؛

- دارنده وسیله نقلیه مکلف است برای پوشش خسارت های بدنی وارد شده به راننده مسبب حادثه، حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیر حرام، بیمه حوادث اخذ کند؛

- مبنای محاسبه میزان خسارت قابل پرداخت به راننده مسبب حادثه، معادل دیه فوت یا دیه و یا آرش جرح در فرض ورود خسارت بدنی به مرد مسلمان در ماه غیر حرام و هزینه معالجه آن می باشد.

- سازمان پزشکی قانونی مکلف است با درخواست راننده مسبب حادثه یا شرکت بیمه مربوط، نوع و درصد صدمه بدنی وارد شده را تعیین و اعلام کند.

• جبران خسارات شخص ثالث در اثر حوادث رانندگی

○ الف- در صورت وجود بیمه نامه

- در صورتی که وسیله نقلیه مسبب حادثه، دارای بیمه نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت های وارد شده در حدود مقررات این قانون بر عهده بیمه گر است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

-در صورت نیاز به طرح دعوی در خصوص مطالبه خسارت، زیان دیده یا قائم مقام وی دعوی را علیه بیمه‌گرو مسبب حادثه طرح می‌کند.

-این حکم، نافی مسئولیت‌های کیفری راننده مسبب حادثه نیست.

○ ب- در صورت عدم وجود بیمه‌نامه

-در صورتی که وسیله نقلیه، فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده ۲۱ این قانون باشد، خسارت‌های بدنی وارده توسط صندوق با رعایت ماده ۲۵ این قانون جبران می‌شود.

-در صورت نیاز به طرح دعوی در این خصوص، زیان دیده یا قائم مقام وی دعوی را علیه راننده مسبب حادثه و صندوق طرح می‌کند.

○ ج- مسئولیت مالک در صورت عدم وجود بیمه‌نامه

-در صورتی که خودرو، فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون بوده و وسیله نقلیه با اذن مالک در اختیار راننده مسبب حادثه قرار گرفته باشد:

+ در صورتی که مالک، شخص حقوقی باشد: به جزای نقدی معادل بیست درصد (۲۰٪)

+ و در صورتی که مالک شخص حقیقی باشد: به جزای نقدی معادل ده درصد (۱۰٪) مجموع خسارات بدنی وارد شده محکوم می‌شود.

به موجب ماده ۶ همین قانون از تاریخ انتقال مالکیت وسیله نقلیه، کلیه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد بیمه موضوع این قانون به انتقال گیرنده منتقل می‌شود و انتقال گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه، بیمه‌گذار محسوب می‌شود.

کلیه تخفیفاتی که به واسطه «نداشتن حوادث منجر به خسارت» در قرارداد بیمه موضوع این قانون اعمال شده باشد، متعلق به انتقال دهنده است. انتقال دهنده می‌تواند تخفیفات مذکور را به وسیله نقلیه دیگر از همان نوع، که متعلق به او یا متعلق به همسر، والدین یا اولاد بلاواسطه وی باشد، منتقل کند.

• دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی که از خارج وارد ایران می‌شوند:

افرادی که وسیله نقلیه خود را از خارج از کشور وارد می‌کنند، در صورتی که آن را مطابق بیمه‌نامه‌ای که توسط بیمه مرکزی ایران معتبر شناخته نشده باشد بیمه نکرده باشند، مکلفاند هنگام ورود به مرز ایران، خودرو را در برابر خسارات زیر بیمه کنند:

۱. خسارت‌های بدنی

۲. خسارت‌های مالی

که در اثر حوادث وسیله نقلیه یا محمولات آن به اشخاص ثالث وارد شود این بیمه باید حداقل به میزان مقرر در ماده ۸ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵ باشد.

• دارندگان وسیله نقلیه ایرانی که از کشور خارج می‌شوند:

این افراد موظفاند هنگام خروج با پرداخت حق بیمه مربوط، وسیله نقلیه خود را در مقابل خساراتی که بر اثر حوادث نقلیه مذکور در خارج از کشور به اشخاص ثالث ایرانی وارد شود حداقل به میزان مندرج در ماده (۸) این قانون و نیز بیمه حوادث راننده موضوع ماده (۳) این قانون بیمه کنند. در غیر این صورت از تردد وسایل مزبور توسط مراجع ذی ربط جلوگیری می‌شود.

• حداقل مبلغ بیمه در بخش خسارت بدنی

معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام با رعایت تبصره ماده ۹ این قانون است. در هر حال بیمه‌گذار موظف به اخذ الحاقیه نمی‌باشد.

حداقل مبلغ بیمه در بخش خسارت مالی — معادل دو و نیم درصد (۲/۵٪) تعهدات بدنی است.

بیمه‌گذار می‌تواند برای جبران خسارت‌های مالی بیش از حداقل مزبور، در زمان صدور بیمه‌نامه یا پس از آن، بیمه تکمیلی تحصیل کند.

✎ خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به

گران‌ترین خودروی متعارف از طریق بیمه‌نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود.

✎ منظور از خودروی متعارف خودرویی است که قیمت آن کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال مشخص می‌شود، باشد.

• زیان بیش از یک دیه

اگر در یک حادثه، شخص مسئول به پرداخت بیش از یک دیه به هر یک از زیان دیدگان محکوم شود، بیمه‌گر مکلف به پرداخت تمام خسارات بدنی است.

فرقی ندارد که مبلغ مازاد بر دیه:

• کمتر از یک دیه کامل باشد

• یا بیشتر از یک دیه کامل

در هر صورت، تمام خسارت بدنی قابل پرداخت از سوی بیمه‌گر است.

• **عدم تبعیض در پرداخت خسارت** ← بیمه‌گر مکلف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان دیدگان را بدون

لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت کند.

مراجع قضایی موظف‌اند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به‌عنوان بیمه حوادث درج کنند.

درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان‌دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است.

بطلان شرط سبب بطلان بیمه‌نامه نمی‌شود.

اخذ هرگونه رضایت‌نامه از زیان‌دیده توسط بیمه‌گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایت‌نامه‌ای بلااثر است.

• **تعهد ریالی برای زیان دیدگان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه؛**

تعهد ریالی بیمه‌گر در قبال زیان دیدگان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه، برابر حاصل ضرب ظرفیت مجاز وسیله نقلیه در سقف تعهدات بدنی بیمه‌نامه با رعایت تبصره ماده (۹) و ماده (۱۳) این قانون است.

تبصره ماده ۹- در صورتی‌که در یک حادثه، مسئول آن به پرداخت بیش از یک دیه به هر یک از زیان دیدگان محکوم شود، بیمه‌گر مکلف به پرداخت کل خسارات بدنی است، اعم از اینکه مبلغ مازاد بر دیه، کمتر از یک دیه کامل یا بیشتر از آن باشد.

ماده ۱۳- بیمه‌گر یا صندوق حسب مورد مکلفند خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم‌الاداء و با رعایت این قانون و سایر قوانین و مقررات مربوط پرداخت کنند. بیمه‌گر در صورتی‌که خسارت بدنی که به زیان‌دیده پرداخت نموده بیشتر از تعهد وی مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، می‌تواند نسبت به مازاد پرداختی، به صندوق رجوع یا در صورت موافقت صندوق در حساب‌های فی‌مابین منظور کند مشروط بر اینکه افزایش مبلغ قابل پرداخت بابت دیه متناسب به تأخیر بیمه‌گر نباشد.

در مواردی که به علت عدم رعایت ظرفیت مجاز وسیله نقلیه، مجموع خسارات بدنی زیان دیدگان وسیله نقلیه مقصر حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه‌گر به نسبت خسارت وارده به هر یک از زیان دیدگان بین آنان تسهیم می‌گردد و مابه‌التفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان دیدگان توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی وفق مقررات مربوط پرداخت و مطابق مقررات این قانون از مسبب حادثه باز یافت می‌شود.

میزان ظرفیت مجاز وسایل نقلیه با توجه به نوع و کاربری آن‌ها به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و راه و شهرسازی و بیمه مرکزی تهیه می‌شود و به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

در هر صورت تعداد جنین و اطفال زیر دو سال داخل وسیله نقلیه به ظرفیت مجاز خودرو اضافه می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

• **تعهد ریالی برای زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه؛**

تعهد ریالی بیمه‌گر در قبال زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه ده برابر سقف تعهدات بدنی بیمه‌نامه با رعایت تبصره ماده (۹) و ماده (۱۳) این قانون می‌باشد.

در مواردی که مجموع خسارات بدنی زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه‌گر به نسبت خسارت وارده به هر یک از زیان دیدگان بین آنان تسهیم می‌گردد و مابه‌التفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان دیدگان توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی وفق مقررات مربوط پرداخت می‌شود. (تبصره ماده ۱۲)

• **نحوه پرداخت خسارت در حوادث رانندگی منجر به جرح یا فوت؛**

۱- پرداخت بدون قید و شرط

در حوادث رانندگی منجر به جرح یا فوت که به استناد گزارش کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه، علت اصلی وقوع تصادف یکی از تخلفات رانندگی حادثه‌ساز باشد، بیمه‌گر مکلف است خسارت زیان دیده را بدون هیچ شرط و اخذ تضمین پرداخت کند.

۲- بازیافت خسارت از مسبب حادثه

پس از پرداخت بیمه‌گر می‌تواند به شرح زیر برای بازیافت به مسبب حادثه مراجعه کند:

الف) در اولین حادثه ناشی از تخلف حادثه‌ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه‌نامه:

معادل دو و نیم درصد از خسارت‌های بدنی و مالی پرداخت شده

ب) در دومین حادثه ناشی از تخلف حادثه‌ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه‌نامه :

معادل پنج درصد (۵٪) از خسارت‌های بدنی و مالی پرداخت شده

پ) در سومین حادثه ناشی از تخلف حادثه‌ساز و حوادث بعد از آن در طول مدت بیمه‌نامه :

معادل ده درصد (۱۰٪) از خسارت‌های بدنی و مالی پرداخت شده

- | | | |
|--|---|--|
| ۱- اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضائی
۲- رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان مؤثر در وقوع حادثه که به
تأیید نیرو انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد
۳- در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع
وسیله نقلیه نباشد.
۴- در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد. | } | شرایط پرداخت خسارت توسط
بیمه‌گر بدون اخذ تضمین و حق
بازیافت آن از مسبب حادثه |
|--|---|--|

- در صورت اختلاف بین بیمه‌گر و مسبب حادثه، اثبات موارد فوق در مراجع قضائی صالح صورت خواهد گرفت.

- در مواردی که طبق این قانون بیمه‌گر حق رجوع به مسبب حادثه یا قائم مقام قانونی وی را دارد، اسناد پرداخت خسارت از سوی بیمه‌گر در حکم اسناد لازم الاجراء است و از طریق دوائر اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قابل مطالبه و وصول می‌باشد.

در صورتی که حادثه در حین آموزش رانندگی توسط مراکز مجاز یا آزمون اخذ گواهینامه رخ دهد، خسارت پرداخت شده به وسیله شرکت بیمه از آموزش گیرنده یا آزمون دهنده قابل بازیافت نخواهد بود و حسب مورد آموزش دهنده یا آزمون گیرنده، راننده محسوب می‌شود.

چنانچه به حکم مرجع قضائی اثبات شود، عواملی نظیر نقص راه، نبودن یا نقص علائم رانندگی و نقص تجهیزات مربوط یا عیب ذاتی وسیله نقلیه، یا ایجاد مانع توسط دستگاه‌های اجرائی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در وقوع حادثه مؤثر بوده است، بیمه‌گر و صندوق پس از پرداخت خسارت زیان دیده می‌تواند برای بازیافت به نسبت درجه تقصیر که درصد آن در حکم دادگاه مشخص می‌شود به مسببان ذی ربط مراجعه کند.

دستگاه‌های ذی ربط مجازند مسئولیت کارکنان خویش را در قبال مسئولیت‌های موضوع این ماده از محل اعتبارات جاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تحت اختیار، بیمه کنند.

❖ موارد خارج از شمول بیمه شخص ثالث

- ۱- خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه و محمولات آن
 - ۲- خسارت مستقیم و یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو
 - ۳- جریمه یا جزای نقدی
 - ۴- اثبات قصد زیان دیده در ایراد صدمه به خود
 - ۵- اثبات هر نوع خدعه و تبانی نزد مراجع قضائی
- در صورت وجود اختلاف بین زیان دیده و بیمه گر در خصوص خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه و محمولات آن (بند ۱ فوق) و خسارت مستقیم و یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو (بند ۲)، معترض می تواند به مرجع قضائی صالح رجوع کند.
- صندوق تأمین خسارت های بدنی به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به یکی از علت های زیر قابل پرداخت نباشد، را جبران می کند:

۱- فقدان یا انقضای بیمه نامه

۲- بطلان قرارداد بیمه

۳- شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه

۴- کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه

۵- تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه

۶- صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون

۷- خسارت های بدنی خارج از تعهدات قانونی بیمه گر (به استثنای موارد مصرح در ماده ۱۷)

میزان تعهدات صندوق برای جبران خسارت های بدنی معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه های حرام با رعایت تبصره ماده (۹) و بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه نامه **به قیمت یوم الداء** پرداخت کند.

• مسئولیت صندوق تأمین خسارت های بدنی در صورت ورشکستگی یا انحلال شرکت بیمه

در صورت تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه در رشته بیمه شخص ثالث و ناتوانی آن از پرداخت خسارت به زیان دیدگان، به تشخیص بیمه مرکزی یا شورای عالی بیمه، یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی آن به وسیله دادگاه صالح، صندوق، خسارت بدنی که به موجب صدور بیمه نامه های موضوع این قانون به عهده بیمه گر است را پرداخته، پس از آن به قائم مقامی زیان دیدگان به بیمه گر مراجعه می کند.

در صورتی که زیان دیده، جز در موارد بیمه اختیاری، تمام یا بخشی از خسارت بدنی وارد شده را از مراجع دیگری مانند سازمان بیمه های اجتماعی یا سازمان بیمه کارمندان دولت یا صندوق های ویژه جبران خسارت دریافت کند، نسبت به همان میزان حق مراجعه به صندوق را ندارد.

در هر حال در صورتی که زیان دیده علاوه بر دریافت خسارت از سازمان ها و صندوق های ویژه مذکور از صندوق نیز خسارتی دریافت کند، صندوق حق استرداد دارد.

ماده ۲۵: صندوق مکلف است بدون اخذ تضمین از زیان دیده یا مسبب زیان، خسارت

زیان دیده را پرداخت نموده و پس از آن مکلف است به شرح زیر به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی وجوه پرداخت شده را باز یافت کند:

الف - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب نداشتن، انقضاء یا بطلان بیمه نامه باشد به مسبب حادثه رجوع می کند.

ب - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب تعلیق یا لغو پروانه یا توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون باشد به بیمه گر و مدیران آن رجوع می کند.

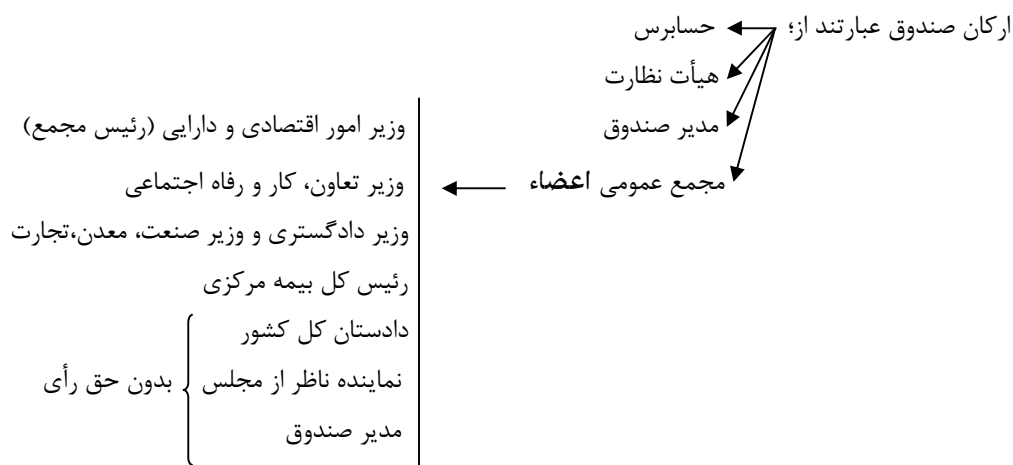
پ - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد، پس از شناخته شدن آن حسب مورد به مسبب حادثه یا بیمه گر وی رجوع می کند.

ت - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب خارج از ظرفیت بودن سرنشینان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد به مسبب حادثه رجوع می کند.

☆ در موارد زیر صندوق نمی‌تواند برای بازیافت به مسبب حادثه رجوع کند:

- ۱- در موارد جبران کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه (پرداخت خسارت به استناد ماده (۱۳) این قانون)
 - ۲- تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون
 - ۳- در مواردی که زیان‌دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف تعهدات بیمه‌گر موضوع تبصره ماده (۱۲) این قانون باشند.
 - ۴- در مواردی که صندوق به موجب قانون معادل دیه مرد مسلمان را به زیان‌دیده یا قائم‌مقام قانونی وی پرداخت می‌کند برای بازپرداخت مابه‌التفاوت دیه شرعی با دیه مرد مسلمان.
- به موجب تبصره ۲ ماده ۲۵ این قانون صندوق مجاز است با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت وقوع حادثه، علت نداشتن بیمه‌نامه، سوابق بیمه‌ای مسبب حادثه، وضعیت مالی و معیشتی مسبب حادثه و سایر اوضاع و احوال مؤثر در وقوع حادثه نسبت به تقسیط یا تخفیف در بازیافت خسارت از مسبب حادثه اقدام کند.
- اسناد مربوط به مطالبات و پرداخت‌های خسارت صندوق در حکم اسناد لازم‌الاجراء است و از طریق دواير اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک قابل مطالبه و وصول می‌باشد.

☆ صندوق تأمین خسارت‌های بدنی یک نهاد عمومی غیردولتی است.



- + مجمع عمومی صندوق حداقل یک‌بار در سال تشکیل می‌شود.
- + مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نیز به تقاضای هر یک از اعضا به دعوت رئیس مجمع تشکیل می‌شود.
- + مدیر صندوق به پیشنهاد رئیس کل بیمه مرکزی و تصویب مجمع عمومی انتخاب و با حکم رئیس مجمع عمومی برای مدت چهار سال منصوب می‌شود.
- + انتخاب مجدد مدیر صندوق برای یک دوره بلامانع است.
- + مجمع عمومی می‌تواند نسبت به عزل مدیر صندوق قبل از پایان مدت مذکور اتخاذ تصمیم کند.

ماده ۲۹: مرجع حل اختلاف بین صندوق و شرکت‌های بیمه

اختلافات بین صندوق و شرکت‌های بیمه در اجرای این قانون، توسط هیأتی با ترکیب زیر حل و فصل می‌شود:

۱. دو نفر حقوقدان آشنا با حقوق بیمه، به انتخاب وزیر دادگستری

۲. سه نفر متخصص بیمه:

- یک نفر به انتخاب بیمه مرکزی
- یک نفر به انتخاب صندوق
- یک نفر به انتخاب اتحادیه (سندیکای) بیمه‌گران

- ملاک تصمیم‌گیری: رأی اکثریت اعضای هیأت

- رأی صادره: لازم‌الاجرا

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

هر یک از طرفین می‌تواند ظرف ۲۰ روز از ابلاغ رأی، در مرجع قضائی صالح اقامه دعوی کند.

مهلت پرداخت خسارت توسط بیمه‌گر و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ← حداکثر ۱۵ روز پس از دریافت مدارک مورد نیاز.

• **پرداخت حداقل ۵۰ درصد دیه تقریبی در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی غیر از فوت؛**

+ در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی غیر از فوت

+ در صورت مطالبه زیان‌دیده

+ پس از دریافت گزارش از: کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس‌راه و یا کمیسیون جلوگیری از سوانح راه‌آهن موضوع تبصره ۲ ماده ۲ قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل‌ونقل ریلی مصوب ۶/۷/۱۳۸۴ (در خصوص حوادث مربوط به قطارهای شهری و بین شهری) و پزشکی قانونی -هرگاه پس از اینکه بیمه‌گر یا صندوق به موجب این قانون خسارتی را پرداخت کند و به موجب حکم قطعی، برای پرداخت تمام یا بخشی از خسارت مسئول شناخته نشوند، بیمه‌گر یا صندوق می‌تواند به همان میزان به محکوم‌علیه حکم قطعی، رجوع کند.

• **نحوه پرداخت خسارت مالی در حوادث رانندگی**

-در حوادث رانندگی منجر به خسارت مالی، پرداخت خسارت به صورت نقدی و با توافق زیان‌دیده و شرکت بیمه مربوط صورت می‌گیرد .
-در صورت عدم توافق طرفین در خصوص میزان خسارت قابل پرداخت، شرکت بیمه موظف است در صورت تقاضای زیان‌دیده، وسیله نقلیه خسارت‌دیده را در تعمیرگاه مجاز و یا تعمیرگاهی که مورد قبول زیان‌دیده باشد تعمیر نموده و هزینه‌های تعمیر را تا سقف تعهدات مالی مندرج در بیمه‌نامه مذکور پرداخت کند.

• **الزام به داشتن بیمه‌نامه شخص ثالث برای رانندگی**

-حرکت وسایل نقلیه موتوری زمینی بدون داشتن بیمه‌نامه موضوع این قانون ممنوع است .
-کلیه دارندگان وسایل مزبور مکلفاند سند حاکی از انعقاد قرارداد بیمه را هنگام رانندگی همراه داشته باشند و در صورت درخواست مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس‌راه ارائه کنند .
-مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس‌راه موظفاند از طرق مقتضی مانند دوربین‌های نظارت ترافیکی ضمن شناسایی وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه نسبت به اعمال جریمه‌های مربوط اقدام کنند .
همچنین مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس‌راه موظفاند در صورت احراز فقدان بیمه‌نامه، وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون را تا هنگام ارائه بیمه‌نامه مربوط در محل مطمئنی متوقف کنند.

ماده ۵۰: الزام اطلاع‌رسانی به بیمه‌گر یا صندوق در دعاوی حوادث رانندگی

کلیه مراجع قانونی رسیدگی به دعاوی ناشی از حوادث رانندگی (مانند دادسرا و دادگاه) موظفاند: در صورتی که بیمه‌گر یا صندوق طرف دعوا نباشند، آن‌ها را از طرح دعوا علیه مسبب حادثه مطلع کنند.

-زمان تشکیل جلسات دادگاه را به صورت رسمی به آن‌ها اطلاع دهند.

-پس از صدور رأی، نسخه‌ای از رأی را به آن‌ها ابلاغ کنند.

بیمه‌گر یا صندوق می‌توانند:

با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، نسبت به خسارات بدنی و مالی در دعوی وارد شوند یا پس از صدور رأی قطعی، طبق مقررات آیین دادرسی مدنی اعتراض ثالث کنند.

تبصره ۱: اعتراض ثالث شرکت بیمه یا صندوق، مانع اجرای حکم نیست.

تبصره ۲: عدم اعلام طرح دعوی یا عدم ابلاغ رأی به بیمه‌گر یا صندوق، مستوجب مجازات انتظامی درجه ۳ موضوع ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات است.

ماده ۵۲: قوه قضائیه مکلف است تا پایان پانزدهم اسفند هر سال میزان ریالی دیه موضوع ماده (۵۴۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ را تعیین و برای اجراء از ابتدای سال بعد اعلام کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۶۰: فروش هر نوع بیمه‌نامه یا مبادرت به عملیات بیمه‌گری یا نمایندگی بیمه بدون مجوز قانونی، در حکم **کلاهبرداری** است و مرتکب علاوه بر مجازات کلاهبرداری، ضامن جبران خسارت وارده حسب مورد به زیان‌دیده یا صندوق به نرخ جبران می‌باشد.

ماده ۶۱: هر کس با انجام اعمال متقلبانه مانند صحنه‌سازی صوری تصادف، تعویض خودرو یا ایجاد خسارت عمدی، وجوهی را بابت خسارت دریافت کند، به حبس تعزیری درجه شش و جزای نقدی معادل دو برابر وجوه دریافتی محکوم می‌شود. شروع به جرم مندرج در این ماده علاوه بر مجازات مقرر برای شروع به جرم در قانون مجازات اسلامی، مستوجب جزای نقدی درجه پنج می‌باشد.

ماده ۶۲: هرگاه شخصی برخلاف واقع خود را به‌عنوان راننده وسیله نقلیه مسبب حادثه معرفی کند به مجازات حبس درجه هفت محکوم می‌شود؛ راننده نیز چنانچه در این امر تبانی کرده باشد به مجازات مذکور محکوم می‌شود.

ماده ۶۵ - بیمه‌نامه‌های صادره پیش از لازم الاجراء شدن این قانون مشمول قانون زمان صدور خود هستند لکن در هر حال احکام بندهای (الف) و (ب) ماده (۴)، مواد (۱۱)، (۱۹)، (۲۲)، (۲۵)، (۳۰) و ماده (۳۲) و تبصره‌های آن، مواد (۳۶)، (۳۷)، (۳۸)، (۴۹)، (۵۰) و (۶۰) در مورد بیمه‌نامه‌هایی که هنوز خسارات تحت پوشش آن‌ها پرداخت نشده نیز لازم‌الرعایه است.

بخش سوم - قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

▪ رأی وحدت رویه شماره ۷۲ - ادامه رسیدگی به دعوی حجر پس از فوت

فوت شخصی که درخواست حجر او مطرح شده، مانع ادامه رسیدگی دادگاه نیست.

علت: آثار مترتب بر حجر، با فوت محجور از بین نمی‌رود. هرچند اثر حکم حجر از تاریخ قطعیت حکم است، اما: اگر ثابت شود علت حجر قبل از صدور حکم وجود داشته، اثر حکم از تاریخ وجود علت حجر مترتب خواهد شد. نتیجه: دادگاه باید رسیدگی را به طرفیت وراثت ادامه دهد و حکم مقتضی صادر نماید.

◆ مواد مرتبط با رأی وحدت رویه

- ماده ۷۰ قانون امور حسبی:

اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم است، مگر اینکه ثابت شود علت حجر قبل از تاریخ حکم وجود داشته که در این صورت اثر حجر از تاریخ وجود علت خواهد بود.

- ماده ۷۱ قانون امور حسبی:

اگر علت حجر پس از رشد ایجاد شده باشد، دادگاه باید تاریخ شروع حجر را که بر او معلوم شده، در حکم قید کند.

• رأی وحدت رویه شماره ۷۱۹:

مستفاد از مقررات قانون امور حسبی راجع به تقسیم، تقسیم ترکه در صورت عدم تراضی ورثه امری است که محتاج رسیدگی قضایی است و باید در دادگاه به عمل آید. همین حکم در موردی هم که ترکه منحصر به یک یا چند مال غیر منقول باشد جاری است.

▪ رأی وحدت رویه شماره ۷۵۳ - صلاحیت دادگاه در امور قیمومت

حکم ماده ۴۸ قانون امور حسبی که مقرر داشته «امور قیمومت راجع به دادگاهی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است» و در رأی وحدت رویه شماره ۲۲۴ - ۲۷/۷/۱۳۲۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز بر آن تأکید شده است، ناظر به مواردی است که ابتدائاً باید برای محجور قیم تعیین شود و لکن بعد از تعیین قیم به حکم ماده ۵۴ همان قانون «عزل و تعیین قیم جدید و تعیین قیم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که بدو تعیین قیم کرده است»، بر این اساس در مواردی که دادستان هم طبق ماده ۲۱ قانون یاد شده مکلف به اقدامی باشد، دادرایی که در معیت این دادگاه انجام وظیفه می‌نماید، صالح به رسیدگی است.

◆ مواد مرتبط با رأی وحدت رویه

ماده ۲۱ قانون امور حسبی: در مواردی که دادستان مکلف به اقدامی است، اقدام به عهده دادرسی دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه آن دادگاه به عمل می‌آید.

ماده ۴۸ قانون امور حسبی: امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن باشد. اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد، دادگاهی که محل سکونت محجور در حوزه آن است، صالح خواهد بود.

ماده ۵۴ قانون امور حسبی: عزل و تعیین قیم جدید، تعیین قیم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است، با دادگاهی است که ابتدا قیم را تعیین کرده است.

• **رأی وحدت رویه شماره ۸۰۰ مصوب ۱۳۶۶:**

عدم قابلیت فرجام‌خواهی احکام حجر - استناد به قانون امور حسبی
بر اساس ماده ۲۷ قانون امور حسبی، تصمیم دادگاه فقط در مواردی قابل فرجام است که در قانون تصریح شده باشد.
در مورد تصمیم دادگاه راجع به حجر، قانون تصریحی بر حق فرجام‌خواهی ندارد.
مستنبط از ماده ۴۴ قانون امور حسبی که حق فرجام در آن پیش‌بینی شده، این حق فقط ناظر به موردی است که شخص ثالث بر تصمیم دادگاه اعتراض کرده باشد.
نتیجه: احکام مربوط به حجر برای اشخاص ذینفعی که طبق ماده ۱۵ قانون امور حسبی در جریان رسیدگی دخالت داشته و عنوان شخص ثالث ندارند، قابل فرجام‌خواهی نیست.
☞ مواد مرتبط با این رأی به شرح زیر است:

۱- **ماده ۲۷ قانون امور حسبی:** تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جز آنچه در قانون تصریح شده باشد.

۲- **ماده ۴۴ قانون امور حسبی:** کسانی که تصمیم دادگاه را در امور حسبی برای خود مضر بدانند می‌توانند بر آن اعتراض نمایند خواه تصمیم از دادگاه نخست صادر شده یا از دادگاه پژوهشی باشد و حکمی که در نتیجه اعتراض صادر می‌شود قابل پژوهش و فرجام است.

۳- **ماده ۱۵ قانون امور حسبی:** اشخاص ذی‌نفع می‌توانند شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود.
تبصره - نماینده اعم از وکلاء دادگستری یا غیر آن‌هاست.

• **رأی وحدت رویه شماره ۱۶۷۸ - ۱۳۲۹/۱۰/۲۳:**

رسیدگی به اعتراض بر تصدیق انحصار وراثت در مواردی که مبتنی و متوقف بر رسیدگی به موضوع نسب باشد با همان دادگاهی است که به موضوع نسب رسیدگی می‌نماید.

• **رأی وحدت رویه شماره ۱۷۹۸ مصوب ۱۳۳۱:**

اداره ترکه طبق ماده (۱۶۲) قانون امور حسبی از امور راجع به ترکه است و به موجب ماده (۱۶۳) قانون مزبور با دادگاه بخش آخرین اقامتگاه متوفی در ایران می‌باشد و موافق ماده (۳۲۷) آن قانون همین که معلوم نباشد متوفی دارای وارث است دادگاه بخش به تقاضای دادستان یا اشخاص ذی‌نفع اقدام به تعیین مدیر ترکه می‌نماید اعم از این که متوفی بازرگان یا غیربازرگان بوده باشد و لزوم رعایت مقررات مربوط به تصفیه امور ورشکسته در مورد اداره ترکه متوفی حسب اشعار ماده (۲۷۴) با لحاظ ماده (۳۳۲) قانون مذکور مستلزم صدور حکم ورشکستگی نسبت به متوفی نخواهد بود.

• **رأی وحدت رویه شماره ۲۴۶۷ مصوب ۱۳۳۵:** چون به موجب ماده (۹۹) قانون امور حسبی قیم می‌تواند از تصمیم دادگاه راجع به عزل خود پژوهش بخواهد، بنابراین اگر تصمیم در غیاب او به عمل آمده باشد حق واخواهی نخواهد داشت.
☞ مواد مرتبط با این رأی به شرح زیر است:

ماده ۹۹ قانون امور حسبی: قیم از تصمیم دادگاه راجع به عزل خود و دادستان از رد درخواست عزل قیم می‌تواند پژوهش بخواهد و مادامی که تکلیف قطعی معین نشده امور صغیر به وسیله دادستان یا قیمی که موقتاً برای محجور معین می‌شود انجام خواهد شد.

▪ تعریف امور حسبی

ماده ۱ قانون امور حسبی: امور حسبی، اموری هستند که دادگاه‌ها مکلف به رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد آن‌ها هستند، بدون اینکه این رسیدگی متوقف بر وجود اختلاف یا دعوا میان اشخاص یا اقامه دعوا از سوی آن‌ها باشد.

ماده ۳ قانون امور حسبی - مرجع رسیدگی:

رسیدگی به امور حسبی در دادگاه‌های حقوقی انجام می‌شود.

ماده ۴ قانون امور حسبی - ارجاع و نیابت قضایی

اگر در امور حسبی، انجام امری خارج از حوزه دادگاهی که موضوع در آن مطرح است لازم باشد:

دادگاه می‌تواند انجام آن را به دادگاه صالح محل ارجاع دهد.

دادگاه مرجوع‌الیه، امر را انجام داده و نتیجه را به دادگاه ارجاع‌کننده اعلام می‌کند.

مقررات مربوط به نیابت قضایی در آیین دادرسی مدنی، شامل امور حسبی نیز می‌شود.

← اگر دو یا چند دادگاه صالح برای رسیدگی به یک موضوع وجود داشته باشد: دادگاهی که ابتدا به آن مراجعه شده است، رسیدگی خواهد کرد.
⚡ دادرسی باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند:

۱- اموری که در آن‌ها ذینفع است.

۲- امور راجع به زوجه خود (زوجه‌ای که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است).

۳- امور اقرباء نسبی و سببی خود در درجه یک و دو، از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم.

۴- امور راجع به اشخاصی که سمت ولایت یا قیمومت یا نمایندگی نسبت به آن‌ها دارد.

در موارد خودداری دادرسی هرگاه در آن حوزه دادرسی صلاحیت‌دار برای رسیدگی نباشد رسیدگی به دادگاه نزدیک‌تر ارجاع می‌شود.

☑ در ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی موارد رد دادرسی هم از جانب خود دادرسی هم از جانب طرفین پیش‌بینی شده، درحالی‌که در قانون امور حسبی این امکان فقط برای دادرسی پیش‌بینی شده است و طرفین دعوا نمی‌توانند دادرسی را رد کنند.

طبق ماده ۱۵ قانون امور حسبی: اشخاص ذی‌نفع می‌توانند شخصاً در دادگاه حاضر شده یا نماینده بفرستند یا می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند.

و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرسی محرز شود. این نماینده می‌تواند از وکلای دادگستری یا غیر از آنان باشد.

هرگاه ضمن رسیدگی به امور حسبی دعوایی از طرف اشخاص ذینفع حادث شود که رسیدگی به امور حسبی متوقف به تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد دادرسی در صورت درخواست دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات دادرسی فوری صادر می‌نماید.

مستفاد از ماده ۲۰ قانون مزبور اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص به مواردی است که در قانون تصریح شده است.

مهم‌ترین وظیفه دادستان در امور حسبی، عبارت است از:

- حفظ حقوق صغار، مجانین و اشخاص غیر رشید و نظارت بر امور آنان همچون پیشنهاد نصب و عزل قیم به دادگاه عمومی (خانواده)،

- تقاضای تعیین ناظر برای قیم

- حفظ حقوق غایب مفقودالاثر

- درخواست تعیین امین برای اداره اموال او از دادگاه عمومی.

☑ در مواردی که دادستان مکلف به اقدامی می‌باشد اقدام به عهده دادرسی دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه آن دادگاه به عمل می‌آید.

☑ طبق ماده ۲۷ قانون امور حسبی؛ تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جز آنچه در قانون تصریح شده باشد.

ماده ۲۸ قانون امور حسبی - مرجع و شرایط شکایت پژوهشی (تجدیدنظر)

مرجع تجدیدنظر از تصمیمات قابل پژوهش در امور حسبی:

دادگاهی که طبق آیین دادرسی مدنی، صلاحیت رسیدگی پژوهشی به احکام دادگاه صادرکننده تصمیم را دارد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

تجدید مهلت پژوهش: اگر پژوهش خواه ثابت کند که در مهلت مقرر، به علت عذر موجه نتوانسته پژوهش بخواند،
-و ظرف ۱۰ روز از رفع عذر درخواست کند، دادگاه مرجع تجدیدنظر می تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید.
شرط: از تاریخ پایان مهلت پژوهش بیش از ۶ ماه نگذشته باشد.

مدت مهلت جدید:

نباید بیش از مهلت عادی پژوهشی باشد.

درخواست تجدید مهلت بیش از یک بار پذیرفته نمی شود.

ماده ۳۵ قانون امور حسبی - اثر تجدیدنظرخواهی بر اجرای تصمیم

شکایت پژوهشی (تجدیدنظرخواهی) باعث تعویق اجرای تصمیم مورد شکایت نمی شود، مگر اینکه دادگاه تجدیدنظر قرار تأخیر اجرا صادر کند.
ماده ۴۷ قانون امور حسبی: در مورد دعوی خیانت یا عدم لیاقت و سایر موجبات عزل وصی یا قیم یا ضم امین ترتیب رسیدگی مطابق مقررات این قانون است و حکمی که در این خصوص صادر می شود مطابق آئین دادرسی مدنی قابل پژوهش و فرجام است.
[X] حکم عزل وصی یا قیم یا ضم امین از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار است و مشمول قاعده فراغ دادرسی نیز می شود.

❖ قیمومت

ماده ۴۸ قانون امور حسبی: امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است و اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه سکنی دارد و برای امور قیمومت صالح است.
اگر محجور در خارج ایران اقامت یا سکنی داشته باشد امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستان تهران است.
در فرضی که متوفایی دارای صغاری باشد که اقامتگاه آن ها مختلف است دادگاهی که برای یک نفر از صغار بدو تعیین قیم کرده است می تواند برای صغاری هم که در حوزه آن دادگاه اقامت ندارند قیم معین نماید.

همچنین اگر قیم معین نشده باشد دادگاهی که ← کوچکترین صغیر در حوزه آن اقامت دارد برای تعیین قیم نسبت به تمام صغار صلاحیت خواهد داشت و در فرض آخر اگر معلوم نباشد کدام یک از صغار کوچکتر هستند هر یک از دادگاه ها که صغیر در حوزه آن دادگاه اقامت دارد صالح است.

[X] هرگاه در اقامتگاه محجور دادگاه صلاحیت دار برای امور قیمومت نباشد امور مزبور با نزدیکترین دادگاه صلاحیت دار به اقامتگاه محجور خواهد بود.

طبق ماده ۵۳ این قانون در صورتی که اقامتگاه محجور معلوم نباشد امور قیمومت با دادگاهی است که محجور در حوزه آن دادگاه یافت می شود.

ماده ۵۴ قانون امور حسبی: عزل و تعیین قیم جدید و تعیین قیم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که بدو تعیین قیم کرده است.

☆ نکته: با توجه به رأی وحدت رویه ۸۱۶ در صورتی که برای محجوری قیمی تعیین شود و سپس اقامتگاه قانونی محجور تغییر یابد دادگاه و دادسرای محل اقامت جدید محجور برای رسیدگی و اقدام به امور صالح است و مفاد ماده ۵۴ قانون یاد شده با توجه به فلسفه وضع ماده صدرالذکر، منصرف از این موارد است.

ماده ۶۴ قانون امور حسبی: دادگاه می تواند شخصی را که درخواست حجر او شده است قبل از صدور حکم و یا بعد از صدور حکم و قبل از قطعی شدن آن از بعض یا تمام تصرفات در اموال موقتاً ممنوع نماید و در این صورت دادگاه امینی موقتاً برای حفظ اموال و تصرفاتی که ضرورت دارد معین می نماید.

اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می شود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حکم حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب می شود.

بعد از قطعی شدن حکم حجر به واسطه انقضاء مدت پژوهش یا صدور حکم پژوهشی به حجر اقدام به تعیین قیم می گردد.

هر یک از دادگاه ها که در جریان دعوی مطلع به وجود محجوری شود که ولی یا وصی یا قیم نداشته باشد باید به دادستان برای تعیین قیم اطلاع بدهد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

قیم باید در ظرف **سه روز** پس از ابلاغ با رعایت مسافت قبول یا عدم قبول قیمومت را به دادستان اطلاع دهد و اگر در این مدت قبول خود را اطلاع نداد یا قیمومت را قبول نکرد دادستان دادگاه را برای تعیین شخص دیگری به سمت قیمومت مطلع می کند.

و هرگاه قبل از تعیین قیم جدید شخصی که قبلاً به قیمومت معین شده قبول قیمومت را به دادستان اطلاع دهد شخص دیگری معین نخواهد شد.

برای چند نفر محجور می توان یک قیم معین نمود مگر اینکه اداره امور هر یک از آنان به نحوی باشد که نیاز به قیم جداگانه داشته باشد.

پدر یا مادر محجور مادامی که شوهر ندارد با داشتن صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم می باشد؛ و اگر زنی محجور شود شوهر او نیز دارای اولویت برای قیم شدن می باشد.

در صورتی که محجور ولی یا وصی داشته باشد دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او ندارند و فقط دادرس بعد از رسیدگی لازم می تواند وصایت وصی را تصدیق نماید.

ماده ۶۶ قانون امور حسبی: دادستان و محجور و قیم محجور نسبت به تصمیمات دادگاه در موارد زیر می توانند پژوهش بخواهند اگر قیم متعدد باشد هر یک از آن ها حق پژوهش دارند؛

- حکم حجر

- حکم بقاء حجر

- رفع حجر

- رد درخواست حجر

- رد درخواست بقاء حجر

- رد درخواست رفع حجر

اختیارات قیم

قیم از تاریخی که سمت قیمومت به او اطلاع داده می شود شروع به اعمال قیمومت خواهد نمود.

☆ **نکته:** اگر قیم پس از تاریخ نصب و قبل از ابلاغ به او عملی به عنوان قیمومت نسبت به محجور کرده باشد **نافذ است**.

قیم باید اموال ضایع شدنی محجور را بفروشد و از پول آن با رعایت مصلحت محجور مالی خریداری و یا به ترتیب دیگری که مصلحت باشد رفتار نماید.

قیم می تواند با رعایت مصلحت اموال منقوله ای که مورد احتیاج محجور نیست فروخته و نسبت به پول آن مطابق فوق عمل نماید.

همچنین باید هزینه زندگانی محجور و اشخاص واجب النفقه او و همچنین هزینه معالجه آن ها را در بیمارستان و و هزینه لازم دیگر از قبیل هزینه تربیت اطفال محجور را بپردازد.

☑ با توجه به اطلاق ماده ۸۳ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ و همچنین ماده ۱۲۴۱ قانون مدنی، فروش اموال غیر منقول محجور توسط قیم مستلزم رعایت غبطه محجور و تصویب دادستان است؛ بنابراین چنانچه معامله بدون اجازه مدعی العموم انجام پذیرفته باشد، چنین معامله ای نافذ نیست و در صورت رد آن توسط دادستان، معامله باطل است.

✓ **اموال غیر منقول محجور** فروخته نخواهد شد مگر با رعایت غبطه او + تصویب دادستان.

✓ معامله با خود توسط قیم، اعم از بیع و صلح، منع شده است.

✓ قیم نمی تواند ضامن دیگری گردیده؛ و مال غیر منقول محجور را، به عنوان وثیقه تأدیه دین، به طلبکار مدیون بسپارد.

✓ قیم حق ندارد مال خود را، به محجور قرض داده؛ و در مقابل، مال او را، به رهن خویش در آورد.

✓ قیم، در موارد ضروری، نظیر درمان مولی علیه که تأخیر در آن جایز نیست؛ می تواند بدون اذن دادستان، مبادرت به اخذ وام نموده؛ و در مقابل، مال غیر منقول مولی علیه را، به رهن گذارد.

★ در صورتی که پزشک ازدواج مجنون را لازم بداند قیم با اجازه دادستان می تواند برای مجنون ازدواج نماید و هرگاه طلاق زوجه مجنون لازم باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه قیم طلاق می دهد.

قیم باید بعد از رفع حجر اموال محجور را به تصرف او بدهد و اگر در مدت حجر سمت قیمومت از قیم سلب و به جای او شخص دیگری معین شد اموال را به تصرف قیم بعدی بدهد.

قیم می تواند هزینه تهیه صورتحساب و تسلیم اموال را اگر از اموال محجور برداشته است پس از زوال سمت خود از محجوری که رفع حجر از او شده یا کسی که به جای او به سمت قیمومت منصوب شده است مطالبه نماید.

ماده ۸۹ قانون امور حسبی: در صورت فوت قیم ورثه کبیر او اگر باشند مکلف هستند به دادستان اطلاع دهند و مادام که قیم جدید معین نشده حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیررشید که قیم آنها فوت شده به عهده دادستان خواهد بود.

☆ قیمومت موقعیت قائم به شخص است و قهراً با فوت قیم پایان می پذیرد.

هرگاه قیم در پول محجور به سود خود تصرف نماید از تاریخ تصرف مسئول خسارت تأخیر تأدیه می باشد.

اگر قیم متعدد بوده ← با شرکت یکدیگر در اموال محجور تعدی یا تفریط نمایند هر یک از آنها مسئولیت تضامنی دارند.

بدون شرکت دیگران تعدی یا تفریط در اموال محجور نمایند مسئولیت متوجه به کسی خواهد بود که تعدی یا تفریط کرده است.

ماده ۹۶ قانون امور حسبی: محجور ممیز می تواند از قیم برای ندادن هزینه و کوتاهی او در تربیت و نگاهداری خود شکایت نماید در این صورت هرگاه دادگاه شکایت را وارد دید دستوری که مناسب است می دهد و قیم باید بر طبق آن دستور عمل کند. مفاد این ماده در موردی که دادستان کوتاهی قیم را در تربیت و نگهداری محجور و دادن هزینه او به دادگاه اطلاع بدهد اجرا خواهد شد.

مح عزل قیم

حق اعلام سبب عزل:

محجور یا هر ذی علاقه می تواند وجود سبب عزل قیم را به دادستان اطلاع دهد.

اقدام دادستان:

اگر دادستان وجود سبب عزل را احراز کند، از دادگاه درخواست عزل قیم می کند.

رسیدگی دادگاه:

- احضار قیم
- در صورت لزوم، احضار دادستان
حکم عزل باید مستدل و موجه صادر شود.

✦ اعمال قیم بعد از ابطال حکم عزل او نافذ نیست.

مح امین

ماده ۱۰۳ قانون امور حسبی: علاوه بر مواردی که مطابق قانون مدنی تعیین امین می شود در موارد زیر نیز امین معین خواهد شد:

۱- برای اداره سهم الارثی که ممکن است از ترکه متوفی به جنین تعلق گیرد در صورتی که جنین ولی یا وصی نداشته باشد.

۲- برای اداره اموالی که به مصارف عمومی اختصاص داده شده و مدیری نداشته باشد.

★ همچنین کسی که در اثر کبر سن یا بیماری و امثال آن از اداره تمام و یا بعض اموال خود عاجز شده می تواند از دادگاه بخواهد که برای اداره اموال او امین معین شود. کسی که به عنوان عجز از اداره اموال برای او امین معین شده اگر تصرفی در اموال خود بنماید نافذ است و امین نمی تواند او را ممانعت نماید. (امین برای عاجز در حکم وکیل است)

دادگاه صالح
۱- جنین: دادگاه محل اقامت مادر جنین
۲- عاجز: محل اقامت وی
تعیین امین
۳- سایر موارد: دادگاه حوزه ای که نیاز به تعیین امین وجود دارد.

مادر جنین در صورت داشتن صلاحیت برای امین شدن بر دیگران مقدم است مگر در صورت عدم صلاحیت یا عدم قبول او که در نتیجه اقربای نسبی و سببی جنین بر دیگران مقدم خواهند بود.

اشخاصی که نباید به قیمومت منصوب شوند به سمت امین نیز معین نخواهند شد

ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی: اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند:

۱- کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند؛

۲- کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشند:

سرقه، خیانت در امانت، کلاهبرداری، اختلاس، هتک ناموس یا منافیات عفت، جنحه نسبت به اطفال، ورشکستگی به تقصیر.

۳- کسانی که حکم ورشکستگی آن‌ها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آن‌ها تصفیه نشده است؛

۴- کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند؛

۵- کسی که خود یا اقربای طبقه‌ی اول او دعوایی بر محجور داشته باشد

در مواردی که برای جنین امین معین شده است پس از تولد طفل سمت وی زائل می‌شود و در غیر این مورد نیز پس از زوال سببی که موجب تعیین امین شده موجب زائل شدن سمت خواهد شد.

مقررات راجع به قبول قیم، عزل قیم و هزینه‌های مصرفی از جانب قیم نسبت به امین هم جاری است.

❖ غایب مفقودالثر - تعیین امین و صلاحیت دادگاه

حق درخواست تعیین امین:

-دادستان

-اشخاص ذی‌نفع (مانند وراث و بستانکاران)

می‌توانند از دادگاه درخواست تعیین امین برای اداره اموال غایب کنند.

مرجع صالح برای رسیدگی به امور غایب:

اصل: دادگاه شهرستان آخرین اقامتگاه غایب

اگر آخرین اقامتگاه غایب در خارج از ایران باشد:

➤ دادگاهی که آخرین محل سکونت غایب در حوزه آن بوده، صالح است.

اگر غایب در ایران اقامتگاه یا محل سکونت نداشته یا محل آن معلوم نباشد:

➤ دادگاهی که وراث غایب در حوزه آن سکونت دارند، صالح است.

اگر وراث غایب در ایران معلوم نباشند:

➤ دادگاهی که غایب در آن مال دارد، صالح است.

تقدم در تعیین امین:

شخصی که در زمان غیبت، عملاً امور غایب را اداره می‌کرده، در تعیین امین، بر دیگران مقدم است.

❖ دادن اموال به طور موقت به تصرف ورثه

بعد از گذشتن دو سال تمام از آخرین خبر غایب ورثه او می‌توانند از دادگاه درخواست کنند که دارایی غایب به تصرف آن‌ها داده شود.

در صورت احراز صلاحیت درخواست‌کننده، آگهی‌ای مشتمل بر درخواست نامبرده و دعوت اشخاصی که از غایب اطلاعی دارند برای اظهار اطلاع به دادگاه ترتیب داده می‌شود.

آگهی مذکور فوق در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر می‌شود و پس از یک سال از تاریخ نشر آخرین آگهی در صورت وجود شرایط مذکور در ماده ۱۰۲۵ و ۱۰۲۶ قانون مدنی اموال غائب به تصرف ورثه او داده می‌شود.

در صورتی که غایب برای اداره اموال خود کسی را معین کرده باشد و آن کس فوت شود یا به جهت دیگری صلاحیتش برای اداره اموال از بین برود **امین** برای اداره اموال معین می گردد و اموال به تصرف ورثه داده نمی شود تا حکم موت فرضی غائب صادر شود.

هرگاه در بین اموال غایب مال ضایع شدنی باشد ورثه یا امین که اموال غایب به تصرف آن ها داده شده آن مال را فروخته و از نتیجه فروش با رعایت مصلحت غایب مالی خریداری و یا اقدام دیگری که به صرفه غایب باشد می نماید.

هر یک از امین و ورثه که اموال غایب به تصرف آن ها داده شده است می توانند با اجازه دادستان اموال منقوله غایب را که مورد احتیاج نیست فروخته و از پول آن مال دیگری که موافق مصلحت غایب باشد خریداری و یا اقدام دیگری که به صرفه غایب باشد بنمایند.

ورثه و وصی و موصی له که اموال غایب موقتاً به آن ها تسلیم می شود باید اموال را با رعایت مصلحت غایب حفظ و اداره نمایند و آن ها در اداره اموال غایب به منزله وکیل او خواهند بود.

☆ **نفقه اشخاص واجب النفقه غایب و دیون غایب** از وجوه نقد یا منافع اموال او داده می شود و در صورت عدم کفایت از اموال منقوله فروخته خواهد شد و اگر اموال منقول هم کافی نباشد از اموال غیرمنقول فروخته می شود.

لازم است ذکر شود هرگاه در پرداخت نفقه یا دیون نیاز به فروش اموال شود، فروش اموال غیرمنقول **باید با اجازه دادستان باشد**.

به جز مورد قبل ورثه و امین حق ندارند اموال غیر منقول غایب را بفروشند یا رهن بگذارند.

هرگاه بین ورثه غایب غایبی، محجوری باشد سهم او به امین، ولی یا قیم یا وصی سپرده خواهد شد.

❖ در حکم موت فرضی

این اشخاص می توانند از دادگاه درخواست کتبی صدور حکم موت فرضی غایب را بنمایند؛

۱- ورثه غایب

۲- وصی و موصی له

به موجب ماده ۱۵۹ قانون مزبور درخواست کننده می تواند از رد درخواست خود و دادستان از حکم موت فرضی پژوهش بخواهد و رأی پژوهش قابل فرجام نیست.

بعد از قطعیت موت فرضی تأمیناتی که از امین یا ورثه گرفته شده است مرتفع می شود.

و چنانچه موت حقیقی یا زنده بودن غایب معلوم شود اقداماتی که راجع به موت فرضی او به عمل آمده بلاثر شده مگر اقداماتی که برای حفظ و اداره اموال غایب شده است.

❖ ترکه

به موجب ماده ۱۶۲ قانون امور حسبی؛ امور راجع به ترکه عبارت است از اقداماتی که برای حفظ ترکه و رسانیدن آن به صاحبان حقوق می شود از قبیل مهر و موم و تحریر ترکه و اداره ترکه و غیره.

❖ ترکه: یا ماترک یعنی قسمت مثبت دارایی به جامانده از متوفی.

❖ تحریر ترکه: عبارت است از تعیین مقدار ترکه و دیون متوفی.

امور راجع به ترکه با دادگاه بخشی است که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران در حوزه آن دادگاه بوده و اگر متوفی در ایران اقامتگاه نداشته با دادگاهی است که آخرین محل سکنا متوفی در حوزه آن دادگاه بوده است.

هرگاه متوفی در ایران اقامتگاه یا محل سکنی نداشته دادگاهی صالح است که ترکه در آنجا واقع شده و اگر ترکه در جاهای مختلف باشد دادگاهی که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است صلاحیت خواهد داشت و اگر اموال غیرمنقول در حوزه های متعدد باشد صلاحیت با دادگاهی است که قبلاً شروع به اقدام کرده.

هرگاه تمام یا قسمتی از اموال متوفی در حوزه دادگاهی غیر از دادگاهی که مطابق مواد فوق صالح است باشد دادگاهی که اموال در حوزه آن دادگاه است اقدامات راجع به حفظ اموال متوفی را از قبیل مهر و موم به عمل آورده رونوشت صورت مجلس عملیات خود را به دادگاهی که مطابق دو بند فوق برای رسیدگی به امور ترکه صالح است می فرستند.

- ۱- هر یک از ورثه متوفی یا نماینده قانونی آن‌ها.
- ۲- موصی‌له در صورتی که وصیت به جزء مشاع شده باشد.
- ۳- طلبکار متوفی که طلب او مستند به سند رسمی یا حکم قطعی باشد به مقدار طلب در صورتی که و موم ترکه
- ۴- کسی که از طرف متوفی به عنوان وصایت معین شده باشد.

ماده ۱۶۸ قانون امور حسبی: دادگاه بخش در موارد زیر پس از اطلاع اقدام به مهر و موم می‌نماید:

- ۱- در موردی که کسی که در خانه استیجاری یا مهمانخانه و امثال آن فوت شده و کسی برای حفظ اموال او نباشد.
- ۲- در صورتی که از اموال دولتی یا عمومی نزد متوفی امانت باشد.
- در مورد شق اول این ماده مالک خانه یا مدیر مهمانخانه و امثال آن‌ها مکلفند به دادگاه بخش اطلاع بدهند.
- در مورد شق ۲ ماده فوق مهر و موم فقط نسبت به اموال دولتی یا عمومی که نزد متوفی امانت بوده است به عمل می‌آید مگر اینکه اشخاص صلاحیت‌دار درخواست مهر و موم نسبت به بقیه اموال را بنمایند.
- ماده ۱۹۲ قانون امور حسبی: بعد از تحریر ترکه درخواست مهر و موم پذیرفته نمی‌شود و اگر در اثناء تحریر ترکه درخواست مهر و موم بشود فقط آن مقداری که تحریر نشده است مهر و موم می‌گردد.
- درخواست برداشتن مهر و موم از دادگاه بخشی می‌شود که برای رسیدگی به امور ترکه صالح است و هرگاه ترکه در حوزه دادگاه بخش دیگری باشد دادگاه بخش محل وجود ترکه به دستور دادگاه مذکور اقدام به رفع مهر و موم می‌نماید و صورتمجلس مربوط به این عمل را به دادگاهی که دستور برداشتن مهر و موم را داده است می‌فرستد.

ماده ۲۱۸ قانون امور حسبی: در مدتی که ترکه تحریر می‌شود تصرف در ترکه ممنوع است مگر تصرفاتی که برای اداره و حفظ ترکه لازم است.

ماده ۲۱۹ قانون امور حسبی - توقف عملیات اجرایی بدهی متوفی

در مدت تحریر ترکه، عملیات اجرایی مربوط به بدهی متوفی معلق می‌ماند.

مفهوم ماده ۲۱۹: این ماده ناظر به حالتی است که عملیات اجرایی بدهی متوفی در حال انجام باشد و متوفی فوت کند.

منظور از «معلق ماندن» همان صدور قرار توقیف عملیات اجرایی است.

-ارتباط با ماده ۳۱ قانون اجرای احکام مدنی؛ اگر محکوم‌علیه فوت یا محجور شود:

عملیات اجرایی تا زمان معرفی ورثه، ولی، وصی، قیم محجور یا امین و مدیر ترکه متوقف می‌شود.

قسمت اجرا به محکوم‌له اخطار می‌کند تا اشخاص مذکور را با مشخصات کامل معرفی کند.

اگر مالی توقیف نشده باشد، دادورز (مأمور اجرا) می‌تواند به درخواست محکوم‌له، معادل محکوم‌به از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند.

ماده ۲۲۰ قانون امور حسبی: مرور زمان نسبت به مطالبات متوفی در مدت تحریر ترکه جاری نمی‌شود.

ماده ۲۲۱ قانون امور حسبی: دعاوی راجعه به ترکه یا بدهی متوفی در مدت تحریر ترکه توقیف می‌شود ولی به درخواست مدعی ممکن است خواسته تأمین شود.

دیون متوفی

دیون و حقوقی که به عهده متوفی است بعد از هزینه کفن و دفن و تجهیز متوفی و سایر هزینه‌های ضروری از قبیل هزینه حفظ و اداره ترکه باید از ترکه داده شود.

ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی - حدود مسئولیت ورثه در پرداخت دیون متوفی:

اصل:

ورثه ملزم نیستند غیر از ترکه، چیزی به بستانکاران متوفی بپردازند.

اگر ترکه کافی نباشد:

ترکه به نسبت طلب بستانکاران، میان آنان تقسیم می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

استثنا:

اگر ورثه، ترکه را بدون شرط قبول کرده باشند، مطابق ماده ۲۴۶ قانون امور حسبی، نسبت به دیون متوفی مسئول خواهند بود. در موقع تقسیم دیونی که به موجب قوانین دارای حق تقدم و رجحان هستند رعایت خواهد شد بستانکاران زیر هر یک به ترتیب حق تقدم بر دیگران دارند:

طبقه اول

- الف- حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از فوت.
- ب- حقوق خدمت گذاران بنگاه متوفی برای مدت شش ماه قبل از فوت.
- ج- دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می گیرند برای مدت سه ماه قبل از فوت.

طبقه دوم

طلب اشخاصی که مال آن‌ها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره متوفی بوده نسبت به میزانی که متوفی از جهت ولایت و یا قیمومت مدیون شده است.

این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که موت در دوره قیمومت یا ولایت و یا در ظرف یک سال بعد از آن واقع شده باشد.

طبقه سوم

طلب پزشک و داروفروش و مطالباتی که به مصرف مداوای متوفی و خانواده‌اش در ظرف سال قبل از فوت رسیده است.

طبقه چهارم

الف- نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی.

ب- مهریه زن تا میزان ده هزار ریال.

طبقه پنجم

سایر بستانکاران.

اگر چیزی از ترکه در مقابل دینی رهن باشد مرتبه نسبت به مال مرهون بر سایر بستانکاران مقدم است و اگر بهای مال مرهون از طلب مرتبه زاید باشد مقدار زاید مابین بستانکاران تقسیم می شود و اگر کمتر باشد مرتبه نسبت به باقیمانده طلب خود مانند سایر بستانکاران خواهد بود.

تصرفات ورثه در ترکه از قبیل فروش و صلح و هبه و غیره نافذ نیست مگر بعد از اجازه بستانکاران و یا اداء دیون.

حق دینی طلبکاران در اثر فوت مدیون به حق عینی تبدیل می شود و ترکه متوفی وثیقه عمومی حق طلبکاران قرار می گیرد بنابراین اگر وارث پیش از دادن بدهی میت با انعقاد عقدی در ترکه تصرف کند طلبکار حق فسخ آن را دارد. اگر وارث، مقداری از ترکه را تلف کند در برابر بستانکار میت ضامن است.

همچنین ورثه در مقابل بستانکاران ضامن نقص یا تلف ترکه نیستند مگر اینکه نقص یا تلف مستند به تقصیر آن‌ها باشد.

☆ دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال می شود.

دعوی بر میت اعم از دین یا عین باید به طرفیت ورثه و یا نماینده قانونی آن‌ها اقامه شود هر چند ترکه درید وارث نباشد لیکن مادامی که ترکه به دست آن‌ها نرسیده است مسئول اداء دیون نخواهند بود.

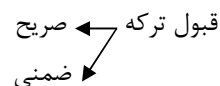
همچنین بستانکار از متوفی نیز در صورتی که ترکه به مقدار کافی برای اداء دین درید ورثه نباشد می تواند بر کسی که او را مدیون متوفی می داند یا مدعی است که مالی از ترکه متوفی درید او است اقامه دعوی نماید در فرضی که طلبش از متوفی محرز نباشد مدعی باید ابتدا طلب خود را از متوفی به طرفیت ورثه اثبات و پس از آن دعوی خود را بر کسی که مدیون متوفی یا مالی از متوفی نزد او می داند اقامه کند که در این خصوص می تواند هر دو مورد را در یک دادخواست اقامه نماید.

اگر برای اداء دیون متوفی وصی معین شده است اثبات دین به طرفیت وصی و ورثه خواهد شد.

در دعاوی راجع به عین طرف دعوی کسی است که عین در دست او است خواه وارث باشد یا غیر وارث مگر اینکه آن کس مقر باشد که عین جزو ترکه است که در این صورت مدعی باید برای اثبات ادعاء خود بر تمام ورثه اقامه دعوی نماید.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

🕸️ **قیم محجور و امین غایب نمی‌توانند ترکه و دیون را به طور مطلق قبول نمایند ولی می‌توانند مطابق صورت تحریر ترکه قبول کنند.**



-صریح: آن است که به موجب سند رسمی یا عادی قبول خود را به دادگاه اطلاع بدهند.

-ضمنی: آن است که عملیاتی در ترکه نمایند که کاشف از قبول ترکه و اداء دیون باشد از قبیل بیع و صلح و هبه و رهن و امثال آن که واضحاً کشف از قبول ترکه نماید.

توجه به این نکته ضروری است که حفظ ترکه و جمع‌آوری درآمد و وصول مطالبات و به طور کلی اقدامات راجع به اداره ترکه کاشف از قبول آن نخواهد بود.

هرگاه بعضی از ورثه ترکه را قبول و بعضی رد نمایند ترکه باید تحریر شود و بعد از تحریر هم می‌توانند قبول یا رد نمایند؛ و وارثی که ترکه را قبول کرده است مادامی که تصرف در ترکه نکرده می‌تواند رد نماید.

وارثی که ترکه را رد می‌کند باید کتباً یا شفاهاً به دادگاه اطلاع بدهد اطلاع مزبور در دفتر مخصوصی ثبت خواهد شد این رد نباید معلق یا مشروط باشد.

☆ مهلت رد ترکه: یک ماه از تاریخ اطلاع وارث به فوت مورث به عمل آید.

در نهایت بعد از قبول ترکه هر یک مسئول اداء تمام دیون به نسبت سهم خود خواهند بود مگر اینکه ثابت کنند دیون متوفی زاید بر ترکه بوده یا ثابت کنند که پس از فوت متوفی ترکه بدون تقصیر آن‌ها تلف شده و باقیمانده ترکه برای پرداخت دیون کافی نیست که در این صورت نسبت به زائد از ترکه مسئول نخواهند بود.

چنانچه بعضی از ورثه ترکه را قبول کرده و بعضی رد نمایند وارثی که ترکه را قبول کرده است اقدامات لازمه را برای اداره ترکه و اداء دیون و حقوق و وصول مطالبات و غیره انجام می‌دهد و وارثی که ترکه را رد کرده است حق هیچگونه اعتراضی به عملیات او ندارد لیکن اگر پس از تصفیه ترکه چیزی از ترکه بماند سهم‌الارث وارثی که ترکه را رد کرده است به او داده خواهد شد.

در این صورت وارثی که ترکه را قبول کرده در ازای زحمتی که برای اداره کردن ترکه نسبت به سهم سایرین متحمل شده مستحق دستمزد خواهد بود تشخیص میزان دستمزد در صورت عدم تراضی با دادگاه است.

🕸️ تصفیه

مقصود از تصفیه ترکه تعیین دیون و حقوق بر عهده متوفی و پرداخت آن‌ها و خارج کردن مورد وصیت از ماترک است.

وصی و هر یک از ورثه می‌توانند از دادگاه کتباً تصفیه ترکه را بخواهند.

هرگاه بعضی از ورثه ترکه را قبول کرده باشند سایر ورثه نمی‌توانند تصفیه ترکه را بخواهند. در صورتی که متوفی وصی برای اداره اموال داشته باشد امر تصفیه به وصی واگذار می‌شود.

مطابق ماده ۲۷۲ قانون امور حسبی: بستانکاری که در موعد مقرر برای تحریر ترکه خود را معرفی نکرده یا پس از معرفی طلب او تصدیق نشده باشد می‌تواند در دادگاه صلاحیت دار تا مقداری که از ترکه به ورثه داده شده است بر ورثه اقامه دعوی نماید.

و اگر چیزی به ورثه نرسیده یا آنچه رسیده است کافی برای تأدیه طلب نباشد می‌تواند بر بستانکاران دیگر که ترکه به آن‌ها داده شده برای اخذ حصه غرامی خود اقامه دعوی نمایند.

🕸️ وصیت

وصیت‌نامه اعم از این که راجع باشد به وصیت عهدی یا تملیکی منقول یا غیرمنقول ممکن است به‌طور رسمی یا خودنوشت یا سری تنظیم شود.

🚩 انواع وصیت‌نامه به شرح ذیل است:

۱- وصیت عهدی: عبارت است از این که شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مأمور می‌نماید.

۲- وصیت تملیکی: عبارت است از این که کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند.

۳- وصیت خودنوشت: وصیت‌نامه‌ای است که خود موصی می‌نویسد. این وصیت‌نامه برای معتبر بودن باید به خط موصی باشد و تاریخ روز و ماه و سال باید به خط موصی باشد و امضای موصی را داشته باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۴- وصیت سری: وصیت‌نامه‌ای است که برابر مقررات راجع به امانت‌گذاری اسناد در دفاتر اسناد رسمی به ودیعه نهاده شده باشد خواه به خط موصی باشد یا نه ولی باید به امضای موصی باشد، خواه مورخ باشد خواه نه. کسی که سواد ندارد نمی‌تواند به ترتیب سری وصیت نماید.

۵- وصیت‌نامه رسمی: وصیت‌نامه‌ای است که در دفاتر اسناد رسمی و مطابق مقررات راجع به تنظیم اسناد رسمی تهیه شده باشد. در قانون امور حسبی برای وصیت‌نامه قابل‌پذیرش در دادگاه‌ها سه شکل پیش‌بینی شده است. ۱- خودنوشت ۲- رسمی ۳- سری و هر سند که خارج از این سه شکل باشد، به عنوان وصیت‌نامه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد گرچه اصالت آن مورد تردید و انکار قرار نگیرد. با وجود این هرگاه اشخاص ذینفع به وجود وصیت‌نامه اعتراف کنند دادگاه آن را رد نمی‌کند.

تقسیم

در صورت تعدد ورثه هر یک از آن‌ها می‌توانند از دادگاه درخواست تقسیم سهم خود را از سهم سایر ورثه بخواهند. ولی و وصی و قیم هر وارثی که محجور باشد و امین غایب و جنین و کسی که سهم الارث بعضی از ورثه به او منتقل شده است و همچنین موصی له و وصی راجع به موصی به در صورتی که وصیت به جزء مشاع از ترکه شده باشد حق درخواست تقسیم را دارند. نسبت به درخواست تقسیم، مرور زمان جاری نیست و کسانی که ذیحق در درخواست تقسیم هستند همه وقت می‌توانند این درخواست را بنمایند. هرگاه یکی از ورثه متوفی غایب مفقودالاثری باشد که وکیل نداشته و درخواست تقسیم اموال متوفی بشود بدو برای غائب امین معین می‌شود و بعد تقسیم بعمل می‌آید.

به موجب ماده ۳۰۴- درخواست تقسیم باید کتبی و مشتمل بر امور زیر باشد؛

۱- نام و مشخصات درخواست کننده و متوفی.

۲- ورثه و اشخاص دیگری که ترکه باید بین آن‌ها تقسیم شود و سهام هر یک.

هر یک از ورثه پس از تقسیم مالک مستقل سهم خود خواهد بود و هر تصرفی که

بخواهد می‌نماید و به حصه دیگران حقی ندارد.

مقررات قانون مدنی راجع به تقسیم در مورد تقسیم ترکه جاری است و نیز مقررات راجع به تقسیم که در این قانون مذکور است در مورد تقسیم سایر اموال جاری خواهد بود.

در ترکه متوفای بلا وارث

در صورتی که وارث متوفی معلوم نباشد به درخواست دادستان یا اشخاص ذینفع برای اداره ترکه مدیر معین می‌شود.

اگر از تاریخ تحریر ترکه تا ده سال وارث متوفی معلوم شود ترکه به او داده می‌شود و پس از گذشتن مدت نامبرده باقی مانده ترکه به خزانه دولت تسلیم می‌شود و ادعای حقی نسبت به ترکه از کسی به هر عنوان که باشد پذیرفته نیست.

بخش چهارم- قانون پیش فروش ساختمان‌ها مصوب ۱۳۸۹

ماده ۱ قانون پیش فروش ساختمان - تعریف پیش فروش

پیش فروش ساختمان شامل هر قراردادی با هر عنوانی است که:

- مالک رسمی زمین با شخص دیگری مشارکت در ساخت نماید.

- شخصی در برابر دیگری، متعهد به ساخت و تحویل واحد ساختمانی مشخص شود.

- هر نوع انتقال حقوق و تعهدات ناشی از قراردادهای فوق انجام گیرد.

تمام موارد فوق، پیش فروش ساختمان محسوب می‌شود.

تبصره - اشخاص ذیل نیز می‌توانند در چهارچوب این قانون و قراردادی که به موجب آن زمینی در اختیارشان قرار می‌گیرد اقدام به پیش فروش ساختمان نمایند:

۱- سرمایه‌گذارانی که در ازاء سرمایه‌گذاری از طریق احداث بناء بر روی زمین متعلق به دیگری، واحدهای ساختمانی مشخصی از بناء احداثی بر روی آن زمین، ضمن عقد و به موجب سند رسمی به آنان اختصاص می‌یابد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۲- مستاجرین اراضی اعم از ملکی، دولتی، موقوفه که به موجب سند رسمی حق احداث بنا بر روی عین مستاجره را دارند.

■ ماده ۴ قانون پیش فروش ساختمان:

تنظیم قرارداد پیش فروش منوط به ارائه مدارک زیر است؛

۱ - سند رسمی مالکیت یا سند رسمی اجاره با حق احداث بنا یا قرارداد رسمی حاکی از این که مورد معامله در ازاء سرمایه‌گذاری با حق فروش از طریق احداث بنا بر روی عرصه به پیش فروشنده اختصاص یافته است.

۲ - بیمه‌نامه مربوط به مسئولیت موضوع ماده (۹) این قانون

۳ - پاسخ استعلام از اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک

چنانچه پیش فروشنده در تاریخ مقرر در قرارداد واحد پیش فروش شده را تحویل پیش خریدار ندهد و یا به تعهدات خود عمل ننماید علاوه بر اجراء بند (۹) ماده (۲) این قانون مکلف است به شرح زیر جریمه تأخیر به پیش خریدار بپردازد مگر این که به مبالغ بیشتری به نفع پیش خریدار توافق نمایند. اجراء مقررات این ماده مانع از اعمال خیار برای پیش خریدار نیست.

۱ - در صورتی که واحد پیش فروش شده و بخش‌های اختصاصی نظیر توقفگاه (پارکینگ) و انباری در زمان مقرر قابل بهره‌برداری نباشد، تا زمان تحویل واحد به پیش خریدار، معادل اجرت‌المثل بخش تحویل نشده

۲ - در صورت عدم انجام تعهدات در قسمت‌های مشاعی، روزانه به میزان نیم درصد بهای روز تعهدات انجام نشده به میزان قدرالسهم پیش خریدار

۳ - در صورت عدم انجام تعهدات در قسمت‌های خدمات عمومی موضوع بند (۹) ماده (۲) این قانون از قبیل خیابان، فضای سبز، مساجد، مدارس و امثال آن روزانه به میزان یک در هزار بهای روز تعهدات انجام شده به میزان قدرالسهم پیش خریدار

۴ - در صورت عدم اقدام به موقع به سند رسمی انتقال، روزانه به میزان یک در هزار مبلغ قرارداد.

■ ماده ۷ قانون پیش فروش ساختمان:

در صورتی که مساحت بنا بر اساس صورت مجلس تفکیکی، کمتر یا بیشتر از مقدار مشخص شده در قرارداد باشد، مابه‌التفاوت بر اساس نرخ مندرج در قرارداد مورد

محاسبه قرار خواهد گرفت، لیکن؛

چنانچه مساحت بنا تا پنج درصد (۵٪) افزون بر زیربنای مقرر در قرارداد باشد، هیچ‌کدام از طرفین حق فسخ قرارداد را ندارند.

در صورتی که بیش از پنج درصد (۵٪) باشد صرفاً خریدار حق فسخ قرارداد را دارد. چنانچه مساحت واحد تحویل شده کمتر از نود و پنج درصد (۹۵٪) مقدار توافق شده باشد پیش خریدار حق فسخ قرارداد را دارد یا می‌تواند خسارت وارده را بر پایه قیمت روز بنا و بر اساس نظر کارشناسی از پیش فروشنده مطالبه کند.

👉 در تمامی مواردی که به دلیل تخلف پیش فروشنده، پیش خریدار حق فسخ خود را اعمال می‌نماید، پیش فروشنده باید خسارت وارده را بر مبنای مصالحه طرفین یا برآورد کارشناس مرضی الطرفین به پیش خریدار بپردازد.

در صورت عدم توافق طرفین، پیش فروشنده باید تمام مبالغ پرداختی را بر اساس قیمت روز بنا، طبق نظر کارشناس منتخب مراجع قضائی همراه سایر خسارات قانونی به پیش خریدار مسترد نماید.

پیش فروشنده در قبال خسارات ناشی از عیب بنا و تجهیزات آن و نیز خسارات ناشی از عدم رعایت ضوابط قانونی، در برابر پیش خریدار و اشخاص ثالث مسئول است و باید مسئولیت خود را از این جهت بیمه نماید. چنانچه میزان خسارت وارده بیش از مبلغی باشد که از طریق بیمه پرداخت می‌شود، پیش فروشنده ضامن پرداخت مابه‌التفاوت خسارت وارده خواهد بود.

■ ماده ۱۰ قانون پیش فروش ساختمان - تسهیلات بانکی به پیش خریداران

اگر بانک‌ها به پیش خریداران بر اساس قرارداد پیش فروش، تسهیلات خرید بدهند:

مبلغ تسهیلات از طرف پیش خریدار، توسط بانک به حساب پیش فروشنده واریز می‌شود.

مالکیت عرصه به نسبت سهم واحد پیش خریداری شده و نیز حقوق پیش خریدار نسبت به آن واحد، به عنوان تضمین اخذ می‌گردد.

☆ در پیش فروش ساختمان نحوه پرداخت اقساط بهای مورد قرارداد توافق طرفین خواهد بود، ولی حداقل ده درصد (۱۰٪) از بها هم زمان با تنظیم سند قطعی قابل وصول خواهد بود و طرفین نمی‌توانند برخلاف آن توافق کنند.

در صورتی که عملیات ساختمانی متناسب با مفاد قرارداد پیشرفت نداشته باشد، پیش خریدار می‌تواند پرداخت اقساط را منوط به ارائه تأییدیه مهندس ناظر مبنی بر تحقق پیشرفت از سوی پیش فروشنده نماید و مهندس ناظر مکلف است به تقاضای هر یک از طرفین ظرف یک ماه گزارش پیشرفت کار را ارائه نماید.

پیش خریدار به نسبت اقساط پرداختی یا عوض قراردادی، مالک ملک پیش فروش شده می‌گردد و در پایان مدت قرارداد پیش فروش و اتمام ساختمان، با تأیید مهندس ناظر در صورتی که تمام اقساط را پرداخت یا عوض قراردادی را تحویل داده باشد، با ارائه مدارک مبنی بر ایفاء تعهدات، می‌تواند با مراجعه به یکی از دفاتر اسناد رسمی، تنظیم سند رسمی انتقال به نام خود را درخواست نماید چنانچه پیش فروشنده حداکثر ظرف ده روز پس از اعلام دفترخانه از انتقال رسمی مال پیش فروش شده خودداری نماید، دفترخانه با تصریح مراتب مبادرت به تنظیم سند رسمی به نام پیش خریدار یا قائم مقام وی می‌نماید. اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک مکلف است به تقاضای ذی‌نفع نسبت به تفکیک و یا افراز ملک پیش فروش شده اقدام نماید.

در صورت انجام کامل تعهدات از سوی پیش خریدار چنانچه پیش فروشنده تا زمان انقضاء مدت قرارداد موفق به تکمیل پروژه نگردد، با تأیید مهندس ناظر ساختمان مبنی بر این که صرفاً اقدامات جزئی تا تکمیل پروژه باقیمانده است (کمتر از ده درصد «۱۰٪» پیشرفت فیزیکی مانده باشد)، پیش خریدار می‌تواند با قبول تکمیل باقی قرارداد به دفتر اسناد رسمی مراجعه نماید و خواستار تنظیم سند رسمی به قدرالسهم خود گردد. حقوق دولتی و هزینه‌هایی که طبق مقررات بر عهده پیش فروشنده بوده و توسط پیش خریدار پرداخت می‌گردد مانع از استیفاء مبلغ هزینه شده از محل ماده (۱۱) و غیره نخواهد بود.

☆ عرصه و اعیان واحد پیش فروش شده و نیز اقساط و وجوه وصول و یا تعهد شده بابت آن، قبل از انتقال رسمی واحد پیش فروش شده به پیش خریدار قابل توقیف و تأمین به نفع پیش فروشنده یا طلبکار او نیست.

در صورت عدم پرداخت اقساط بها یا عوض قراردادی در مواعد مقرر، پیش فروشنده باید مراتب را کتباً به دفترخانه تنظیم کننده سند اعلام کند. دفترخانه مکلف است ظرف مهلت یک هفته به پیش خریدار اخطار نماید تا ظرف یک ماه نسبت به پرداخت اقساط معوقه اقدام نماید در غیر این صورت پیش فروشنده حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

واگذاری تمام یا بخشی از حقوق و تعهدات پیش فروشنده نسبت به واحد پیش فروش شده و عرصه آن پس از اخذ رضایت همه پیش خریداران یا قائم مقام قانونی آن‌ها بلامانع است.

در صورت انتقال حقوق و تعهدات پیش خریدار نسبت به واحد پیش فروش شده بدون رضایت پیش فروشنده، پیش خریدار عهده‌دار پرداخت بها یا عوض قرارداد خواهد بود.

مشاوران املاک باید پس از انجام مذاکرات مقدماتی، طرفین را جهت تنظیم سند رسمی قرارداد پیش فروش به یکی از دفاتر اسناد رسمی دلالت نمایند و نمی‌توانند رأساً مبادرت به تنظیم قرارداد پیش فروش نمایند. در غیر این صورت برای بار اول تا یک سال و برای بار دوم تا دو سال تعلیق پروانه کسب و برای بار سوم به ابطال پروانه کسب محکوم می‌شوند.

بخش پنجم- قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان

. ماده ۱: از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند «پدیدآورنده» و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته «اثر» اطلاق می‌شود.

ماده ۳: حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او است.

حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است.

به موجب ماده ۶ این قانون؛ اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است.

☆ مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده پنجاه سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به‌منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می‌گیرد.

مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده (۶) این قانون پنجاه سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود.

ماده ۱۳: حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می‌آید تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر متعلق به سفارش دهنده است مگر آنکه برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد.

تبصره - پاداش و جایزه نقدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی و هنری و ادبی طبق شرایط مسابقه به آثار مورد حمایت این قانون موضوع این ماده تعلق می‌گیرد متعلق به پدیدآورنده خواهد بود.

ماده ۱۷: نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچکس نمی‌تواند آن‌ها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که الغاء شبهه کند به کار برد.

ماده ۱۸: انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیرشده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

-هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است.

-حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد.

-هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالماً عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.

-نسبت به متخلفان از مواد ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ این قانون در مواردی که به سبب سپری شدن مدت حق پدیدآورنده استفاده از اثر با رعایت مقررات این قانون برای همگان آزاد است. وزارت فرهنگ و هنر عنوان شاکی خصوصی را خواهد داشت.

-شاکی خصوصی می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم نهایی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود.

-هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود.

بخش ششم - قانون حمایت خانواده

دادگاه خانواده با صلاحیت رسیدگی به دعاوی خانوادگی تشکیل شده است. رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست انجام می‌شود و نیازی به رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست. از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در صلاحیت دادگاه خانواده است و در قانون حمایت خانواده نسبت به آن‌ها تعیین تکلیف شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- نامزدی و خسارات ناشی از بر هم زدن آن؛ به‌عنوان مثال دعوی استرداد هدایای نامزدی؛

۲- نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح؛

۳- شروط ضمن عقد نکاح؛

۴- ازدواج مجدد؛

۵- جهیزیه و مسائل مربوط به آن؛ مانند استرداد جهیزیه؛

۶- مهریه زن اعم از مهریه عندالاستطاعه و مهریه عندالمطالبه؛

۷- نفقه زن و همچنین اجرت‌المثل ایام زوجیت؛

۸- تمکین، عدم تمکین یا نشوز؛

۹- طلاق، رجوع از طلاق، فسخ نکاح، بذل مدت عقد موقت و انقضای مدت صیغه؛

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۱۰- حضانت کودکان و ملاقات با فرزندان؛

۱۱- دعاوی مربوط به نسب؛ مانند رابطه پدر و فرزندی؛

۱۲- دعاوی مربوط به رشد، محجوران؛

۱۳- ولایت قهری پدر و جد پدری، قیمومت، وصایت؛

۱۴- نفقه اقارب مانند نفقه فرزندان؛

۱۵- امور مربوط به غایب مفقودالثر؛

۱۶- سرپرستی کودکان بی سرپرست؛

۱۷- اهدای جنین؛

۱۸- تغییر جنسیت.

در راستای موضوعات فوق، قانون حمایت از خانواده به تشریح مسائل مربوط به آیین رسیدگی، نحوه ابلاغ به طرفین، محل اقامه دعوا پرداخته است. از زمان اجرای این قانون در حوزه قضائی شهرستان‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، **دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند.**

در حوزه قضائی بخش‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به کلیه امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند، مگر دعاوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیک‌ترین حوزه قضایی رسیدگی می‌شود.

★ **دعای زوجه به طرفیت متعهد ثالث مبنی بر «الزام به تنظیم سند رسمی مال غیرمنقول موضوع مهریه» که زوج طرف دعوا نیست، از صلاحیت این دادگاه به عنوان یک مرجع اختصاصی و دارای صلاحیت استثنایی، خارج است و مطابق اصل، در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی است.**

← دادگاه خانواده با حضور؛

رئیس یا دادرسی علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می‌گردد.

قاضی مشاور باید ظرف سه روز از ختم دادرسی به طور مکتوب و مستدل در مورد موضوع دعوی اظهارنظر و مراتب را در پرونده درج کند. قاضی انشاء کننده رأی باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره و چنانچه با نظر وی مخالف باشد با ذکر دلیل نظریه وی را رد کند.

تبصره - قوه قضائیه موظف است حداکثر ظرف پنج سال به تأمین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاه‌های خانواده اقدام کند و در این مدت می‌تواند از قاضی مشاور مرد که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده باشد استفاده کند.

🔸 قضاات دادگاه خانواده باید متأهل و دارای حداقل چهار سال سابقه خدمت قضایی باشند.

🔸 در صورت عدم تمکن مالی هریک از اصحاب دعوی دادگاه می‌تواند پس از احراز مراتب و با توجه به اوضاع و احوال، وی را از پرداخت؛

- هزینه دادرسی،

- حق الزحمه کارشناسی،

- حق الزحمه داور و سایر هزینه‌ها

معاف یا پرداخت آن‌ها را به زمان اجرای حکم موکول کند.

همچنین در صورت اقتضاء ضرورت یا وجود الزام قانونی دایر بر داشتن وکیل، دادگاه حسب مورد رأساً یا به درخواست فرد فاقد تمکن مالی وکیل **معاضدتی تعیین می‌کند.**

🔸 افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و مددجویان سازمان بهزیستی کشور از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌باشند.

🔸 مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری شخص محجور را به اقتضاء ضرورت برعهده دارد، حق اقامه دعوی برای مطالبه نفقه طفل یا محجور را نیز دارد. در این صورت، دادگاه باید در ابتداء ادعای ضرورت را بررسی کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

✓ دستور موقت در دادگاه خانواده

- صدور دستور موقت:

دادگاه می‌تواند پیش از اتخاذ تصمیم در مورد اصل دعوا، به درخواست یکی از طرفین، در مواردی که فوریت دارد، بدون اخذ تأمین دستور موقت صادر کند.

موارد شامل:

- حضانت، نگهداری و ملاقات طفل

- نفقه زن

- نفقه محجور

ویژگی‌ها:

دستور موقت بدون نیاز به تأیید رئیس حوزه قضایی قابل اجراست.

اگر دادگاه ظرف شش ماه درباره اصل دعوا تصمیم نگیرد، دستور موقت ملغی و از آن رفع اثر می‌شود، مگر اینکه دادگاه دوباره طبق این ماده، دستور موقت صادر کند.

- دادگاه می‌تواند برای فراهم کردن فرصت صلح و سازش جلسه دادرسی را به درخواست زوجین یا یکی از آنان **حداکثر برای دو بار** به تأخیر اندازد.

- در دعاوی مالی موضوع این قانون، محکوم له پس از صدور حکم قطعی و تا پیش از شروع اجرای آن نیز می‌تواند از دادگاهی که حکم نخستین را صادر کرده است، تأمین محکوم به را درخواست کند.

- در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوج می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوی کند مگر در موردی که خواسته، مطالبه مهریه غیرمنقول باشد.

← تعیین صلاحیت دادگاه در دعاوی خانواده

- دعاوی در حوزه‌های قضایی متعدد:

اگر زوجین دعاوی مربوط به صلاحیت دادگاه خانواده را علیه یکدیگر در حوزه‌های قضایی متفاوت مطرح کنند:

دادگاهی که دادخواست زودتر به آن داده شده، صلاحیت دارد.

✎ اگر دادخواست‌ها در یک روز تسلیم شده باشند:

دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعوی زوج را دارد، به همه دعاوی رسیدگی می‌کند.

← یکی از زوجین مقیم خارج از کشور:

دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران اقامت دارد، صالح است.

← هر دو مقیم خارج، اما یکی سکونت موقت در ایران دارد:

دادگاه محل سکونت موقت فرد ساکن در ایران صالح است.

← هر دو سکونت موقت در ایران دارند:

دادگاه محل سکونت موقت زوج، صلاحیت دارد.

← هیچ‌یک در ایران سکونت ندارند:

دادگاه شهرستان تهران صالح است.

➤ مگر اینکه زوجین برای اقامه دعوا در محل دیگری توافق کنند.

ماده ۱۵ - اجرای احکام و دعاوی خانوادگی ایرانیان مقیم خارج

اگر ایرانیان مقیم خارج، امور و دعاوی خانوادگی خود را در محاکم یا مراجع صالح محل اقامت مطرح کنند:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

احکام این محاکم یا مراجع در ایران قابل اجرا نیست، مگر اینکه دادگاه صالح ایرانی آن را بررسی و حکم تنفیذی صادر کند.

تبصره ماده ۱۵ - ثبت طلاق ایرانیان مقیم خارج

- شرایط ثبت طلاق در کنسولگری:

درخواست کتبی زوجین یا زوج

ارائه گواهی اجرای صیغه طلاق توسط اشخاص صلاحیت‌دار (با پیشنهاد وزارت امور خارجه و تصویب رئیس قوه قضائیه معرفی شده به کنسولگری‌ها)

← طلاق رجعی: ثبت آن منوط به انقضای عده است.

← طلاق بائن: زوج می‌تواند با درخواست کتبی و ارائه گواهی اجرای صیغه طلاق، آن را در کنسولگری ثبت کند.

← طلاق به درخواست زوج:

زوج می‌تواند با رعایت این قانون، برای مطالبه حقوق قانونی خود به دادگاه‌های ایران مراجعه نماید.

▪ ثبت وقایع نکاح و طلاق - الزامی

ثبت موارد زیر الزامی است:

- نکاح دائم

- فسخ و انفساخ نکاح

- طلاق

- رجوع

- اعلام بطلان نکاح یا طلاق

▪ موارد الزام به ثبت نکاح موقت:

- باردار شدن زوج

- توافق طرفین

- وجود شروط ضمن عقد

▪ مهریه - مقررات وصول و ملاک پرداخت

✓ اگر مهریه در زمان وقوع عقد تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد:

وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است.

✓ اگر مهریه بیش از این میزان باشد:

در خصوص مازاد بر ۱۱۰ سکه، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است.

رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز، الزامی است.

▪ آزمایش‌ها و گواهی‌های پزشکی قبل از ازدواج

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است:

- بیماری‌هایی را که طرفین پیش از ازدواج باید علیه آن‌ها واکسینه شوند، تعیین و اعلام کند.

- بیماری‌های واگیردار و خطرناک برای زوجین و فرزندان ناشی از ازدواج را تعیین و اعلام نماید.

وظیفه دفاتر رسمی ازدواج:

- پیش از ثبت نکاح، باید از طرفین گواهی معتبر از پزشکان یا مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت را دریافت و بایگانی کنند.

- گواهی باید دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلا به بیماری‌های مذکور یا واکسیناسیون طرفین باشد.

❗ اگر گواهی دلالت بر وجود اعتیاد یا بیماری کند: ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین، بلامانع است.

-ثبت طلاق و سایر موارد انحلال نکاح و نیز اعلام بطلان نکاح یا طلاق در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق حسب مورد پس از صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم مربوط از سوی دادگاه مجاز است.

- در صورتی که طلاق، توافقی یا به درخواست زوج باشد، دادگاه به صدور گواهی عدم امکان سازش اقدام، و اگر به درخواست زوجه باشد، حسب مورد، مطابق قانون به صدور حکم الزام زوج به طلاق یا احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق مبادرت می کند. -در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند.

ماده ۲۸ - معرفی داور در دعاوی خانوادگی

پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری، هر یک از زوجین مکلفند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ: یک نفر از اقارب متأهل خود را که:

- حداقل ۳۰ سال سن داشته باشد.
 - آشنا به مسائل شرعی، خانوادگی و اجتماعی باشد.
- به عنوان داور به دادگاه معرفی کنند.

تبصره ۱: محارم زوجه که همسرشان فوت کرده یا از هم جدا شده باشند، در صورت داشتن شرایط مذکور، می توانند به عنوان داور معرفی شوند.

تبصره ۲: در صورت نبود فرد واجد شرایط در بین اقارب، یا عدم دسترسی به آنان، یا استنکاف آنان از پذیرش داوری:

- هر یک از زوجین می توانند داور خود را از بین سایر افراد واجد صلاحیت تعیین و معرفی کنند.

- در صورت امتناع یا عدم توانایی زوجین در معرفی داور، دادگاه رأساً یا به درخواست هریک از طرفین، به تعیین داور اقدام می کند.

به موجب ماده ۲۹ این قانون؛ ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است. طلاق در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیت محکوم به نیز ثبت می شود.

در هر حال، هرگاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد می تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند.

ارائه گواهی پزشک ذیصلاح در مورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است، مگر آنکه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند. در مورد حکم طلاق، اجرای صیغه و ثبت آن حسب مورد منوط به انقضای مهلت فرجام خواهی یا ابلاغ رأی فرجامی است.

☆ مدت اعتبار حکم طلاق شش ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی است.

هرگاه حکم طلاق از سوی زوجه به دفتر رسمی ازدواج و طلاق تسلیم شود، در صورتی

که زوج ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ مراتب در دفترخانه حاضر نشود، سردفتر به زوجین ابلاغ می کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوج و عدم اعلام عذر از سوی وی یا امتناع او از اجرای صیغه، صیغه طلاق جاری و ثبت می شود و مراتب به زوج ابلاغ می گردد. در صورت اعلام عذر از سوی زوج، یک نوبت دیگر به ترتیب مذکور از طرفین دعوت به عمل می آید.

▪ مدت اعتبار و شرایط گواهی عدم امکان سازش

مدت اعتبار: سه ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی

اگر گواهی در این مهلت به دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق تسلیم نشود، یا طرفی که آن را تسلیم کرده ظرف سه ماه در دفترخانه حاضر نشود یا مدارک لازم را ارائه نکند، گواهی صادره از درجه اعتبار ساقط است.

▪ اقدامات دفترخانه در صورت عدم حضور زوجه

اگر زوج در مهلت مقرر به دفترخانه مراجعه و گواهی را تسلیم کند، ولی زوجه ظرف یک هفته حاضر نشود:

سردفتر به زوجین اخطار می دهد که برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حاضر شوند.

در صورت عدم حضور زوجه، صیغه طلاق جاری و پس از ثبت، مراتب به زوجه اطلاع داده می شود.

تبصره: فاصله بین ابلاغ اخطاریه و جلسه اجرای صیغه، نباید از یک هفته کمتر باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

اگر زوج یا زوجه مجهول‌المکان باشند، دعوت از طریق آگهی در جراید کثیرالانتشار و با هزینه درخواست‌کننده انجام می‌شود.

■ گواهی عدم امکان سازش توافقی

اگر گواهی بر اساس توافق زوجین صادر شده باشد و زوجه:

- به موجب اعلام دادگاه صادرکننده رأی، یا

بر اساس سند رسمی، در اجرای صیغه طلاق وکالت بلاعزل داشته باشد، عدم حضور زوج مانع اجرای صیغه طلاق و ثبت آن نخواهد بود.

- در طلاق رجعی، صیغه طلاق مطابق مقررات مربوط جاری و مراتب صورتجلسه می‌شود ولی ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده است، مگر این که زن رضایت به ثبت داشته باشد. در صورت تحقق رجوع، صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع صورتجلسه تکمیل و طلاق ثبت می‌شود. صورتجلسه تکمیل شده به امضای سردفتر، زوجین یا نمایندگان آنان و دو شاهد طلاق می‌رسد. در صورت درخواست زوجه، گواهی اجرای صیغه طلاق و عدم رجوع زوج به وی اعطاء می‌شود. در هر حال در صورت انقضای مدت عده و عدم احراز رجوع، طلاق ثبت می‌شود.

- حضور کودکان زیر پانزده سال در جلسات رسیدگی به دعاوی خانوادگی جز در موارد ضروری که دادگاه تجویز می‌کند ممنوع است.

- میزان حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی و فرزندان و سایر وراث قانونی وی و نحوه تقسیم آن در تمام صندوقهای بازنشستگی اعم از کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای خاص به ترتیب زیر است:

۱- زوجه دائم متوفی از حقوق وظیفه یا مستمری وی برخوردار می‌گردد و ازدواج وی مانع دریافت حقوق مذکور نیست و در صورت فوت شوهر بعدی و تعلق حقوق به زوجه در اثر آن، بیشترین مستمری ملاک عمل است.

تبصره - اگر متوفی چند زوجه دائم داشته باشد حقوق وظیفه یا مستمری به تساوی بین آنان و سایر وراث قانونی تقسیم می‌شود.

۲- دریافت حقوق بازنشستگی یا ازکارافتادگی، مستمری ازکارافتادگی یا بازنشستگی حسب مورد توسط زوجه متوفی مانع از دریافت حقوق وظیفه یا مستمری متوفی نیست.

۳- فرزندان اناث در صورت نداشتن شغل یا شوهر و فرزندان ذکور تا سن بیست سالگی و بعد از آن منحصرأ در صورتی که معلول ازکارافتاده نیازمند باشند یا اشتغال به تحصیلات دانشگاهی داشته باشند حسب مورد از کمک هزینه اولاد، بیمه و مستمری بازماندگان یا حقوق وظیفه والدین خود برخوردار می‌گردند.

- چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.

- هر فرد خارجی که بدون اخذ اجازه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی و یا برخلاف سایر مقررات قانونی با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شود.

■ انکار یا ادعای خلاف واقع زوجیت

هر کس در دادگاه زوجیت را انکار کند و سپس ثابت شود این انکار بی‌اساس بوده، یا برخلاف واقع، با طرح شکایت کیفری یا دعوی حقوقی، مدعی زوجیت با دیگری شود:

✓ به حبس تعزیری درجه ۶ یا جزای نقدی درجه ۶ محکوم می‌گردد.

این حکم شامل قائم‌مقام قانونی اشخاص مذکور نیز می‌شود، اگر با علم به زوجیت، آن را انکار کند یا با علم به عدم زوجیت، مدعی آن گردد.

■ امتناع از پرداخت نفقه

هر کس با وجود استطاعت مالی:

نفقه زن خود را در صورت تمکین نپردازد، یا از پرداخت نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند:

➤ به حبس تعزیری بیش از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

شرط تعقیب کیفری: شکایت شاکی خصوصی

اثر گذشت: با گذشت شاکی، تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

▪ تخلف از تکالیف حضانت یا ممانعت از ملاقات طفل

مسئول حضانت که؛ از انجام تکالیف مقرر خودداری کند، یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود:

➤ بار اول: جزای نقدی درجه ۸

➤ تکرار: حداکثر مجازات مذکور در قانون

بخش هفتم - قانون مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶

▪ ماده ۱ قانون روابط مؤجر و مستأجر ۱۳۵۶ - شمول قانون

هر محل که برای سکونت، کسب، پیشه، تجارت یا هر منظور دیگری اجاره داده شود و تصرف متصرف:

- بر اساس تراضی یا مؤجر یا نماینده قانونی او،

- به عنوان اجاره، صلح منافع یا هر عنوان دیگری به منظور اجاره باشد،

- بدون توجه به رسمی یا عادی بودن سند،

مشمول مقررات این قانون است.

✍ شرایط سه‌گانه شمول قانون ۵۶

برای مشمول بودن قرارداد اجاره به این قانون، هر سه شرط زیر باید وجود داشته باشد:

۱- عین مستأجره (مانند سوله، آپارتمان، مغازه و...) به منظور کسب، پیشه یا تجارت اجاره داده شده باشد.

➤ نوع کاربری ملک (مسکونی، تجاری یا اداری) مهم نیست، ملاک منظور اجاره است.

برخی موارد خاص از شمول قانون خارج هستند:

- غرفه‌های پایانه‌های مسافربری

- مشاغل خاص مانند دفتر وکالت یا مطب پزشکان (به صراحت مستثنا شده‌اند).

✋ اجاره انبار: اگر به منظور نگهداری کالا، وسایل یا لوازم اضافی کسب، پیشه یا تجارت باشد ➡ مشمول قانون ۵۶ است.

اگر به منظور نگهداری وسایل اضافی محل مسکونی باشد ➡ مشمول قانون مدنی و قانون روابط مؤجر و مستأجر ۱۳۶۲ است.

✓ نمونه مورد مشمول قانون ۵۶:

مهد کودک خصوصی که مستأجر در قبال خدمات به کودکان، از اولیا آن‌ها مبالغی دریافت می‌کند ➡ محل کسب و درآمد مستأجر محسوب و مشمول قانون ۵۶ خواهد بود.

(-مدارس غیرانتفاعی تابع مقررات سال ۵۶ نیست.
-باشگاه ورزشی مشمول قانون ۵۶ خواهد بود.
-داروخانه‌های خارج از بیمارستان مشمول قانون ۵۶ خواهند بود.)

۲- تاریخ شروع رابطه استیجاری طرفین قبل از لازم الاجرا شدن قانون سال ۷۶ باشد. البته ممکن است قراردادی تاریخ شروع آن متعلق به قبل از ۷۶/۰۷/۰۲ باشد اما چند مرتبه تمدید و آخرین تمدید متعلق به بعد از به اجرا درآمدن این قانون باشد اما بازهم مشمول قانون ۵۶ خواهد بود. چرا که مهم تاریخ شروع رابطه استیجاری است؛ بنابراین تمدید، ایرادی ندارد اما اگر مستأجر ولو ۱ روز ملک را تخلیه کرده باشد از شمول این قانون خارج می‌شود.

۳- طبق ماده ۳۱ قانون روابط مؤجر و مستأجر ۱۳۵۶: محل مورد اجاره باید در شهری واقع شده باشد که آن شهر در فهرست نقاط مشمول قانون ۵۶ قرار دارد.

← آثار قرارداد اجاره مشمول قانون ۵۶

۱- به مستأجر، حق کسب، پیشه یا تجارت تعلق می‌گیرد.

۲- با انقضای مدت اجاره، به صرف پایان مدت، حکم تخلیه صادر نمی‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۴- در این دو اثر، فرقی ندارد که:

-اجاره‌نامه عادی باشد یا رسمی،

-قرارداد شفاهی باشد یا کتبی،

-اجاره با ودیعه باشد یا بدون ودیعه،

-اجاره با سرقفلی باشد یا بدون سرقفلی.

• موارد زیر مشمول مقررات این قانون نمی‌باشد:

۱- تصرف ناشی از معاملات با حق استرداد یا معاملات رهنی.

۲- اراضی مزروعی محصور و غیر محصور و توابع آن‌ها و باغ‌هایی که منظور اصلی از اجاره بهره‌برداری از محصول آن‌ها باشد.

۳- ساختمان‌ها و محل‌هایی که به منظور سکونت عرفاً به طور فصلی برای مدتی که از شش ماه تجاوز نکند اجاره داده می‌شود.

۴- کلیه واحدهای مسکونی واقع در محدوده خدماتی شهرها و در شهرک‌ها که گواهی خاتمه ساختمانی آن‌ها از تاریخ لازم الاجراء شدن قانون معاملات زمین مصوب سال ۱۳۵۴ (۲۵۳۴ شاهنشاهی) صادر شده و می‌شود.

۵- خانه‌های سازمانی و سایر محل‌های مسکونی که از طرف وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت یا اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی به مناسبت شغل در اختیار و استفاده کارکنان آن‌ها قرار می‌گیرد. در این مورد رابطه متصرف با سازمان یا اشخاص مربوط تابع قوانین و مقررات مخصوص به خود یا قرارداد فی‌مابین می‌باشد. هرگاه متصرف خانه یا محل سازمانی که به موجب مقررات یا قرارداد مکلف به تخلیه محل سکونت باشد از تخلیه خودداری کند برحسب مورد از طرف دادستان یا رئیس دادگاه بخش مستقل به او اخطار می‌شود که ظرف یک ماه محل را تخلیه نماید در صورت امتناع به دستور همان مقام محل مزبور تخلیه شده و تحویل سازمان یا موسسه یا اشخاص مربوط داده می‌شود.

۶- واحدهای مسکونی که پس از اجرای این قانون به اجاره واگذار گردد.

▪ تعدیل اجاره‌بها - قانون ۵۶

-حق درخواست تعدیل:

موجر یا مستأجر می‌تواند به استناد ترقی یا تنزل هزینه زندگی، درخواست تجدیدنظر نسبت به میزان اجاره‌بها را مطرح کنند.

-شرایط طرح درخواست:

الف- مدت اجاره منقضی شده باشد.

ب- از تاریخ استفاده مستأجر از عین مستأجره یا از تاریخ مقرر در حکم قطعی تعیین/تعدیل اجاره‌بها، سه سال تمام گذشته باشد.

رسیدگی دادگاه:

-دادگاه با جلب نظر کارشناس، اجاره‌بها را به نرخ عادلانه روز تعدیل می‌کند.

-حکم دادگاه در این مورد قطعی است.

نکته مهم: با پایان مدت اجاره، رابطه استیجاری همچنان باقی است و مؤجر حق درخواست تخلیه ندارد، اما ممکن است اجاره‌بهای مندرج در قرارداد با شرایط روز همخوانی نداشته باشد.

در این حالت، موجر یا مستأجر می‌تواند از دادگاه تقاضای تعدیل اجاره‌بها کنند.

مثال: ملکی در سال ۱۳۷۰ به مبلغ ۱۰'۰۰۰ تومان برای یک سال اجاره داده شده است. پس از اتمام مدت و ادامه استفاده مستأجر، مبلغ مذکور با شرایط روز فاصله زیادی پیدا کرده و قابل تعدیل است.

▪ پرداخت اجاره‌بها توسط مستأجر

الف) در مدت اجاره:

مستأجر مکلف است اجرت‌المسمی مندرج در اجاره‌نامه را در موعد مقرر بپردازد.

(ب) پس از پایان مدت اجاره:

مستأجر باید اجرت‌المثل را به میزان اجرت‌المسمی آخر هر ماه جاری، ظرف ۱۰ روز به موجر یا نماینده قانونی او بپردازد.

(ج) در نبود اجاره‌نامه:

- اگر میزان اجاره‌بها بین طرفین مقرر یا عملاً پرداخت شده باشد، همان مبلغ ملاک است.
- اگر میزان اجاره‌بها معلوم نباشد، مبلغی متناسب با اجاره املاک مشابه به عنوان اجرت‌المثل، توسط مرجع صالح تعیین و پرداخت می‌شود.

← روش پرداخت در صورت عدم دریافت موجر:

-مبلغ باید به صندوق ثبت یا بانکی که سازمان ثبت تعیین می‌کند سپرده شود.

قبض رسید:

-در اجاره‌نامه رسمی ← تحویل به دفترخانه تنظیم‌کننده سند

-در اجاره‌نامه عادی یا بدون اجاره‌نامه ← تحویل به یکی از دفاتر رسمی نزدیک ملک (با تعیین محل اقامت موجر)

وظیفه دفترخانه:

ظرف حداکثر ۱۰ روز، از طریق اداره ثبت محل، موجر یا نماینده قانونی او را برای دریافت وجه تودیع‌شده اخطار کند.

▪ انتقال منافع مورد اجاره به غیر

مستأجر حق اجاره‌دادن مجدد یا انتقال منافع مورد اجاره به شخص ثالث را ندارد، مگر با:

-اجازه مالک

-یا حکم دادگاه مبنی بر تجویز این عمل

• در موارد زیر مستأجر می‌تواند صدور حکم به فسخ اجاره را از دادگاه درخواست کند؛

- ۱- در صورتی که عین مستأجره با اوصافی که در اجاره‌نامه قید شده منطبق نباشد. (با رعایت ماده ۴۱۵ قانون مدنی).
 - ۲- اگر در اثنای مدت اجاره عیبی در عین مستأجره حادث شود که آن را از قابلیت انتفاع خارج نموده و رفع عیب مقدور نباشد.
 - ۳- در مواردی که مطابق شرایط اجاره حق فسخ مستأجر تحقق یابد.
 - ۴- در صورت فوت مستأجر در اثناء مدت اجاره و درخواست فسخ اجاره از طرف کلیه ورثه.
 - ۵- هرگاه مورد اجاره کلاً یا جزئاً در معرض خرابی بوده و قابل تعمیر نباشد و یا برای بهداشت و سلامت مضر بوده و باید خراب شود.
- هرگاه مستأجر به علت انقضاء مدت اجاره یا در مواردی که به تقاضای او حکم فسخ اجاره صادر شده مورد اجاره را تخلیه کند و مؤجر از تحویل گرفتن آن امتناع کند مستأجر مکلف است به وسیله اظهارنامه از مؤجر یا نماینده قانونی او تقاضا کند که برای تحویل مورد اجاره حاضر شود. در صورتی که مؤجر ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه حاضر نگردد مستأجر باید به دادگاه محل وقوع ملک مراجعه و تخلیه کامل مورد اجاره را تأمین دلیل نماید و کلید آن را به دفتر دادگاه تسلیم کند.

• دعاوی تخلیه در قانون ۵۶

در ۷ مورد زیر به مؤجر اجازه داده شده است از دادگاه تقاضای تخلیه محل مورد اجاره را بنماید؛

۱- تخلیه به علت تغییر شغل (بند ۷ ماده ۱۴)

۲- تخلیه به علت تعدی یا تفریط (بند ۸ ماده ۱۴)

۳- تخلیه به علت عدم پرداخت اجاره بها (بند ۹ ماده ۱۴)

👉 در این سه دعوی حکم تخلیه بدون پرداخت حق کسب و پیشه صادر می‌گردد.

۴- تخلیه به علت تجدید بنا (بند ۱ ماده ۱۵)

۵- تخلیه به علت نیاز شخصی مؤجر (بند ۲ ماده ۱۵)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۶- تخلیه به علت نیاز مؤجر یا فرزندان یا پدر و مادر یا همسر مؤجر جهت سکونت مشروط بر اینکه محل مورد اجاره قابل سکونت باشد. (بند ۳ ماده ۱۵)

👉 در این سه دعوی حکم تخلیه بعد از پرداخت **تمام مبلغ** حق کسب و پیشه صادر می‌گردد.

۷- تخلیه به لحاظ انتقال به غیر

👉 در این دعوی حکم تخلیه در قابل پرداخت **نصف مبلغ** حق کسب و پیشه به مستأجر یا متصرف صادر می‌گردد.

• در املاکی که دارای سه شرط باشند می‌توان با پایان مدت اجاره بدون آنکه به مستأجر حق کسب یا پیشه تعلق گیرد تقاضای تخلیه مستأجر را به عمل آورد هر چند اجاره ملک مشمول قانون ۵۶ باشد؛

۱- مستند به سند رسمی باشد

۲- مستأجر مبلغی به عنوان سرقفلی به مؤجر پرداخته باشد.

۳- قرارداد اجاره ابتدا به ساکن بعد از تصویب این ماده واحده منعقد شده باشد. اجاره‌هایی که قبل از تصویب این ماده واحده منعقد شده باشند و بعد از تصویب این ماده تمدید شده‌اند مشمول این ماده نیستند و مؤجر نمی‌تواند بدون پرداخت حق کسب و پیشه تخلیه عین مستأجره را بخواهد.

ماده ۱۹- انتقال منافع مورد اجاره محل کسب، پیشه یا تجارت به غیر

-اگر مستأجر حق انتقال به غیر داشته باشد:

می‌تواند منافع مورد اجاره را برای همان شغل یا شغل مشابه، با سند رسمی به دیگری انتقال دهد.

-اگر حق انتقال به غیر سلب شده باشد یا اجاره‌نامه‌ای وجود نداشته باشد و مالک راضی به انتقال نباشد:

مالک باید در مقابل تخلیه مورد اجاره، حق کسب یا پیشه یا تجارت مستأجر را بپردازد.

در غیر این صورت، مستأجر می‌تواند به دادگاه مراجعه و تقاضای تجویز انتقال منافع کند.

○ **حکم دادگاه در تجویز انتقال:**

دادگاه حکم به تجویز انتقال و تنظیم سند رسمی در دفترخانه تنظیم‌کننده اجاره‌نامه سابق (یا نزدیک‌ترین دفترخانه به ملک در صورت نبود اجاره‌نامه رسمی) صادر می‌کند.

رونوشت حکم به دفترخانه مربوط ارسال و مراتب به موجر اعلام می‌شود.

مستأجر جدید از هر حیث قائم‌مقام مستأجر سابق خواهد بود.

○ **مهلت اجرای حکم:**

اگر ظرف ۶ ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی، منافع مورد اجاره با سند رسمی به مستأجر جدید منتقل نشود، حکم ملغی‌الاثراً است.

تبصره ۱: اگر مستأجر بدون رعایت مقررات این ماده، مورد اجاره را به دیگری واگذار کند:

-موجر حق درخواست تخلیه دارد.

-حکم تخلیه علیه متصرف یا مستأجر اجرا می‌شود.

-مستأجر یا متصرف (حسب مورد) استحقاق دریافت نصف حق کسب یا پیشه یا تجارت را خواهد داشت.

تبصره ۲: حق کسب یا پیشه یا تجارت به مستأجر همان محل اختصاص دارد.

انتقال آن به مستأجر جدید فقط با تنظیم سند رسمی معتبر امکان‌پذیر است.

👉 تعمیرات کلی و اساسی مورد اجاره که مربوط به **اصل بنا** یا **تأسیسات عمده** منصوبه در آن عین مستأجره باشد به عهده مؤجر است و تعمیرات جزئی و همچنین تزئین و تعمیری که مربوط به استفاده بهتر از مورد اجاره باشد با مستأجر خواهد بود.

○ اختلاف در تعمیرات - قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶

مرجع رسیدگی:

- اختلاف بین موجر و مستأجر در مورد تعمیرات، با دادگاه است.

در صورت صدور حکم دادگاه به انجام تعمیرات کلی: اگر موجر در مهلتی که دادگاه تعیین می‌کند، تعمیرات را انجام ندهد:

۱. مستأجر می‌تواند برای فسخ اجاره به دادگاه مراجعه کند.

۲. یا از دادگاه درخواست اجازه انجام تعمیرات با نظارت دایره اجرا نماید.

پرداخت هزینه‌ها:

مستأجر می‌تواند مخارج تعمیرات را، حداکثر تا معادل شش ماه اجاره‌بها، به حساب موجر منظور کند.

ماده ۴۷: در مواردی که حکم تخلیه صادر می‌شود دادگاه ضمن صدور حکم مهلتی که از ده روز کمتر و از دو ماه بیشتر نباشد برای تخلیه تعیین می‌نماید. حکم تخلیه مداری که با اجازه رسمی مقامات صلاحیت دار تأسیس شده در تعطیلات تابستان اجرا خواهد شد.

تبصره ۱- در مواردی که حکم تخلیه با پرداخت حق کسب یا پیشه یا تجارت صادر می‌شود مهلت‌های مذکور در این ماده از تاریخ تودیع یا پرداخت وجه مزبور شروع خواهد شد.

تبصره ۲- در مواردی که حکم تخلیه به علت عدم پرداخت اجاره بها صادر می‌شود حداکثر مهلت ۱۵ روز خواهد بود.

• موارد صدور حکم قطعی در قانون ۵۶:

۱- حکم تعدیل اجاره بها

۲- حکم تخلیه عین مستأجره به دلیل امتناع مستأجر از امضای اجاره‌نامه رسمی ظرف ۱۵ روز از تاریخ اعلامی دادگاه.

۳- حکم تخلیه عین مستأجره اگر به این دلیل باشد که مستأجر دو بار ظرف ۱ سال در پرداخت اجاره بها تأخیر داشته و در اثر اخطار یا اظهارنامه اجاره بها را پرداخت کرده باشد و برای بار سوم اجاره بها را در موعد مقرر نپردازد یا به صندوق ثبت نسپارد.

۴- حکم دادگاه درباره اختلاف راجع به تعمیرات عین مستأجره

۵- اگر موجر به دلیل عدم پرداخت مخارج آب، برق، تلفن و ... انشعابات را قطع کند مستأجر می‌تواند به دادگاه مراجعه و وصل آن را بخواهد که تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است.

پرداخت اجاره بها ← اجاره تنظیم شده باشد: مبلغ مقرر در اجاره‌نامه

↘ اجاره تنظیم نشده باشد: مبلغی که بین طرفین مقرر یا توافق شده

↓ نه اجاره‌نامه تنظیم شده و نه مبلغی مورد توافق قرار گرفته: اجاره بها به نرخ روز عادلانه معین شده توسط دادگاه.

☆ در عقد اجاره مشمول ۵۶ بعد از انقضای مدت اجاره همچنان رابطه استیجاری ادامه دارد و با توجه به انقضای مدت قرارداد، مستأجر باید به مؤجر اجرت‌المثل بپردازد اما این اجرت‌المثل استثنائاً طبق نظر کارشناس تعیین نمی‌شود بلکه میزان آن به همان میزان اجرت المسمی (اجاره‌بهای مندرج در قرارداد) است. (اجرت‌المثل معادل اجرت المسمی)

🚩 قانون موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶

این قانون هم بر اجاره املاک مسکونی و هم بر اجاره املاک تجاری حاکم است. قواعد این قانون اصولاً تکمیلی بوده و می‌توان خلاف آن شرط کرد. در این قانون بر خلاف قانون ۵۶ بعد از انقضای مدت اجاره موجر می‌تواند تقاضای تخلیه کند و مستأجر برای زمان بعد از انقضای مدت اجاره به موجر تحمیل نمی‌شود. حتی اگر در ضمن عقد اجاره مالک مستأجر سرقفلی گرفته باشد با انقضای مدت می‌تواند تخلیه مستأجر را بخواهد البته باید سرقفلی را به نرخ روز بپردازد.

○ تعهد به تجدید اجاره

اگر موجر در ضمن عقد اجاره تعهد کرده باشد که ملک را هر ساله به مبلغ متعارف به مستأجر اجاره دهد:

- حتی پس از پایان مدت اجاره، نمی‌تواند تقاضای تخلیه کند،

- مگر اینکه سرقفلی را به نرخ روز بپردازد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

همچنین در این قانون بر خلاف قانون ۵۶ مستأجر حق انتقال منافع عین مستأجره را به غیر دارد مگر آنکه خلافان در قرارداد اجاره شرط شده باشد.

آثار قرارداد } ۱- به مستأجر حق کسب و پیشه تعلق نمی‌گیرد.
اجاره ۷۶ } ۲- به صرف انقضاء مدت اجاره، حکم یا دستور تخلیه صادر می‌گردد.

☆ در این قانون بر خلاف قانون ۵۶ حقی به نام حق کسب و پیشه برای مستأجر ایجاد نمی‌شود بلکه مستأجر در مواردی مستحق دریافت مبلغی به نام سرقفلی است.

☆ حق سرقفلی مندرج در این قانون فقط در املاک تجاری ایجاد می‌شود.

☆ مبلغ سرقفلی در زمان تخلیه به‌روزرسانی می‌شود به این نحو که اگر مستأجر ملک تجاری در سال ۹۵ ملک را اجاره کرده باشد و مبلغی مثلاً ۱۰۰ میلیون تومان به اسم سرقفلی (اصطلاحاً پول پیش) به موجر داده باشد در زمان تخلیه موجر باید مبلغ سرقفلی را به نرخ کارشناسی روز بازگرداند. (ماده ۴ ق ۷۶)

☆ موارد استحقاق مستأجر برای دریافت سرقفلی در قانون ۷۶؛

۱- اگر موجر در قرارداد اجاره، مبلغی تحت عنوان سرقفلی از مستأجر دریافت کرده باشد ← در زمان تخلیه، مستأجر مستحق دریافت سرقفلی به نرخ روز است.

۲- اگر ضمن عقد اجاره شرط شود که تا زمانی که عین مستأجره در تصرف مستأجر است، مالک:

✓ حق افزایش اجاره‌بها و تخلیه را نداشته باشد،

✓ و متعهد شود هر ساله ملک را به همان مبلغ به او واگذار کند،

➤ مستأجر می‌تواند از موجر یا مستأجر دیگر مبلغی به عنوان سرقفلی برای اسقاط حقوق خود دریافت نماید.

۳- اگر ضمن عقد اجاره شرط شود که مالک، ملک را به غیر از مستأجر فعلی اجاره ندهد و هر ساله آن را به اجاره متعارف به مستأجر متصرف واگذار کند ← مستأجر می‌تواند برای اسقاط حق خود یا تخلیه محل، مبلغی به عنوان سرقفلی مطالبه و دریافت نماید.

۴- در موارد زیر، مستأجر در زمان تخلیه حق دریافت سرقفلی ندارد:

✓ مدت اجاره به پایان رسیده باشد.

✓ مستأجر در ابتدای اجاره، سرقفلی به مالک نپرداخته باشد.

✓ مستأجر کلیه حقوق ضمن عقد را استیفاء کرده باشد.

✍ تفاوت‌های حق کسب یا پیشه یا تجارت با سرقفلی

حق کسب و پیشه یا تجارت:

✓ شهرت و رونقی است که در ملک، به‌واسطه اقدامات مستأجر ایجاد می‌شود.

✓ تدریجی‌الحصول بوده و بستگی به عمل مستأجر دارد.

حق سرقفلی:

✓ مالی است که در ابتدای اجاره به مالک پرداخت می‌شود.

✓ ذاتاً قائم و متکی به محل بوده و متضمن شهرت یا جلب مشتری نیست.

← ویژگی‌ها

الف) حق کسب و پیشه یا تجارت:

- به تبع مالکیت منافع، برای مستأجر محل کسب ایجاد می‌شود.

- به‌صورت قهری ایجاد شده و ارتباطی به اراده طرفین یا شروط ضمن عقد ندارد.

- ناشی از قواعد آمره است.

- قائم به شخص مستأجر بوده و اسقاط آن در قرارداد اجاره (طبق ماده ۳۰ قانون ۵۶) باطل است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ب) حق سرقفلی:

- تابع اراده طرفین است.
- قائم به محل است و ذاتاً قابل اعراض و اسقاط است.

نحوه انتقال:

- حق کسب و پیشه یا تجارت ← فقط با سند رسمی قابل انتقال است.
- حق سرقفلی ← می‌تواند با سند رسمی یا عادی منتقل شود.

شرایط استحقاق در زمان تخلیه

سرقفلی: باید به مستأجر به قیمت عادلانه روز مسترد شود، حتی اگر مستأجر هیچ فعالیت کسبی یا تجاری در محل نداشته باشد. کسب و پیشه: استحقاق منوط به فعالیت کسبی مشروع و قانونی در محل است.

موارد از بین رفتن حق

الف) حق کسب و پیشه یا تجارت:

- با تعدی یا تفریط، تغییر شغل، یا عدم پرداخت اجاره‌بها → از بین می‌رود.

- در صورت انتقال غیرمجاز → به نصف کاهش می‌یابد.

ب) حق سرقفلی: با موارد فوق از بین نمی‌رود.

شرایط	۱- قرارداد اجاره طرفین مشمول ۷۶ باشد.
صدور	۲- قرارداد اجاره کتبی عادی + دو نسخه تنظیم شده باشد.
دستور	اگر قرارداد رسمی باشد مطابق ماده ۳ همین قانون تخلیه توسط دواير اجرای ثبت انجام می‌شود.
تخلیه	۳- قرارداد به امضای موجر و مستأجر + ۲ شاهد رسیده باشد.
	۴- مدت اجاره منقضی شده باشد.

• تفاوت حکم تخلیه و دستور تخلیه:

۱- دستور تخلیه در مواردی صادر شده که شرایط شکلی مقرر رعایت شده باشد؛

(اجاره‌نامه رسمی یا اگر عادی است + دو نفر شاهد رسیده باشد) در غیر این صورت حکم تخلیه صادر می‌شود.

شرایط	۱- اجاره‌های تابع ۵۶
صدور	۲- اجاره‌های شفاهی
حکم	۳- اجاره‌نامه عادی بدون شاهد
تخلیه	۴- در مواردی که تخلیه عین مستأجره به دلیل فسخ یا انفساخ اجاره، قبل از انقضای مدت اجاره صورت می‌گیرد.

+ این حکم قابل تجدید نظر است و بعد از قطعیت و صدور اجرائیه قابل اجرا است.

۲- برای صدور دستور تخلیه، درخواست موجر کافی است اما برای صدور حکم تخلیه باید دادخواست تقدیم شود.

۳- برای صدور حکم تخلیه جلسه رسیدگی تشکیل شده اما دستور تخلیه چنین نیست.

۴- صدور اجرائیه حکم تخلیه: پس از قطعیت حکم تخلیه، اجرائیه صادر می‌شود. منظور از قطعیت؛

رأی قابل واخواهی یا تجدیدنظر نباشد، اعم از اینکه:

الف- مهلت‌های قانونی برای اعتراض منقضی شده باشد، یا

ب- اعتراض (واخواهی یا تجدیدنظر) انجام شده و رأی نهایی صادر شده باشد.

۵- دستور تخلیه قطعی است اما می‌توان دعوای ابطال آن را اقامه کرد اما حکم تخلیه قابل ابطال نیست.

- | | |
|---|----------------------------|
| ۱- اثبات مستأجر مبنی بر تمدید مهلت اجاره یا عدم انقضای مدت.
۲- اثبات جعلی بودن اجاره‌نامه
۳- اثبات انتقال ملک به دیگری و نتیجتاً موجر سابق نفعی برای درخواست صدور تخلیه نداشته است. | موارد ابطال
دستور تخلیه |
|---|----------------------------|

بخش هشتم- قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

این قانون در راستای اجرای سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده و برخی مواد برنامه ششم توسعه و قوانین مالی مرتبط، با رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، لازم‌الاجرا است.

○ هماهنگی و نظارت بر اجرای قانون

الف. ستاد ملی جمعیت

ریاست: رئیس‌جمهور

ترکیب اعضا:

۱. رئیس‌جمهور (رئیس ستاد)
۲. دبیر ستاد
۳. وزیران: کشور، بهداشت، علوم، ورزش و جوانان، راه و شهرسازی، تعاون، اطلاعات، اقتصاد، فرهنگ و ارشاد، آموزش و پرورش، ارتباطات
۴. رؤسای سازمان‌های: صداوسیما، برنامه‌بودجه، تبلیغات اسلامی، پزشکی قانونی
۵. معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری
۶. مدیر حوزه‌های علمیه
۷. دادستان کل کشور
۸. رئیس شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده
۹. دو نماینده مجلس به‌عنوان ناظر
۱۰. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
۱۱. رئیس سازمان بسیج مستضعفین

ب. وظایف ستاد ملی جمعیت

- تهیه برنامه عمل متناظر قانون و تقسیم کار ملی
- ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی بین دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط
- پیشنهاد بودجه سالانه دستگاه‌ها به سازمان برنامه‌بودجه
- دریافت گزارش عملکرد سالانه و ارزیابی بودجه‌های اختصاص‌یافته
- تدوین و ابلاغ دستورالعمل ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها
- نظارت بر طرح‌ها، برنامه‌ها و اعتبارات مرتبط با قانون
- تدوین شاخص‌های سنجش اقدامات مؤثر بر رشد ازدواج و فرزندآوری
- دریافت گزارش اثربخشی اقدامات نهادهای ذی‌ربط
- اهدای سالانه «جایزه ملی جوانی جمعیت»
- پایش تغییرات جمعیتی ملی، استانی، شهرستانی با مشارکت مرکز آمار ایران
- پایش جامع وضعیت سقط جنین در کشور
- ارائه گزارش عملکرد شش‌ماهه به شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس

تبصره‌ها:

- جلسات ستاد حداقل هر سه ماه یکبار تشکیل می‌شود.
- ستاد دارای دبیرخانه مستقل است؛ انتصاب دبیر و مسئولان با حکم رئیس‌جمهور است.
- نظارت ستاد نافی سایر نظارت‌ها نیست؛ شمول بر نهادهای زیرمجموعه رهبری نیازمند اذن معظم‌له است.
- مصوبات ستاد پس از تأیید و امضای رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا است.

پ. نقش استانداران

راهبری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت در سطح استان از طریق شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان.

ت. وظایف وزارت کشور

رصد سالانه موالید و نرخ باروری کل کشور با همکاری مرکز آمار ایران.
ارائه پیشنهادهای لازم برای ارتقای باروری به ستاد ملی جمعیت.

تبصره مهم:

اعطای کلیه امتیازات و تسهیلات این قانون مشروط به این است که نرخ باروری شهرستان محل زادگاه پدر یا فرزند بالای ۲.۵ نباشد.
این محدودیت شامل امتیازات و تسهیلات برخی مواد (۶، ۷، ۸، ۱۷، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۹، ۶۶، ۶۸) و موارد پیش‌بینی‌شده در قوانین قبلی نمی‌شود.

ماده ۲- کلیه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های زیرمجموعه دولت موظف‌اند دستورالعمل‌ها، برنامه‌ها و منشورات مرتبط با خانواده، فرزندآوری و جمعیت را در چهارچوب مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه نموده و جهت تحقق تبصره (۴) راهبرد کلان سوم نقشه مهندسی فرهنگی کشور هر شش ماه یک بار به مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی گزارش دهند.

ماده ۳- وزارت راه و شهرسازی مکلف است امکان استفاده مجدد از امکانات دولتی مربوط به تأمین مسکن خانوار را برای خانواده‌ها پس از تولد فرزند سوم و بیشتر فراهم آورد و این خانواده‌ها می‌توانند صرفاً برای بار دوم از کلیه امکانات دولتی در این خصوص استفاده نمایند.

ماده ۴- اعطای زمین یا واحد مسکونی پس از تولد فرزند سوم یا بیشتر

دولت مکلف است:

-یک قطعه زمین یا واحد مسکونی حداکثر ۲۰۰ مترمربع مطابق ضوابط حد نصاب تفکیک بر اساس طرح‌های هادی روستایی و شهری یا طرح‌های جامع و تفصیلی شهری مصوب،

-برای ساکنین روستاها یا شهرهای با جمعیت کمتر از ۵۰۰ هزار نفر،

-پس از تولد فرزند سوم یا بیشتر،

-به صورت مشترک و بالمناصفه به پدر و مادر، در همان محل،

-فقط یک‌بار،

-فروش اقساطی با ۲ سال تنفس و ۸ سال اقساط،

-سند مالکیت پس از پرداخت آخرین قسط و ظرف حداکثر یک ماه به مالکین تحویل می‌شود.

تبصره ۱: برای ساکنان شهرهای بیش از ۵۰۰ هزار نفر، زمین یا واحد مسکونی با شرایط فوق، بسته به ظرفیت اعلامی دولت، در:

- شهرک‌های اطراف،

- شهرهای جدید،

- شهرهای مجاور،

- یا زادگاه پدر یا مادر (به شرط جمعیت کمتر از ۵۰۰ هزار نفر)،

به انتخاب پدر و در صورت فوت او، به انتخاب مادر، اختصاص می‌یابد (طبق آیین‌نامه تبصره ۳).

تبصره ۲: در صورت فوت هر یک از پدر یا مادر، مالکیت بر اساس مقررات ارث به ورثه متوفی منتقل می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

تبصره ۳: وزارت راه و شهرسازی با همکاری وزارت جهاد کشاورزی مکلفاند ظرف حداکثر سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن قانون، آیین‌نامه اجرایی این ماده را تهیه و جهت تصویب به هیأت وزیران ارائه کنند.

ماده ۲۳- سازمان بهزیستی باید با همکاری خیریه‌ها و نهادهای مردمی، ظرفیت و کیفیت شیرخوارگاه‌ها را تا یک و نیم برابر افزایش دهد. در هر مرکز، حداقل یک نفر آشنا به تربیت اسلامی کودک با معرفی حوزه‌های علمیه به کار گرفته می‌شود.

برنامه‌ریزی و نظارت محتوایی این مراکز در امور تربیتی، آموزشی، معنوی و مذهبی باید با همکاری حوزه علمیه انجام شود. دولت موظف است زمین با اجاره ۹۹ ساله و غیرقابل تغییر کاربری برای خیریه‌ها و سازمان‌های تأییدشده توسط بهزیستی تأمین کند.

ماده ۲۸ - بندهای ح و ث و ت

بند ث

سازمان صداوسیما، سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر، و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظفاند با همکاری مرکز ملی فضای مجازی بر محتوای مرتبط با سیاست‌های کلی جمعیت در فضای مجازی، تولیدات رسانه‌ای و هنری (سینما، تئاتر، شبکه خانگی، نشر آثار) نظارت کنند و در صورت تخلف، موضوع را از طریق مراجع قانونی پیگیری نمایند.

بند ح

تمام دستگاه‌های موضوع این ماده مکلفند با نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی، پیوست فرهنگی سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده را با توجه به اولویت‌ها و ظرفیت‌های ملی و محلی خود تدوین و اجرا کنند.

بندت -

سازمان صداوسیما مکلف است با هدف افزایش نرخ رشد جمعیت، برنامه‌های هفتگی و ماهانه در زمینه مطالبه‌گری اجرای این قانون را تدوین و اجرا نماید.

ماده ۴۰- معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و صندوق نوآوری و شکوفایی مکلفند از شرکت‌های دانش‌بنیان و خلاق در تولید اقلام و تجهیزات مورد نیاز برای فرزندآوری و درمان ناباروری از طریق ارائه تسهیلات، مشوق‌ها، فضا و تجهیزات حمایت کنند.

تبصره ۱- معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری مکلف است حداقل پنج درصد (۵٪) از اعتبارات تخصیص‌یافته برنامه توسعه علوم و فناوری‌های نو را در زمینه تولید داروها، اقلام و تجهیزات، حمایت از طرح‌های توسعه فناوری، تحقیقات بنیادی و تجاری‌سازی طرح‌ها را از طریق ستاد توسعه علوم و فناوری‌های سلول بنیادی در قالب طرح فرزندآوری، درمان ناباروری و سلامت مادر و کودک هزینه نماید.

ماده ۵۶- سقط جنین ممنوع و دارای جنبه عمومی است و مرتکب بر اساس قانون مجازات اسلامی مجازات دیه، حبس و ابطال پروانه پزشکی خواهد داشت.

مادر فقط در شرایط خاص می‌تواند درخواست سقط به مراکز پزشکی قانونی ارائه کند. درخواست‌ها به کمیسیون سه نفره (قاضی ویژه، پزشک متخصص متعهد، پزشک قانونی) ارجاع می‌شود که ظرف یک هفته تصمیم می‌گیرد. صدور مجوز فقط با اطمینان کامل و در این موارد است:

خطر جدی برای جان مادر و تنها راه نجات، سقط جنین باشد، سن جنین کمتر از ۴ ماه و بدون علائم ولوج روح.

در صورت ادامه بارداری، مرگ حتمی مادر و جنین و تنها راه نجات مادر، سقط باشد.

وجود همه شرایط زیر: رضایت مادر، حرج شدید غیرقابل تحمل، ناهنجاری قطعی غیرقابل درمان جنین، عدم امکان جبران حرج، نبود علائم ولوج روح، سن جنین کمتر از ۴ ماه.

تبصره‌ها:

رأی کمیسیون ظرف یک هفته قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر ویژه است که حداکثر ظرف یک هفته رأی می‌دهد.

اجرای سقط فقط در بیمارستان‌های تأییدشده و پس از دستور قاضی و احراز شرایط، با ثبت اطلاعات در پرونده الکترونیک سلامت.

ثبت کلیه مراحل درخواست و نتیجه در سامانه، ارسال گزارش سالانه به مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی.

مباشرت یا فراهم کردن وسایل سقط خارج از مراحل قانونی توسط پزشک، ماما یا داروفروش موجب مجازات قانونی و ابطال پروانه خواهد بود.

ماده ۵۸- توزیع داروهای رایج در سقط جنین فقط برای عرضه مراکز درمانی بیمارستانی دارای مجوز از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در داروخانه‌های آن‌ها مجاز است. هرگونه خرید، فروش و پخش داروهای مذکور، خارج از سامانه ردیابی و رهگیری فرآورده‌های دارویی وزارت بهداشت،

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

درمان و آموزش پزشکی و نگهداری و حمل این داروها بدون نسخه پزشک جرم است و مشمول مجازات‌های تعزیری درجه سه تا شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ می‌شود.

ماده ۶۱- ارتکاب گسترده جنایت علیه تمامیت جسمانی جنین، با قصد یا علم به ایجاد خسارت عمده در حد وسیع به جنین‌ها یا مادران، مشمول ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (افساد فی الارض) است.
تبصره‌ها:

اگر دادگاه قصد یا علم به خسارت عمده را احراز نکند و جرم عنوان دیگری نداشته باشد، با توجه به نتایج جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ محکوم می‌شود.

تهیه، توزیع گسترده یا مباشرت و معاونت در سقط غیرقانونی جنین یا فعالیت مؤثر در تجارت آن (در صورت عدم شمول حکم اصلی ماده)، مجازات تعزیری درجه ۲ و جزای نقدی دو تا پنج برابر عوائد جرم دارد.

اموال و وسایل حاصل از جرم مصادره و عوائد آن به خزانه واریز و پس از درج در بودجه، صرف درمان ناباروری توسط وزارت بهداشت می‌شود.
ماده ۶۴- وزارت امور خارجه مکلف است حداکثر تا یک سال پس از ابلاغ این قانون گزارش کلیه تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی مرتبط با مسائل جمعیتی کشور را به مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه و با کمک نهادهای ذی‌ربط تدابیر و اقداماتی انجام دهد که زمینه کلیه عملکردهای ضدجمعیتی نهادهای بین‌المللی در کشور بر طرف گردد.

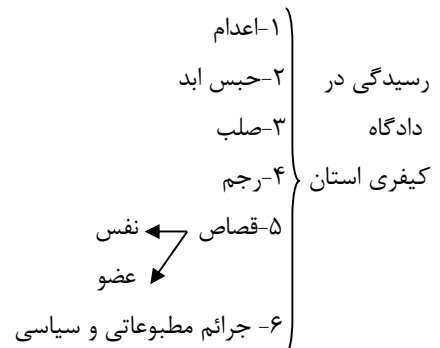
ماده ۶۶- نیروهای مسلح با استفاده از ظرفیت و امکانات دستگاه‌های اجرائی و سازمان‌های ذی‌ربط خود در زمینه ارائه خدمات بهداشتی، سلامت باروری، درمان ناباروری، افزایش ازدواج، کاهش طلاق و اعطای مشوق‌های فرزندآوری ویژه کارکنان نیروهای مسلح و خانواده‌آنان، بازنشستگان و بسیجیان اقدام نمایند.

فصل دوم: قوانین خاص مربوط به آیین دادرسی مدنی

بخش اول - قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب

ماده ۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب

تأسیس دادگاه عمومی، تعیین حوزه و تعداد شعب در هر حوزه قضایی، به تشخیص رئیس قوه قضاییه است. رئیس قوه قضاییه می‌تواند شعبی از دادگاه‌های حقوقی یا کیفری را برای رسیدگی به موضوعات خاص (مانند امور خانواده یا جرائم اطفال) اختصاص دهد. در صورت ضرورت، امکان ارجاع پرونده حقوقی به شعبه جزایی یا پرونده جزایی به شعبه حقوقی وجود دارد.



-حاکم دادگاه عمومی در دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق در صورتی صلاحیت رسیدگی دارد که اجازه مخصوص از طرف رئیس قوه قضاییه داشته باشد.

ماده ۴ - به رئیس قوه قضاییه اختیار داده می‌شود در هر حوزه قضایی که لازم باشد با لحاظ نوع دعاوی و تجربه و تبحر قضات هر یک از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی به دعاوی: حقوقی، کیفری، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص دهد.

ماده ۵ - به تعداد مورد نیاز دادگاه‌های انقلاب، در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رئیس قوه قضاییه تشخیص می‌دهد تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضایی تشکیل می‌گردد، و به جرائم ذیل رسیدگی می‌نماید:

۱ - کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض.

۲ - توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری.

۳ - توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام.

۴ - جاسوسی به نفع اجانب.

۵ - کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر.

۶ - دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی.

ماده ۷ - احکام دادگاه‌های عمومی و انقلاب قطعی است مگر در مواردی که در این قانون قابل نقض و تجدید نظر پیش‌بینی شده است.

○ رسیدگی به اتهامات مقامات عالی‌کشور

کلیه اتهامات مقامات و مسئولان عالی‌رتبه از جمله اعضای مجمع تشخیص مصلحت

نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس، وزرا و معاونان آن‌ها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، قضات، استانداران، فرمانداران، افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر، و مدیران کل اطلاعات استان‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران است، مگر مواردی که قانون، مرجع دیگری را صالح دانسته باشد.

ماده ۹: قرارها و احکام دادگاه‌ها باید مستدل بوده و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است. تخلف از این امر و انشاء رأی بدون استناد موجب محکومیت انتظامی خواهد بود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۱۰ - در هر حوزه قضایی، شعب دادگاه، قاضی تحقیق، دفتر دادگاه، واحد ابلاغ و اجرای احکام، و در صورت لزوم واحد ارشاد و معاضدت قضایی ایجاد می‌شود. در صورت تعدد شعب، دفتر کل نیز تشکیل می‌گردد.

تبصره - جزئیات مربوط به تشکیل، اعضا، شرایط، حدود صلاحیت و نحوه اقدام این واحدها در آیین‌نامه‌ای که توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد، تعیین می‌شود.

ماده ۱۱: رئیس شعبه اول دادگاه‌های عمومی در هر حوزه قضایی، رئیس حوزه قضایی است و با تصویب رئیس قوه قضاییه می‌تواند به تعداد لازم معاون داشته باشد.

در شهرستان؛ رئیس دادگستری؛ رئیس حوزه قضایی و رئیس شعبه اول دادگاه بر دادگاه‌های ریاست اداری دارد.

در مرکز استان؛ رئیس کل دادگستری استان، رئیس کل دادگاه‌ها تجدیدنظر و کیفری استان است و بر کلیه دادگاه‌ها و دادرها و دادگستری‌های حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت. همچنین رئیس دادگستری هر حوزه بر دادرهای آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد.

با توجه به تبصره ۳ ماده ۱۳؛ به جز موارد ضروری به تشخیص رئیس قوه قضاییه، رئیس کل دادگستری استان باید حداقل دارای ده سال سابقه کار قضائی، رئیس دادگاه تجدیدنظر حداقل هشت سال و دادستان و رئیس دادگستری شهرستان حداقل شش سال سابقه کارقضائی داشته باشند.

★ در مرکز استان، رئیس کل دادگستری استان، ریاست شعبه اول دادگاه تجدیدنظر را برعهده دارد. رئیس شعبه اول دادگاه عمومی مرکز استان، رئیس کل دادگاه‌های همان شهرستان است. در شهرستان‌های غیر مرکز استان نیز رئیس حوزه قضایی، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی همان حوزه می‌باشد.

★ امور حسبه و کلیه اختیاراتی که در سایر قوانین به عهده دادستان عمومی بوده به جز اختیاراتی که به موجب این قانون به رؤسای محاکم تفویض شده است به رئیس دادگستری شهرستان و استان محول می‌شود.

ماده ۱۳ - نیروی انتظامی هر حوزه قضایی اعم از بخش یا شهرستان در مقام ضابط دادگستری تحت ریاست و نظارت رئیس همان حوزه انجام‌وظیفه نموده و مکلف به اجرای دستورات مقام قضایی می‌باشد.

ماده ۱۴ - دادگاه‌های عمومی با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی‌البدل تشکیل می‌شود و تمام اقدامات، تحقیقات، اظهار نظر قضایی و صدور رأی از ابتدا تا پایان توسط حاکم دادگاه انجام می‌گیرد.

تبصره ۱ - برخی اقدامات و تحقیقات می‌تواند به دستور و تحت نظر حاکم دادگاه

توسط قاضی تحقیق، ضابطین دادگستری یا مراجع ذیصلاح انجام شود.

تبصره ۲ - در صورت نیاز به تحقیق یا اقدام در حوزه قضایی دیگر، دادگاه می‌تواند از طریق نیابت قضایی، انجام آن را از دادگاه مربوطه درخواست کند.

ماده ۱۵ - قضات تحقیق تحت نظارت قضات دادگاه‌های همان حوزه، مسئول انجام امور ارجاعی در مراحل تعقیب، رسیدگی و اجرا هستند.

ماده ۱۸ - موارد نقض آراء دادگاه‌های عمومی و انقلاب (حکم یا قرار):

۱ - قاضی صادرکننده رأی، خود متوجه اشتباه در رأی شود.

۲ - قاضی دیگری متوجه اشتباه رأی گردد، به‌گونه‌ای که با تذکر به قاضی صادرکننده، او متنبه شود.

۳ - ثابت شود قاضی صادرکننده رأی، صلاحیت رسیدگی و صدور رأی را نداشته است.

تبصره - در بندهای ۱ و ۲، مرجع تجدیدنظر رأی را نقض و خود رسیدگی می‌کند. در بند ۳، مرجع تجدیدنظر ابتدا به ادعای عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز، رسیدگی مجدد را انجام می‌دهد.

ماده ۲۲ - نحوه رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان به آراء دادگاه‌های عمومی و انقلاب:

۱ - اگر رأی به صورت قرار باشد و نقض شود ← پرونده برای رسیدگی ماهوی به همان دادگاه بدوی ارجاع و دادگاه مکلف به رسیدگی ماهوی است.

۲ - اگر رأی به صورت حکم باشد:

- در صورت تأیید حکم ← پرونده برای اجرا به دادگاه بدوی اعاده می‌شود.
- در صورت نقض حکم ← دادگاه تجدیدنظر رأساً رسیدگی و رأی قطعی و لازم‌الاجرا صادر می‌کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

تبصره: اگر رئیس دادگاه تجدیدنظر، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی نیز باشد، ارجاع توسط خود دادگاه تجدیدنظر انجام می‌شود و در غیر این صورت پس از نقض، پرونده برای ارجاع به نظر رئیس شعبه اول ارسال می‌گردد.

۳- اگر متهم بی‌گناه شناخته شود حکم نقض و حکم برائت صادر می‌شود، حتی اگر محکوم علیه درخواست تجدیدنظر نکرده باشد.

۴- اگر در رأی بدوی اشتباهاتی شکلی وجود داشته باشد که به اساس حکم لطمه نمی‌زند (مثل احتساب محکوم به، خسارات، مشخصات طرفین، نوع یا میزان مجازات، یا تطبیق عمل با قانون) — دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور، اشتباه را اصلاح و رأی را تأیید می‌کند.

تبصره ۱- در امور حقوقی، مرجع تجدیدنظر فقط نسبت به مواردی که مورد درخواست تجدیدنظر قرار گرفته، رسیدگی می‌کند و نسبت به قسمت‌های دیگر حق رسیدگی ندارد.

★ در امور کیفری موضوع مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده مرجع تجدیدنظر نمی‌تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید کند، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی درخواست تجدیدنظر کرده باشد.

درخواست تجدید نظر } ۱- امور حقوقی: طرفین دعوا، نماینده قانونی یا قائم مقام آن‌ها
۲- امور کیفری: محکوم علیه، شاکی خصوصی یا نماینده قانونی آن‌ها، دادستان از حکم برائت یا محکومیت غیرقانونی متهم.

🔗 در مورد قرارها: هر یک از طرفین دعوی که قرار دادگاه به ضرر او صادر شده باشد یا نماینده قانونی آنان.

ماده ۲۳- نحوه رسیدگی دیوان عالی کشور به تجدیدنظرخواهی:

- ۱- اگر حکم مطابق قانون و دلایل پرونده باشد — تأیید و برای اجرا به دادگاه صادرکننده اعاده می‌شود.
 - ۲- در صورت صدور رأی از دادگاه فاقد صلاحیت ذاتی، یا مخالفت رأی با قانون، یا عدم رعایت تشریفات اساسی قانونی، یا صدور رأی بدون توجه به دلایل و مدافعات یا با نقص تحقیقات — رأی نقض و به شرح زیر اقدام می‌شود:
 - الف - اگر عمل انتسابی اصلاً جرم نباشد، یا مشمول عفو عمومی شده باشد، یا به جهت قانونی دیگر قابل تعقیب نباشد — نقض بلاارجاع.
 - ب - اگر رأی منقوض قرار باشد یا حکم به علت نقص تحقیقات نقض شود — ارجاع به همان دادگاه صادرکننده برای رسیدگی مجدد.
 - ج - اگر علت نقض، عدم صلاحیت ذاتی دادگاه باشد — ارجاع به دادگاه صالح مورد نظر دیوان.
 - د - در سایر موارد — ارجاع به شعبه دیگر همان دادگاه به تشخیص دیوان.
- تبصره - در نقض به علت نقص تحقیقات، دیوان باید نواقص را دقیق و مشروح ذکر کند.

ماده ۲۴- وظیفه مرجع پس از نقض در دیوان عالی کشور:

- الف - اگر قرار نقض شود — دادگاه باید نظر دیوان را پذیرفته و وارد رسیدگی ماهوی شود.
 - ب - اگر حکم به علت نقص تحقیقات نقض شود — تحقیقات مورد نظر دیوان انجام و سپس حکم صادر شود.
 - ج - اگر حکم به دلایل دیگر نقض شود — دادگاه می‌تواند رأی اصراری صادر کند.
- اگر یکی از اشخاص ذی‌حق، دوباره تجدیدنظر بخواهد — پرونده مجدداً به دیوان عالی می‌رود.
 - اگر دیوان استدلال دادگاه را بپذیرد — حکم ابرام می‌شود.
 - اگر نپذیرد — موضوع در هیأت عمومی شعب حقوقی یا کیفری مطرح و در صورت تأیید نظر دیوان، حکم نقض و به شعبه دیگر دادگاه ارجاع می‌شود.

- شعبه مرجوع‌الیه با توجه به نظر هیأت عمومی، حکم قطعی صادر می‌کند.

تبصره - قطعی بودن حکم نهایی منوط به این است که از موارد سه‌گانه ماده ۱۸ نباشد.

ماده ۲۵- جهات درخواست تجدید نظر به قرار زیر است:

- ۱- ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت، در شهود.
- ۲- ادعای مخالف بودن رأی با قانون.
- ۳- ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رأی.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۴ - ادعای عدم توجه قاضی به دلایل یا مدافعات.

تبصره - اگر درخواست تجدید نظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد مرجع تجدید نظر در صورت وجود جهتی دیگر می‌تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید.

-تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوی مطروحه با همان دادگاهی است که قانوناً مکلف به رسیدگی به پرونده بوده است. در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه ذیصلاح ارسال می‌نماید، چنانچه دادگاه مرجوع‌الیه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد پرونده جهت حل اختلاف توسط دادگاه مرجوع‌الیه به دادگاه **تجدید نظر استان** ارسال می‌شود. اگر اختلاف صلاحیت بین دادگاه‌های دو حوزه قضایی از دو استان باشد مرجع حل اختلاف **دیوان عالی کشور** خواهد بود.

بخش دوم - قانون اجرای احکام مدنی

به موجب ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی:

هیچ حکمی از دادگاه‌های دادگستری قابل اجرا نیست مگر این‌که  قطعی شده باشد یا در موارد مقرر قانونی، قرار اجرای موقت آن صادر شده باشد.

🔸 **حکم قطعی:** حکمی است که غیرقابل تجدیدنظر بوده یا قابل تجدیدنظر بوده و در مهلت مقرر قانونی، درخواست تجدیدنظر نسبت به آن نشده و به واسطه انقضاء مهلت مزبور، قطعی شده باشد یا مرحله تجدیدنظر را سپری کرده باشد.

🔸 **اجرای موقت:** به اجرای احکامی گفته می‌شود که به مرحله قطعیت نرسیده ولی به‌طور استثناء و در حدود موارد مصرح در قانون موقتاً اجرا می‌شود.

احکام دادگاه‌های دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می‌شود که به محکوم‌علیه یا وکیل یا قائم‌مقام قانونی او ابلاغ شده و محکوم‌له یا نماینده و یا قائم‌مقام قانونی او کتباً این تقاضا را از دادگاه بنماید.

صدور اجرائیه و عملیات اجرا، هیچ‌وقت با خواست و تمایل محکوم‌علیه همراه نیست.

• شرایط اجرای حکم را می‌توان در چهار دسته برشمرد:

الف) قطعیت حکم (ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی)

ب) معین بودن حکم (ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی) یعنی مجهول نباشد.

ج) درخواست صدور اجرائیه در احکام اعلامی و دستور دادگاه در احکام اعلانی.

د) صدور و ابلاغ اجرائیه (مواد ۲ و ۳ قانون اجرای احکام مدنی)

• در دو مورد اجرائیه صادر نمی‌شود:

الف) حکم دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم‌علیه نباشد که در این مورد صدور اجرائیه موضوعاً منتفی است.

ب) اجرای حکم باید توسط مراجعی صورت گیرد که محکوم‌علیه پرونده نمی‌باشند. در این حالت نیز اجرائیه صادر نمی‌شود.

* صدور اجرائیه با دادگاه نخستین است *

تنظیم و صدور اجرائیه و اجرای حکم بر عهده دادگاهی است که ابتدا به دعوا رسیدگی کرده باشد؛ فرقی ندارد حکم در تجدیدنظر تأیید یا نقض شده و حکم جدید صادر شده باشد یا بدون تجدیدنظر قطعی شده باشد.

در مورد رأی داور، مرجع صدور اجرائیه همان دادگاهی است که اختلاف را به داوری ارجاع داده یا صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را داشته باشد. اجرائیه به تعداد محکوم‌علیه‌ها + دو نسخه صادر می‌شود: یک نسخه در پرونده دعوا، نسخه دیگر در پرونده اجرایی و نسخه سوم هنگام ابلاغ به محکوم‌علیه داده می‌شود.

اگر محکوم‌علیه پیش از ابلاغ اجرائیه محجور یا فوت شود، اجرائیه به ولی، قیم، امین، وصی، ورثه یا مدیر ترکه ابلاغ می‌شود. اگر بعد از ابلاغ فوت یا محجور شود، مفاد اجرائیه و اقدامات انجام‌شده با خطاریه به آن‌ها اطلاع داده می‌شود.

✎ گر حجر یا فوت محکوم علیه بعد از ابلاغ اجرائیه باشد ← خطاریه ای که برای ذی سمتان متوفی یا محجور ارسال می شود، خطاریه استحضاری خواهد بود.

اگر محکوم له قبل از درخواست صدور اجرائیه فوت کند ← هر یک از ورثه نسبت به سهم الارث خود حق درخواست صدور اجرائیه خواهد داشت. ✎ در صورت فوت وکیل، هیچ خللی در روند اجرای حکم ایجاد نخواهد شد؛ زیرا، مخاطب اجرای حکم حتی در مواردی که موکل از وکیل برخوردار بوده است، شخص موکل خواهد بود.

هرگاه در صدور اجرائیه اشتباهی شده باشد دادگاه می تواند رأساً یا به درخواست هر یک از طرفین به اقتضای مورد، اجرائیه را ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرایی را الغا کند و دستور استرداد مورد اجرا را بدهد.

✓ نکته: دایره اجرا حق ندارد اجرائیه را اصلاح کند؛ زیرا اجرائیه توسط دایره اجرا صادر نگردیده است و دادگاهی که اجرائیه را صادر نموده است وظیفه دارد با اصلاح یا ابطال اجرائیه، اشتباه خود را رفع کند.

ماده ۲۰: هرگاه تمام یا قسمتی از عملیات اجرائی باید در حوزه دادگاه دیگری به عمل آید مدیر اجرا انجام عملیات مزبور را به قسمت اجراء دادگاه آن حوزه محول می کند.

ماده ۲۴: دادورز (مأمور اجرا) پس از آغاز اجرای حکم، حق تعطیل، توقیف، قطع یا تأخیر در اجرا را ندارد مگر در این موارد:

الف- دستور دادگاهی که اجرای حکم را صادر کرده یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تأخیر دارد.

ب- ارائه رسید محکوم له مبنی بر وصول محکوم به.

ج- رضایت کتبی محکوم له به تعطیل، توقیف، قطع یا تأخیر اجرا.

○ **صلاحیت و نحوه رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای احکام**

اختلافات ناشی از اجرای حکم، در صلاحیت دادگاهی است که حکم را اجرا می کند.

اختلافات مربوط به مفاد حکم یا ناشی از ابهام و اجمال حکم یا محکوم به، در دادگاهی رسیدگی می شود که حکم را صادر کرده است.

هر یک از طرفین می تواند رفع اختلاف را از دادگاه بخواهد.

-دادگاه در وقت فوق العاده رسیدگی و رفع اختلاف می کند.

-اگر نیاز به رسیدگی بیشتر باشد، درخواست به طرف مقابل ابلاغ و جلسه خارج از نوبت تشکیل می شود.

-عدم حضور طرفین مانع رسیدگی نیست.

✎ درخواست رفع اختلاف مانع اجرای حکم نیست مگر دادگاه قرار تأخیر صادر کند.

○ **تأثیر فوت یا حجر محکوم علیه بر عملیات اجرایی**

در صورت فوت یا محجور شدن محکوم علیه، عملیات اجرایی تا زمان معرفی ورثه، ولی، وصی، قیم محجور یا امین و مدیر ترکه متوقف می شود.

قسمت اجرا موظف است به محکوم له اخطار کند تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید.

اگر مالی توقیف نشده باشد، دادورز (مأمور اجرا) می تواند به درخواست محکوم له معادل محکوم به از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند.

ماده ۳۴ - مهلت و تکالیف محکوم علیه پس از ابلاغ اجرائیه

پس از ابلاغ اجرائیه، محکوم علیه موظف است ظرف ۱۰ روز:

-مفاد اجرائیه را اجرا کند، یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد، یا مالی معرفی نماید که استیفای محکوم به از آن ممکن باشد.

-اگر قادر به اجرای مفاد اجرائیه نیست، باید در این مهلت صورت جامع دارایی خود را به قسمت اجرا تسلیم کرده و در صورت نداشتن مال، صریحاً اعلام نماید.

چنانچه ظرف سه سال پس از پایان این مهلت ثابت شود که محکوم علیه توان اجرای حکم را داشته اما برای فرار از آن، اموال خود را معرفی نکرده یا اطلاعات خلاف واقع ارائه داده و اجرای حکم را متعسر کرده است، به حبس جنه ای از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم می شود.

تبصره - شخص ثالث نیز می تواند به جای محکوم علیه برای استیفای محکوم به مالی معرفی کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

در نتیجه: برای استیفای محکوم‌به، سه شخص می‌توانند مال معرفی کنند:

۱- محکوم‌علیه (در مهلت ۱۰ روزه)

۲- محکوم‌له

۳- شخص ثالث

■ چنانچه محکوم‌علیه در اجرای حکم ناتوان باشد، یعنی توان پرداخت محکوم‌به را نداشته باشد و محکوم‌له هم نتوانسته باشد مالی از اموال محکوم‌علیه را جهت استیفای محکوم‌به، توقیف نماید؛ محکوم‌له می‌تواند بر اساس ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تقاضای بازداشت محکوم‌علیه را بنماید. البته، محکوم‌علیه نیز می‌تواند پس از قطعیت حکم محکومیت او، حتی قبل از صدور اجرائیه، به دادگاه صادرکننده حکم دادخواست اعسار بدهد. در صورت ثبوت اعسار یا تقسیط محکوم‌به، بازداشت محکوم‌علیه منتفی می‌شود.

■ محکوم‌له می‌تواند بعد از ابلاغ اجرائیه و قبل از انقضای مهلت مقرر در مواد قبل اموال محکوم‌علیه را برای تأمین محکوم‌به به قسمت اجرا معرفی کند و قسمت اجرا مکلف به قبول آن است. پس از انقضای مهلت مزبور نیز در صورتی که محکوم‌علیه مالی معرفی نکرده باشد که اجرای حکم و استیفای محکوم‌به از آن میسر باشد محکوم‌له می‌تواند هر وقت مالی از محکوم‌علیه به دست آید استیفای محکوم‌به را از آن مال بخواهد.

■ هرگاه حکمی که به موقع اجرا گذارده شده بر اثر فسخ یا نقض یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهایی بلااثر شود عملیات اجرایی به دستور دادگاه اجراکننده حکم به حالت قبل از اجرا بر می‌گردد و در صورتی که محکوم‌به عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد دادرز (مأمور اجرا) مثل یا قیمت آن را وصول می‌نماید. اعاده عملیات اجرایی به دستور دادگاه به ترتیبی که برای اجرای حکم مقرر است بدون صدور اجرائیه به عمل می‌آید.

■ هرگاه محکوم‌به عین معین منقول یا غیرمنقول بوده و تسلیم آن به محکوم‌له ممکن باشد دادرز (مأمور اجرا) عین آن را گرفته و به محکوم‌له می‌دهد.

← مثال اجرای حکم در تسلیم مبیع، خلعید یا تخلیه ملک

در صورتی که محکوم‌علیه ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه حکم را اجرا نکند:

- مأمور اجرا به محل اعزام شده و عین معین منقول یا غیرمنقول را از تصرف محکوم‌علیه خارج و به محکوم‌له تحویل می‌دهد.

اگر محکوم‌به عین معین منقول باشد و دسترسی به آن ممکن نباشد یا محکوم‌علیه آن را مخفی کرده و همکاری نکند:

- از سایر اموال محکوم‌علیه معادل ارزش محکوم‌به توقیف و فروخته می‌شود و وجه حاصل به محکوم‌له پرداخت می‌گردد.

اگر محکوم‌به مال غیرمنقول باشد و نیاز به انتقال رسمی در دفتر اسناد رسمی داشته باشد و محکوم‌علیه از تنظیم سند امتناع کند:

- دادگاه ناظر بر اجراء، مأمور اجرا را به قائم‌مقامی محکوم‌علیه برای تنظیم سند معرفی می‌نماید.

در حکم خلعید علیه متصرف ملک مشاع به نفع مالک سهم مشاعی:

خلعید از تمام ملک صورت می‌گیرد، اما تصرف محکوم‌له تابع مقررات املاک مشاعی خواهد بود.

■ ماده ۴۴ - تصرف شخص ثالث در عین محکوم‌به

- اگر عین محکوم‌به در تصرف شخصی غیر از محکوم‌علیه باشد:

این موضوع مانع اجرای حکم نیست.

- در صورتی که متصرف:

مدعی حقی نسبت به عین یا منافع آن باشد
و دلایل خود را ارائه کند،

دادرز (مأمور اجرا): یک هفته به او مهلت می‌دهد تا به دادگاه صالح مراجعه کند.

چنانچه ظرف ۱۵ روز از پایان مهلت:

قراری مبنی بر تأخیر اجرای حکم به قسمت اجرا ارائه نشود، عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت.

در تصرف ثالث بودن محکوم‌به، مانع اجرای حکم نیست.

- اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده یا به آن دسترسی نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی به وسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم علیه وصول می شود و هرگاه محکوم به قابل تقویم نباشد محکوم له می تواند دعوی خسارت اقامه نماید.

- گاهی محکوم به نه عین معین است و نه وجه نقد، بلکه عملی است که از جانب محکوم علیه باید انجام شود و در صورتی که امتناع بورزد؛

۱- محکوم له می تواند تحت نظر دادورز (مأمور اجرا) آن عمل را وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند؛

یا

۲- بدون انجام عمل هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا از محکوم علیه مطالبه نماید.

ماده ۴۸: در صورتی که در ملک مورد حکم خلعید زراعت شده و تکلیف زرع در حکم معین نشده باشد به ترتیب زیر رفتار می شود:

الف- اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد —> محکوم علیه باید فوراً محصول را بردارد و الا دادورز (مأمور اجرا) اقدام به برداشت محصول نموده و هزینه های مربوط را تا زمان تحویل محصول به محکوم علیه از او وصول می نماید.

ب- هرگاه موقع برداشت محصول نرسیده باشد —> اعم از این که بذر روییده یا نروییده باشد محکوم له مخیر است که بهای زراعت را بپردازد و ملک را تصرف کند یا ملک را تا زمان رسیدن محصول به تصرف محکوم علیه باقی بگذارد و اجرت المثل بگیرد. تشخیص بهای زراعت و اجرت المثل با دادگاه خواهد بود و نظر دادگاه در این مورد قطعی است.

- از اموال محکوم علیه به میزانی توقیف می شود که معادل محکوم به و هزینه های اجرایی باشد ولی هرگاه مال معرفی شده ارزش بیشتری داشته و قابل تجزیه نباشد تمام آن توقیف خواهد شد در این صورت اگر مال غیر منقول باشد مقدار مشاعی از آن که معادل محکوم به و هزینه های اجرایی باشد توقیف می گردد.

• هرگاه مالی از محکوم علیه در قبال خواسته یا محکوم به توقیف شده باشد:

۱- محکوم علیه می تواند یک بار تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگری بنماید؛ مشروط بر این که —> مالی که پیشنهاد می شود از حیث قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد.

{ اگر مالی که «محکوم علیه» جهت تبدیل و جایگزینی به جای مال قبلی معرفی می کند، جزء مستثنیات دین باشد، در صورتی که مربوط به خود محکوم علیه باشد، اشکالی به نظر نمی رسد. }

۲- محکوم له نیز می تواند یک بار تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مال توقیف شده را بنماید.

در صورتی که محکوم علیه یا محکوم له به تصمیم قسمت اجرا معترض باشند می توانند به دادگاه صادر کننده اجراییه مراجعه نمایند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

- اگر مالی که توقیف آن تقاضا شده؛ وثیقه دینی بوده یا در مقابل طلب دیگری توقیف شده باشد:

قسمت اجرا به درخواست محکوم له توقیف مازاد ارزش مال مزبور را حسب مورد به اداره ثبت یا مرجعی که قبلاً مال را توقیف کرده است اطلاع می دهد در این صورت اگر مال دیگری به تقاضای محکوم له توقیف شود که تکافوی طلب او را بنماید از توقیف مازاد رفع اثر خواهد شد. در صورت فک وثیقه یا رفع توقیف اصل مال، توقیف مازاد خود به خود به توقیف اصل مال تبدیل می شود. در این مورد هرگاه محکوم علیه به عنوان عدم تناسب بهای مال با میزان بدهی معترض باشد به هزینه او مال ارزیابی شده از مقدار زائد بر بدهی رفع توقیف خواهد شد.

با توجه به بند فوق، نکات ذیل حائز اهمیت است:

اولاً: قانون اجرای احکام مدنی، اصل توقیف مازاد را پذیرفته است.

ثانیاً: توقیف مازاد تا زمانی است که مال دیگری از محکوم علیه مورد بازداشت قرار نگرفته و بنابراین اگر مال دیگری از او یافت شد و کفایت طلب (محکوم به) را بنماید از توقیف مازاد رفع اثر خواهد شد. به عبارت دیگر، اولویت در بازداشت مال آزاد محکوم علیه است که تکافوی بدهی را بکند.

ثالثاً: هرگاه وثیقه فک شود یا بازداشت اول پایان پذیرد توقیف مازاد خود به خود تبدیل به توقیف اصل مال می شود.

رابعاً: بند فوق به نوعی تبدیل مال توقیف شده را نیز تجویز نموده است. با این توضیح که در صورت توقیف مازاد مال، به نفع محکوم له دوم، او به موجب این ماده اجازه یافته است مال دیگری را که تکافوی طلب او را می نماید جهت توقیف معرفی کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

★ ماده ۵۶: هرگونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شرطی و رهنی نسبت به مال توقیف شده باطل و بلااثر است.

نکات مهم:

- بطلان فقط شامل معاملاتی است که پس از توقیف مال انجام شده باشد.

- اگر قبل از صدور دستور توقیف، مال با قرارداد (مثلاً بیع) به شخص ثالث منتقل شده باشد، معامله صحیح و نافذ است.

- اگر دستور توقیف صادر شده ولی قبل از ابلاغ و اجرای آن، مال به دیگری انتقال یابد، معامله صحیح و نافذ است.

ماده ۵۷: هرگونه قرارداد یا تعهدی که نسبت به مال توقیف شده بعد از توقیف به ضرر محکوم‌له منعقد شود نافذ نخواهد بود مگر این که محکوم‌له کتباً رضایت دهد.

رفع توقیف از اموال محکوم‌علیه ← پرداخت محکوم‌به
← پرداخت خسارات قانونی

• موارد رفع توقیف:

۱- در صورتی که محکوم‌علیه، محکوم‌به و خسارات قانونی را تأدیه نماید، قسمت اجرا از مال توقیف شده رفع توقیف خواهد کرد.

۲- در صورتی که طرفین دعوا تراضی نمایند و سازش‌نامه تنظیم کنند.

۳- چنانچه پس از قطعیت در اثر فرجام‌خواهی، دادنامه فرجام‌خواسته نقض شود.

۴- هرگاه در اثر اعاده دادرسی، حکم مورد اعاده دادرسی نقض شود.

۵- در صورتی که دادگاه، دعوای اعتراض ثالث را وارد تشخیص بدهد و آن قسمت که مورد اعتراض قرار گرفته است را نقض کند.

✎ عدم حضور محکوم‌له و محکوم‌علیه مانع از توقیف مال نمی‌شود ولی توقیف مال به طرفین اعلام خواهد شد.

✦ مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکوم‌علیه باشد و متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت کند یا آن را متعلق به دیگری معرفی نماید به عنوان مال محکوم‌علیه توقیف نخواهد شد. در صورتی که خلاف ادعای متصرف ثابت شود مسئول جبران خسارت محکوم‌له خواهد بود.

✦ شرایط توقیف مال نزد ثالث:

۱- مال مورد نظر منقول باشد،

۲- مال در تصرف شخصی غیر از محکوم‌علیه باشد،

۳- متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت ننماید،

۴- متصرف آن را متعلق به غیر نداند.

- اموال منقولی که خارج از محل سکونت یا محل کار محکوم‌علیه باشد در صورتی توقیف می‌شود که دلائل و قرائن کافی بر احراز مالکیت او در دست باشد.

• اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی‌شود:

۱- لباس و اشیاء و اسبابی که برای رفع حوائج ضروری محکوم‌علیه و خانواده او لازم است.

۲- آذوقه به قدر احتیاج یک‌ماهه محکوم‌علیه و اشخاص واجب‌النفقه او.

۳- وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان.

۴- اموال و اشیایی که به موجب قوانین مخصوص غیر قابل توقیف می‌باشند.

✎ تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آن‌ها بدون رضایت ورثه یا قائم‌مقام آنان توقیف نمی‌شود.

ماده ۶۶ – فروش فوری اموال ضایع شدنی

اموال ضایع شدنی یا اموالی که ادامه توقیف آن‌ها موجب هزینه نامتناسب یا کاهش فاحش قیمت شود، بلافاصله ارزیابی و با تصویب دادگاه، بدون تشریفات توقیف و مزایده به فروش می‌رسد.
قبل از فروش، باید صورت‌برداری از اموال انجام شود.

ماده ۶۷ – صورت‌برداری از اموال منقول قبل از توقیف

پیش از توقیف اموال منقول، دادورز باید صورت‌برداری دقیق با ذکر کامل مشخصات انجام دهد؛ از جمله: نوع، تعداد، وزن، اندازه و... (با حروف و اعداد).

-طلا و نقره: ذکر عیار (در صورت معلوم بودن).

-جواهرات: ذکر نام و مشخصات.

-کتاب: نام کتاب، مؤلف، مترجم، خطی یا چاپی بودن، تاریخ تحریر یا چاپ.

-آثار هنری: خصوصیات و نام نقاش (در صورت معلوم بودن).

-مصنوعات: ساخت و مدل.

-فرش: بافت و رنگ.

-سهام و اوراق بهادار: نوع، تعداد، مبلغ اسمی.

در همه موارد، ذکر مشخصات کامل که معرف مال باشد الزامی است.

ماده ۷۰ – اعتراض به صورت‌برداری اموال

در صورت حضور محکوم‌له و محکوم‌علیه یا نماینده قانونی آن‌ها هنگام تنظیم صورت اموال، اگر ایراد یا اظهاری داشته باشند، دادورز باید آن را همراه با دلایل رد یا قبول، در پایان صورت قید کند.

طرفین حاضر، ظرف یک هفته از تاریخ تنظیم صورت حق شکایت دارند.

اگر یکی از طرفین غایب باشد، صورت اموال به او ابلاغ می‌شود و از تاریخ ابلاغ، یک هفته برای شکایت مهلت خواهد داشت.

ماده ۷۶: حق الزحمه ارزیاب با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت و ارزش کار به وسیله دادورز (مأمور اجرا) معین می‌گردد و پرداخت آن به عهده محکوم‌علیه است. هرگاه نسبت به میزان حق الزحمه اعتراضی باشد دادگاه در این مورد تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد.

هرگاه محکوم‌علیه از پرداخت حق الزحمه ارزیاب امتناع نماید محکوم‌له می‌تواند آن را بپردازد. در این صورت دادورز (مأمور اجرا) وجه مزبور را ضمن اجرای حکم از محکوم‌علیه وصول و به محکوم‌له خواهد داد. پرداخت حق الزحمه در مورد ماده قبل به عهده معترض است و اگر ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ اخطار نپردازد به اعتراض او ترتیب اثر داده نخواهد شد.

-اموال توقیف شده در همانجا که هست حفظ می‌شود مگر اینکه نقل اموال به محل دیگری ضرورت داشته باشد.

اموال توقیف شده برای حفاظت به شخص مسئولی سپرده می‌شود. حافظ با توافق طرفین تعیین می‌گردد و در صورتی که طرفین حین توقیف حاضر نباشند و یا در انتخاب حافظ تراضی ننمایند دادورز (مأمور اجرا) شخص قابل اعتمادی را معین می‌کند. اوراق بهادار و جواهر و امثال آن‌ها در صورت اقتضا در یکی از بانک‌ها به امانت گذاشته می‌شود.

﴿**اموال توقیف شده بدون تراضی طرفین به اشخاص ذیل سپرده نمی‌شود:**

۱ – اقربای سببی و نسبی دادورز (مأمور اجرا) تا درجه سوم.

۲ – محکوم‌له و محکوم‌علیه و همسر آنان و کسانی که با طرفین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارند.

اجرت حافظ را اگر محکوم‌علیه تأدیه نکند محکوم‌له می‌پردازد و از حاصل فروش اشیاء توقیف شده استیفاء می‌نماید.

حافظ نسبت به اموال توقیف شده امین است (عقد ودیعه) و حق ندارد اموال توقیف شده را مورد استفاده قرار داده یا به کسی بدهد و به طور کلی هرگاه حافظ مرتکب تعدی یا تفریط گردد مسئول پرداخت خسارت وارده بوده و حق مطالبه اجرت هم نخواهد داشت.

* با توجه به این که ودیعه، عقدی جایز است؛ حافظ می‌تواند آن را فسخ کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۸۴: هرگاه اموال توقیف شده منافع داشته باشد حافظ باید حساب آن را بدهد

با وحدت ملاک از ماده ۷۸۶ قانون مدنی؛ به نظر می‌رسد منافع مادی به مالک تعلق دارد. با این وجود، در مورد این که حافظ باید حساب منافع را به چه کسی بدهد، دو نظر قابل طرح است:

نظر اول: آن که حافظ باید حساب منافع را به دادورز بدهد.

نظر دوم: این که مستفاد از ماده ۱۶۹ قانون مدنی، منافع به کسی می‌رسد که مالک است؛ لذا دادورز باید حساب منافع را به محکوم‌علیه بدهد چراکه با توقیف، مال از ملکیت وی خارج نشده است.

- در صورتی که حافظ از تسلیم اموال توقیف شده امتناع کند از تاریخ امتناع ضامن محسوب است و دادورز (مأمور اجرا) معادل ارزش مال توقیف شده را از اموال حافظ استیفاء می‌نماید.

○ شخص ثالث و تکالیف او پس از توقیف مال یا طلب

پس از ابلاغ اخطار توقیف، شخص ثالث حق ندارد مال یا طلب توقیف‌شده را به محکوم‌علیه بدهد و باید طبق دستور مدیر اجرا عمل کند؛ در غیر این صورت مسئول جبران خسارت وارده به محکوم‌له خواهد بود.

اگر مالی که نزد شخص ثالث توقیف شده، عین معین، وجه نقد یا طلب حال باشد، شخص ثالث باید در صورت مطالبه آن را به دادورز تحویل داده و رسید دریافت کند. این رسید به منزله سند پرداخت یا تحویل مال از طرف شخص ثالث به محکوم‌علیه محسوب می‌شود.

- ثالث حق ندارد مال توقیف‌شده را مستقیماً به محکوم‌له بدهد؛ زیرا حق محکوم‌له نسبت به آن مال، مانند حق رهن است و پس از مزایده و فروش آن مال توسط دادورز، محکوم‌به به او پرداخت می‌شود.

- اخذ رسید در برابر تسلیم مال یا طلب، از حقوق شخص ثالث است و او می‌تواند تا قبل از دریافت رسید، از تحویل آن امتناع نماید.

ماده ۹۳: اگر شخص ثالث از تسلیم عین مال توقیف شده امتناع نماید و دادورز (مأمور اجرا) به آن مال دسترسی پیدا نکند معادل قیمت آن از دارایی او برای استیفاء محکوم‌به توقیف خواهد شد.

در صورتی که شخص ثالث مدعی باشد که مال قبل از مطالبه قسمت اجرا بدون تعدی و تفریط او از بین رفته می‌تواند به دادگاه دادخواست دهد دادگاه در صورتی که دلائل او را موجه تشخیص دهد قراری در باب توقیف عملیات اجرایی تا تعیین تکلیف نهایی صادر می‌کند.

- توقیف از دارایی ثالث به عوض اموال توقیفی مستلزم وجود شرایط زیر است:

۱- مالی از محکوم‌علیه نزد ثالث توقیف شده باشد؛

۲- دادورز قبلاً تسلیم مال توقیفی را از ثالث درخواست نموده باشد و مشارالیه از تسلیم امتناع کند؛

۳- مالی که ثالث از تسلیم آن خودداری کرده عین باشد (به عبارت دیگر ضمانت اجرای این ماده، شامل امتناع از پرداخت دین نمی‌شود).

۴- پس از امتناع ثالث از تسلیم، دادورز به هر طریق به آن مال دسترسی نداشته باشد.

باید توجه داشت که تکلیف نهایی با صدور حکمی قطعی از دادگاه بدوی و یا دادگاه تجدیدنظر مشخص می‌گردد.

- هرگاه شخص ثالث از تأدیه وجه نقد یا طلب حال که نزد او توقیف شده امتناع نماید به میزان وجه مزبور از دارایی او توقیف خواهد شد.

ماده ۹۶- توقیف حقوق و مزایا

از حقوق و مزایای کارکنان دستگاه‌های دولتی، عمومی، بانک‌ها، شرکت‌های خصوصی و نظایر آن:

- در صورت داشتن زن یا فرزند ← ربع حقوق قابل توقیف است.

- در صورت نداشتن زن یا فرزند ← ثلث حقوق قابل توقیف است.

تبصره ۱: توقیف یک‌چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه فقط زمانی ممکن است که دین مربوط به شخص بازنشسته یا وظیفه‌بگیر باشد.

تبصره ۲: حقوق و مزایای نظامیانی که در حال جنگ هستند و همچنین مستمری مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی، قابل توقیف نیست.

توقیف حقوق مانع از توقیف سایر اموال محکوم‌علیه نیست؛ ولی اگر مال دیگری که معرفی شده، برای پرداخت محکوم‌به کافی باشد، توقیف حقوق متوقف می‌گردد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

* این حق همچنان برای محکومله محفوظ است که چنانچه مالی جدای از حقوق مربوط به محکومعلیه را شناسایی نمود؛ تقاضای بازداشت آن را از اجرا بخواهد.*

دایره اجرای احکام مدنی، وظیفه‌ای برای شناسایی اموال دیگر محکومعلیه جهت توقیف و تسریع در عملیات اجرایی ندارد و تا زمانی که مالی از محکومعلیه جهت استیفای محکومبه معرفی نشود، دایره اجرا فقط از حقوق و مزایای ماهانه محکومعلیه به میزان مقرر قانونی جهت استیفای محکومبه و پرداخت به محکومله استفاده خواهد کرد.

ماده ۹۹- توقیف مال غیرمنقول

قسمت اجرا، توقیف ملک را با ذکر شماره پلاک و مشخصات، به طرفین دعوا و اداره ثبت محل اعلام می‌کند.
اداره ثبت:

اگر ملک به نام محکومعلیه ثبت شده باشد ← توقیف را در دفتر املاک یا دفتر املاک بازداشتی (در صورت جریان ثبت) قید و به قسمت اجرا اطلاع می‌دهد.

اگر ملک به نام محکومعلیه نباشد ← فوراً به قسمت اجرا اعلام می‌کند.

توقیف ملک فاقد سابقه ثبتی به عنوان مال محکومعلیه فقط در صورتی مجاز است که محکومعلیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد.

۱- مال غیرمنقول در تصرف محکومعلیه باشد.

توقیف اموال غیرمنقولی ۲- محکومعلیه مالک ملک تصرفی باشد.

که سابقه ثبت ندارند ۳- محکومعلیه به حکم نهایی، مالک شناخته شده باشد.

- در صورتی که عوائد یک‌ساله مال غیرمنقول به تشخیص دادگاه برای اداء محکومبه و هزینه اجرایی کافی باشد و محکومعلیه حاضر شود که از عوائد آن ملک، محکومبه داده شود عین ملک توقیف نمی‌شود و فقط عوائد توقیف و محکومبه از آن وصول می‌گردد، در این صورت قسمت اجراء مکلف است مراتب را به ثبت محل اعلام نماید.

★ توقیف مال غیرمنقول موجب توقیف منافع آن نمی‌گردد.

در نتیجه توقیف مال به منزله سلب مالکیت نیست و نوعی حق رهن برای محکومله به وجود می‌آید و تفاوتی در ملک دارای سابقه ثبتی و ملک فاقد سابقه ثبتی نمی‌باشد.

• فروش؛

-فروش اموال از طریق مزایده به عمل می‌آید.

-آگهی فروش باید در یکی از روزنامه‌های محلی یک نوبت منتشر شود.

- موعده فروش باید طوری معین شود که فاصله بین انتشار آگهی و روز فروش بیش از یک ماه و کمتر از ده روز نباشد.

- فروش با حضور دادورز (مأمور اجرا) و نماینده دادسرا به عمل می‌آید.

- هر کس می‌تواند در مدت پنج روز قبل از روزی که برای فروش معین شده است اموالی را که آگهی شده ملاحظه نماید.

-محکومله می‌تواند مثل سایرین در خرید شرکت نماید ولی؛

۱- ارزیابان

۲- دادورزها (مأمورین اجرا)

۳- سایر اشخاصی که مباشر امر فروش هستند

۴- اقرباء نسبی و سببی آنان تا درجه سوم

نمی‌توانند در خرید شرکت کنند.

نکته ۱: چنانچه افرادی که از خرید مال توقیف شده ممنوع شده‌اند، مال مزایده را بخرند؛ باید مزایده باطل شود، هر چند کسی شکایت نکرده باشد.

نکته ۲: برای محکوم له این امکان فراهم است که جهت پرداخت بهای مبیع، به اندازه‌ای که با محکومبه مماثلت نماید، با استناد به سقوط دین خود به دلیل تهاتر، از پرداخت آن قسمت امتناع نماید.

به موجب ماده ۱۲۹ همین قانون؛ دادورز (مأمور اجرا) می تواند پرداخت بهای اموال را به وعده قرار دهد. در این صورت برنده مزایده باید ده درصد بها را فی المجلس به عنوان سپرده به قسمت اجرا تسلیم نماید حداکثر مهلت مزبور از یک ماه تجاوز نخواهد کرد و در صورتی که برنده مزایده در موعد مقرر بقیه بهای اموال را نپردازد سپرده او پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می گردد.

- صاحب مال می تواند تقاضا کند که بعضی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند یا اینکه خود او بالاترین قیمت پیشنهادی را نقداً پرداخت و از فروش آن جلوگیری نماید.

ماده ۱۳۱: هرگاه مالی که مزایده از آن شروع می شود خریدار نداشته باشد محکوم علیه می تواند مال دیگری از محکوم علیه معرفی و تقاضای توقیف و مزایده آن را بنماید یا معادل طلب خود از اموال مورد مزایده به قیمتی که ارزیابی شده قبول کند یا تقاضای تجدید مزایده مال توقیف شده را بنماید و در صورت اخیر مال مورد مزایده به هر میزانی که خریدار پیدا کند به فروش خواهد رفت و هزینه آگهی مجدد به عهده محکوم له می باشد. و هرگاه طلبکاران متعدد باشند رأی اکثریت آن ها از حیث مبلغ طلب برای تجدید آگهی مزایده منوط اعتبار است.

ماده ۱۳۲: هرگاه در دفعه دوم هم خریداری نباشد و محکوم له نیز مال مورد مزایده را به قیمتی که ارزیابی شده قبول ننماید آن مال به محکوم علیه مسترد خواهد شد.

{ روشن است که محکوم له، حق درخواست برگزاری مزایده برای بار سوم را ندارد. }

- تسلیم مال فقط بعد از پرداخت تمام بهای آن صورت خواهد گرفت.

• در موارد زیر فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می شود:

۱- هرگاه فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده به عمل آید.

۲- هرگاه کسی را بدون جهت قانونی مانع از خرید شوند یا بالاترین قیمتی را که خواسته است رد نمایند.

۳- در صورتی که مزایده بدون حضور نماینده دادسرا باشد.

۴- در صورتی که خریدار طبق ماده ۱۲۷ ممنوع از خرید بوده باشد.

- هرگاه ملک مشاع باشد فقط سهم محکوم علیه به فروش می رسد مگر اینکه سایر شرکاء فروش تمام ملک را بخواهند در این صورت طلب محکوم له و هزینه های اجرایی از حصة محکوم علیه پرداخت می شود.

نکته: در حالتی که شرایط اخذ به شفعه فراهم باشد (ماده ۸۰۸ قانون مدنی)، شریکی که سهم خود را فروخته، می تواند پس از تحقق مزایده، با پرداخت ثمن معامله به خریدار، سهم فروخته شده را تملک کند.

ماده ۱۴۴: در مواردی که ملک خریدار نداشته و محکوم له آن را در مقابل طلب خود قبول نماید مالک ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده می تواند کلیه بدهی و خسارات و هزینه های اجرایی را پرداخته و مانع انتقال ملک به محکوم له شود. دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبور دستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکوم له باشد خواهد داد.

ماده ۱۴۶: هرگاه نسبت به مال منقول یا غیر منقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی نماید اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است، توقیف رفع می شود در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب می گردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرایی و اثبات ادعای خود می تواند به دادگاه شکایت کند.

* شکایت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می شود*

ماده ۱۴۸: در هر مورد که اجرائیه های متعدد به قسمت اجراء رسیده باشد، دادورز (مأمور اجرا) باید حق تقدم هریک از محکوم لهم را به ترتیب زیر رعایت نماید:

۱- اگر مال منقول یا غیر منقول محکوم علیه نزد محکوم له رهن یا وثیقه یا مورد معامله شرطی و امثال آن یا در توقیف تأمین یا اجرایی باشد محکوم له نسبت به مال مزبور به میزان محکوم به بر سایر محکوم لهم حق تقدم خواهد داشت.

۲- خدمه خانه و کارگر و مستخدم محل کار محکوم علیه نسبت به حقوق و دستمزد شش ماه خود.

۳- نفقه زن و هزینه نگهداری اولاد صغیر محکوم علیه برای مدت شش ماه و مهریه تا میزان دویست هزار ریال.

۴- بستانکاران طبقات مذکور در بندهای دوم و سوم نسبت به بقیه طلب خود و سایر بستانکاران.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

پس از اینکه بستانکاران به ترتیب هر طبقه طلب خود را از اموال محکوم علیه وصول نمودند اگر چیزی زائد از طلب آن‌ها باقی بماند به طبقه بعدی داده می‌شود و در هر یک از طبقات دوم تا چهارم اگر بستانکاران متعدد باشند مال محکوم علیه به نسبت طلب بین آن‌ها تقسیم می‌گردد.

ماده ۱۵۳: در موردی که محکوم له بیش از یک نفر باشد و دارایی دیگری برای محکوم علیه غیر از مال توقیف شده معلوم نشود و هیچ یک از طلبکاران بر دیگری حق تقدم نداشته باشند از وجه وصول شده معادل هزینه اجرایی به کسی که آن را پرداخته است داده می‌شود و بقیه بین طلبکارانی که تا آن تاریخ اجراییه صادر و درخواست استیفاء طلب خود را نموده‌اند به نسبت طلبی که دارند با رعایت مواد ۱۵۴ و ۱۵۵ تقسیم می‌شود.

• شرایط ذیل جهت تقسیم وجوه حاصل از فروش اموال توقیفی، به نسبت طلب، ضرورت دارد:

- ۱- محکوم له بیش از یک نفر باشد و به نفع همه آن‌ها اجراییه صادر شده باشد.
 - ۲- اموال توقیف شده تکافوی طلب همه محکوم لهم را ننماید.
 - ۳- اموال و دارایی دیگری از محکوم علیه به دست نیاید.
 - ۴- هیچ یک از طلبکاران بر دیگری حق تقدم نداشته باشد.
 - ۵- ابتدا هزینه‌های اجرایی به پرداخت کننده، داده شده باشد.
- نکته: چنانچه وجه حاصل از فروش مال توقیف شده، کمتر از طلب همه طلبکاران باشد لیکن دارایی یا مال دیگری از محکوم علیه شناسایی و معلوم گردد؛ پس از تقسیم وجوه حاصل از مال توقیفی اولیه، کسی که برای وصول بقیه طلب خود مال ثانوی را معرفی کرده است، در آن مال حق تقدم خواهد داشت.

ماده ۱۵۸ - هزینه‌های اجرایی

- پنج درصد مبلغ محکوم به بابت حق اجرای حکم، پس از اجرا وصول می‌شود. در دعوای مالی که خواسته وجه نقد نیست، حق اجرا بر مبنای بهای خواسته مندرج در دادخواست یا قیمتی که دادگاه تعیین کرده محاسبه می‌شود.
- سایر هزینه‌های ضروری اجرای حکم مانند حق الزحمه کارشناس، ارزیاب، خبره، حق حفاظت اموال و نظایر آن.
- اگر از تاریخ صدور اجراییه بیش از پنج سال بگذرد و محکوم له عملیات اجرایی را تعقیب نکرده باشد، اجراییه بلا اثر است و اگر حق اجرا وصول نشده باشد، دیگر قابل وصول نخواهد بود.
- صدور اجراییه مجدد ممکن است، ولی برای هر حکم فقط یک بار حق اجرا دریافت می‌شود.

ماده ۱۶۹ - شرایط اجرای احکام مدنی دادگاه‌های خارجی در ایران

- حکم از کشوری صادر شده باشد که طبق قوانین خود یا قراردادهای، احکام دادگاه‌های ایران را اجرا می‌کند یا معامله متقابل نماید.
- مفاد حکم مخالف نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد.
- اجرای حکم مخالف عهدنامه‌های بین‌المللی امضا شده توسط ایران یا قوانین خاص نباشد.
- حکم در کشور صادرکننده قطعی و لازم‌الاجرا باشد و از اعتبار نیفتاده باشد.
- از دادگاه‌های ایران حکمی مخالف با آن صادر نشده باشد.
- موضوع دعوا طبق قوانین ایران در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران نباشد.
- حکم مربوط به اموال غیر منقول واقع در ایران یا حقوق وابسته به آن نباشد.
- دستور اجرای حکم از مقامات صالح کشور صادرکننده صادر شده باشد.

توضیح:

مهلت تجدیدنظر به قرار رد اجرای حکم خارجی، ۱۰ روز است. مرجع رسیدگی، دادگاه محل اقامت محکوم علیه (و در صورت مجهول‌المکان بودن، دادگاه تهران) است. رأی این دادگاه قطعی و غیر قابل فرجام است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

بخش سوم - قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

ماده ۱: هرکس طبق حکم قطعی دادگاه به دادن مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند:

اگر محکوم به عین معین باشد — همان مال اخذ و به محکوم له تحویل می‌شود.

اگر رد عین ممکن نباشد یا محکوم به عین معین نباشد — اموال محکوم علیه (با رعایت مستثنیات دین) توقیف و از محل آن، محکوم به یا مثل یا قیمت آن وصول می‌شود.

شرایط اجرای این ماده:

۱- قطعی بودن حکم محکومیت

۲- ابلاغ حکم به محکوم علیه

۳- تقاضای صدور اجراییه از سوی محکوم له

۴- جنبه اجرایی داشتن حکم

۵- ابلاغ اجراییه به محکوم علیه

۶- گذشت مهلت ۱۰ روزه اجرای حکم توسط محکوم علیه

مرجع اجرای رأی (چه اجرای دادگاه صادرکننده اجراییه و چه مجری نیابت) موظف است به درخواست محکوم له، از هر طریق قانونی ممکن، اموال محکوم علیه را شناسایی و به میزان محکوم به توقیف کند.

اگر محکوم به عین معین باشد و محکوم له شناسایی و تحویل آن را بخواهد، مرجع اجرا مکلف به شناسایی و توقیف همان مال است.

🔸 نکته مهم: تنها موردی که دادگاه بدون درخواست محکوم له اقدام به شناسایی اموال محکوم علیه می‌کند، دعوای اعسار از پرداخت محکوم به است.

ماده ۳: هرگاه استیفای محکوم به از طرق قانونی ممکن نباشد، به درخواست محکوم له، محکوم علیه حبس می‌شود تا یکی از سه حالت زیر

رخ دهد:

۱. اجرای کامل حکم.

۲. پذیرش اعسار او.

۳. جلب رضایت محکوم له.

اگر محکوم علیه ظرف ۳۰ روز پس از ابلاغ اجراییه، همراه با ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار اقامه کند، حبس نمی‌شود؛ مگر دعوای اعسار مسترد یا با حکم قطعی رد شود.

تبصره ۱: اگر دعوای اعسار پس از مهلت ۳۰ روز اقامه شود، محکوم علیه با رضایت محکوم له یا با ارائه وثیقه یا کفیل معتبر معادل محکوم به، تا تعیین تکلیف اعسار، حبس نمی‌شود.

در صورت رد قطعی اعسار، کفیل یا وثیقه گذار باید ظرف ۲۰ روز محکوم علیه را تحویل دهد؛ وگرنه محکوم به و هزینه‌ها از محل وثیقه یا وجه الکفاله وصول می‌شود.

دستور دادگاه در این مورد ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است. مقررات صدور قرار تأمین و اعتراض به دستور دادستان، تابع قانون آیین دادرسی کیفری است.

تبصره ۲: مقررات تعویق و موانع اجرای مجازات حبس، در مورد حبس‌های این ماده نیز قابل اعمال است.

جمع‌بندی:

- حبس محکوم علیه آخرین راهکار برای استیفای طلب محکوم له است و اگر استیفای محکوم به از طرق مذکور در این قانون ممکن نباشد، محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می‌شود.

- شرایط اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی:

شرط ۱: وجود درخواست کتبی محکوم له برای اعمال ماده.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

شرط ۲: استنکاف محکوم علیه از پرداخت محکوم به بدون عذر موجه.

شرط ۳: عدم طرح دعوای اعسار در مهلت مقرر قانونی، یا عدم معرفی کفیل یا وثیقه گذار معتبر پس از پایان مهلت.

شرط ۴: عدم شناسایی هیچ مالی از محکوم علیه که امکان استیفای محکوم به از آن وجود داشته باشد.

✎ در مواردی که اجرای حکم به وسیله دادسرا انجام می شود، مرجع صدور دستور حبس محکوم علیه، قاضی دادگاه نخستین صادر کننده رأی است.

✎ آزادی محکوم علیه پس از صدور حکم تقسیط یا تعیین پیش قسط

پرداخت قسط مقرر: پس از صدور حکم تقسیط، اگر محکوم علیه قسط تعیین شده را پرداخت کند، بلافاصله از زندان آزاد می شود؛ عدم قطعیت حکم مانع آزادی نیست.

پرداخت پیش قسط یا اقساط در دعوای اعسار: اگر دادگاه در دعوای اعسار، پیش قسط یا مبلغی برای هر قسط تعیین کرده باشد و محکوم علیه به دلیل امتناع از پرداخت

بازداشت شده باشد، در صورتی که مالی معرفی کند یا مالی از او کشف شود که امکان استیفای مبلغ یا مال مقرر را فراهم کند، به دستور قاضی مجری حکم فوراً آزاد می شود.

ماده ۴ - جلوگیری از حبس یا آزادی محکوم علیه مالی با معرفی یا کشف مال:

اگر محکوم علیه موضوع ماده ۳، حبس شده یا مستحق حبس باشد، هرگاه:

- مالی معرفی کند، یا

- مالی از او کشف شود (با رعایت مستثنیات دین)

و طبق نظر کارشناس رسمی، ارزش مال تکافوی محکوم به و هزینه های اجرایی را نماید؛ حبس نخواهد شد یا اگر در حبس باشد آزاد می شود.

مال معرفی یا کشف شده توسط مرجع اجرا کننده رأی توقیف می شود و محکوم به از محل آن استیفا می گردد.

ماده ۵ - شرایط نگهداری و اشتغال محکومان مالی

محکومان مالی موضوع ماده ۳ باید؛ جدای از محکومان کیفری نگهداری شوند.

قوه قضاییه با همکاری دولت (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) زمینه انجام فعالیت های اقتصادی و درآمدزا را برای محبوسان متقاضی کار فراهم کند.

نکته مهم: اشتغال برای این دسته الزامی نیست، بلکه یک حق برای آنان است.

اجرت حاصل از کار، متعلق به محکوم علیه است و بخشی از محکومیت او محسوب نمی شود.

ماده ۶: معسرکسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد.

به موجب تبصره این ماده؛ عدم قابلیت دسترسی به مال در حکم نداشتن مال است. اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال برعهده مدیون است.

✎ مفلس کسی است که دارایی او برای پرداخت مخارج عدلیه یا بدهی او کافی نیست.

مهم: در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد اثبات اعسار برعهده اوست مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد هرگاه خواننده دعوای اعسار نتواند ملائت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا ملائت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می شود.

ماده ۸ - تکالیف مدعی اعسار در ارائه اطلاعات مالی

مدعی اعسار باید همراه با دادخواست، صورت کامل اموال خود را ارائه دهد، شامل:

- اموال منقول و غیر منقول با تعداد، مقدار و قیمت.

- جوه نقد نزد بانک ها یا مؤسسات مالی و اعتباری (ایرانی و خارجی) با ذکر مشخصات حساب ها.

- کلیه اموالی که نزد اشخاص ثالث دارد.

- مطالبات از اشخاص ثالث.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

-فهرست نقل و انتقالات و هر تغییر در اموال از یک سال قبل از طرح دعوا به بعد.

در مواردی که؛

بار اثبات اعسار بر عهده مدیون است، یا سابقه ملائت او ثابت شده، و مدیون بخواهد اعسار را با شهادت شهود اثبات کند، باید: شهادتنامه کتبی حداقل دو شاهد را ضمیمه کند.

شهود باید به مدتی با مدیون معاشرت داشته باشند که اطلاع کافی از وضعیت معیشتی او پیدا کرده باشند.

✎ **شرایط شهادتنامه:**

ذکر هویت و اقامتگاه شاهد.

منشأ اطلاعات.

شغل، میزان درآمد و نحوه امرارمعاش مدعی اعسار.

تصریح به اینکه مدیون جز مستثنیات دین، مال قابل دسترسی برای پرداخت بدهی ندارد.

← بررسی دادگاه: دادگاه پس از ثبت دادخواست، فوراً با استعلام از مراجع ذی ربط و هر روش ممکن، وضعیت مالی محکوم علیه را برای احراز اعسار یا ایسار بررسی می کند.

ماده ۱۱ - حکم اعسار و تقسیط بدهی

اگر اعسار ثابت شود و مدیون توان پرداخت اقساطی داشته باشد، دادگاه ضمن حکم اعسار:

مهلت مناسب برای پرداخت می دهد، یا حکم به تقسیط بدهی صادر می کند.

در تعیین اقساط باید؛

درآمد مدیون و معیشت ضروری او

لحاظ شود تا توان پرداخت داشته باشد.

تبصره ۱: تقسیط یا مهلت پرداخت، مانع از استیفای بخش باقی مانده محکوم به از اموال یا مطالبات بعدی محکوم علیه نیست.

تبصره ۲: هر یک از محکوم له یا محکوم علیه می توانند تعدیل اقساط را با دادخواست بخواهند. دادگاه با توجه به نرخ تورم یا تغییر در وضعیت معیشت و درآمد محکوم علیه، میزان اقساط را تعدیل می کند.

-اگر دعوای اعسار رد شود، دادگاه در ضمن حکم به ردّ دعوی، مدعی اعسار را به پرداخت خسارات وارد شده بر خواننده دعوای اعسار مشروط به درخواست وی محکوم می کند.

به موجب ماده ۱۳ همین قانون؛ دعوای اعسار در مورد محکوم به در دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادرکننده اجراییه و به طرفیت محکوم له اقامه می شود.

★ دعوای اعسار غیرمالی است و در مرحله بدوی و تجدیدنظر خارج از نوبت رسیدگی می شود.

★ دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.

★ اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی (اعم از اشخاص حقوقی عمومی و حقوق خصوصی) یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار ردّ دادخواست وی را صادر می کند.

جمع بندی:

۱. بررسی و اثبات اعسار

مدعی اعسار باید مطابق مواد ۷ تا ۹، با ارائه دلایل، مدارک و استعلامات لازم، اعسار خود را اثبات کند.

دادگاه با بررسی مدارک و پاسخ استعلام ها، درباره اعسار یا ایسار تصمیم می گیرد.

۲. صدور حکم در صورت ثبوت اعسار

دادگاه ضمن حکم اعسار، یکی از موارد زیر را تعیین می‌کند:

-تقسیم محکوم به

-مهلت پرداخت به مدیون

تقسیم یا مهلت پرداخت مانع از استیفای باقیمانده محکوم به از اموال یا مطالبات بعدی محکوم علیه نیست.

۳. تعیین اقساط

در صورت توانایی پرداخت تدریجی، دادگاه اقساط را بر اساس:

میزان درآمد محکوم علیه

نیازهای ضروری معیشتی او

به گونه ای تعیین می‌کند که توان پرداخت داشته باشد.

۴. تعدیل اقساط

هر یک از طرفین می‌توانند تعدیل اقساط را بخواهند.

دادگاه با توجه به نرخ تورم یا تغییر در درآمد و وضعیت معیشتی، اقساط را تعدیل می‌کند.

۵. شرایط حبس محکوم علیه در صورت عدم پرداخت اقساط

در صورت عدم پرداخت اقساط یا مبلغ مهلت داده شده، حبس ممکن است در صورت:

-عدم درخواست تعدیل یا تمدید مهلت

-نبود عذر موجه

-احراز استنکاف از پرداخت

۶. موارد عدم حبس در صورت عدم پرداخت

-اثبات عدم توان مالی با عذر موجه و ارائه دادخواست تعدیل یا تمدید مهلت

محکوم به تقسیت شده عین معین (مثل خانه) که به علت افزایش نامتعارف قیمت، خارج از توان پرداخت شده است.

○ ماده ۱۷: محرومیت های ناشی از اعسار ناشی از تقصیر:

اگر دادگاه احراز کند که محکوم علیه با تقصیر عمدی و برای فرار از پرداخت دین باعث

اعسار خود شده است، علاوه بر صدور حکم اعسار، او را به یک یا چند مورد از محرومیت های زیر محکوم می‌کند.

مدت محرومیت: ۶ ماه تا ۲ سال (با توجه به میزان بدهی، نوع و تعداد تقصیر و تکرار آن).

✎ انواع محرومیت ها:

-ممنوعیت خروج از کشور

-ممنوعیت تأسیس شرکت تجاری

-ممنوعیت عضویت در هیئت مدیره شرکت های تجاری

-ممنوعیت تصدی مدیرعاملی شرکت های تجاری

-ممنوعیت دریافت اعتبار و هرگونه تسهیلات از بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری عمومی و دولتی (جز وام های ضروری)

-ممنوعیت دریافت دسته چک

ماده ۱۸: هرگاه پس از صدور حکم اعسار ثابت شود، از مدیون رفع عسرت شده یا مدیون برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده است، به

تقاضای محکوم له، محکوم علیه تا زمان اجرای حکم یا اثبات حدوث اعسار یا جلب رضایت محکوم له حبس خواهد شد. در این مورد نیز

مفاد مواد (۴) و (۵) این قانون مجری است. این حکم در مورد مدیونی که به موجب ماده (۱۱) این قانون برای پرداخت دین او مهلت مناسب تعیین شده یا بدهی او تقسیط گردیده و در زمان مقرر دین خود یا اقساط تعیین شده را نپرداخته است نیز مجری است.

ماده ۱۹: توقیف اموال محکوم علیه برای وصول محکوم به

محکوم له باید از مرجع اجراکننده تقاضای توقیف اموال محکوم علیه را بنماید.

مرجع اجراکننده رأی به بانک مرکزی دستور می دهد تا فهرست کلیه حساب های محکوم علیه در بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند.

همچنین دادگاه به درخواست محکوم له یا خوانده دعوی اعسار به مراجع ذی ربط (مانند ادارات ثبت محل و شهرداری ها) دستور می دهد تا پلاک ثبتی ملکی را که احتمال تعلق آن به محکوم علیه وجود دارد برای توقیف به دادگاه اعلام کند.

این حکم در مورد تمامی مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند نیز مجری است. مراجع مذکور در این ماده مکلفند اطلاعات فوق را به دستور دادگاه ارائه کنند. پس از دریافت اطلاعات از مراجع ذی ربط، مرجع اجراکننده رأی نسبت به توقیف اموال محکوم علیه اقدام می کند. مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته موضوع ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی و نیز اجرای مفاد اسناد رسمی نیز جاری است.

○ انتقال مال برای فرار از دین

اگر بدهکار برای فرار از پرداخت دین، مال خود را به هر نحو به دیگری منتقل کند و پس از آن، اموال باقی مانده اش برای پرداخت بدهی کافی نباشد، مرتکب جرم شده است.

✎ مجازات:

- حبس تعزیری درجه شش یا
 - جزای نقدی درجه شش یا
 - جزای نقدی معادل نصف مبلغ محکوم به یا
 - هر دو مجازات فوق.
- اگر انتقال گیرنده با علم به موضوع اقدام کرده باشد، شریک جرم محسوب می شود. در این صورت:
- عین مال منتقل شده به عنوان جریمه اخذ می شود.
 - در صورت تلف یا انتقال مال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال گیرنده اخذ و محکوم به از محل آن استیفاء می شود.

شرایط تحقق بزه انتقال مال

۱- انتقال مال عیناً یا منفعتاً؛	}
۲- قصد و انگیزه فرار از ادای دین؛	
۳- انتقال به نحوی باشد که باقیمانده اموال برای پرداخت دین کافی نباشد.	

به قصد فرار از دین

- ★ در صورتی که منتقل الیه نسبت به فرار از دین انتقال دهنده آگاه باشد وی شریک در جرم تلقی می شود و به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه ۶ یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به و یا هر دو مجازات محکوم می گردد.
- ★ کلیه محکومیت های مالی از جمله دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال و امثال آن ها جز محکومیت به پرداخت جزای نقدی، مشمول این قانون خواهند بود.

○ ممنوع الخروجی محکوم علیه

به درخواست محکوم له، مرجع اجرای رأی موظف است قرار ممنوع الخروجی محکوم علیه را صادر کند.

این قرار تا یکی از موارد زیر به قوت خود باقی است:

- اجرای کامل رأی
- اثبات اعسار محکوم علیه
- جلب رضایت محکوم له

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

—سپردن تأمین مناسب

—تحقق کفالت طبق قانون مدنی

استثنا: در صورت وجود سفر واجب که وجوب آن از قبل ثابت شده باشد یا سفر درمانی ضروری، دادگاه به طور موقت اجازه خروج از کشور را صادر می‌کند.

✎ موارد مستثنیات دین به طور حصری:

- ۱- منزل مسکونی: در شان محکوم علیه در حالت اعسار او
- ۲- اثاثیه مورد نیاز زندگی: برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی
- ۳- آذوقه موجود: به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی
- ۴- کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی: برای اهل علم و تحقیق متناسب با شان آن‌ها
- ۵- وسایل و ابزار کار: برای امرار معاش ضروری محکوم علیه و افراد تحت تکفلش
- ۶- تلفن مورد نیاز مدیون
- ۷- مبلغ ودیعه اجاره: مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستاجر مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.

اگر محکوم علیه در حالت اعسار باشد و منزل مسکونی او بیش از نیاز و شأن عرفی اش باشد و مال دیگری در دسترس نباشد:
- در صورت امتناع محکوم علیه از فروش منزل تحت نظارت مرجع اجرا، به درخواست محکوم له و با رعایت تشریفات قانونی، منزل فروخته می‌شود.
- از بهای فروش، معادل قیمت یک منزل مناسب شأن عرفی برای او نگه داشته می‌شود و مازاد آن صرف پرداخت دیون می‌گردد.
← اولویت روش‌های سهل تر استیفا: اگر امکان استیفای محکوم به از طرق ساده تر وجود داشته باشد، فروش انجام نمی‌شود و از این طرق استفاده خواهد شد، مانند:

- استیفا از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی

- انتقال سهم مشاعی از منزل به طلبکار یا شخص ثالث

✎ چنانچه به حکم قانون مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل قرار گرفتن در طرح‌های عمرانی تبدیل به وجه گردد، یا در اثر از بین رفتن، عوضی دریافت شده باشد، وصول محکوم به از آن امکان پذیر است مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را دارد.

✎ از آنجاکه یارانه به افراد کم درآمد جامعه پرداخت می‌گردد، در صورتی که توقیف آن موجب اخلال در امور زندگی آنان گردد، قضات اجرای احکام از توقیف و برداشت آن به نفع محکوم له خودداری نمایند. در هر حال، توقیف و برداشت آن منحصر به یارانه‌ای است که به شخص محکوم تعلق می‌گیرد و تسری به سایر اعضای خانواده ندارد.

بخش چهارم - لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری

کانون وکلاء دادگستری موسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقرّ هر دادگاه استان تشکیل می‌شود.

در نقاطی که تا این تاریخ کانون وکلاء وجود ندارد تشکیل کانون مشروط به این است که؛ در آن حوزه حداقل ۶۰ نفر وکیل دادگستری به شغل وکالت اشتغال داشته باشند و تا وقتی که عده وکلاء به حد نصاب مزبور نرسیده وکلاء آن حوزه تابع مقررات و نظامات کانون وکلاء مرکز خواهند بود.

اجزاء کانون وکلا

هیأت عمومی.
هیأت مدیره
دادسرای انتظامی وکلاء
دادگاه انتظامی وکلاء

✎ ترکیب هیأت مدیره کانون وکلا

اداره کانون وکلای هر محل بر عهده هیأت مدیره است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

-کانون مرکز: ۱۲ عضو اصلی + ۶ عضو علی‌البدل

-سایر مراکز استان: ۵ عضو اصلی + ۳ عضو علی‌البدل

☞ وظایف و اختیارات هیأت مدیره و رئیس

• هیأت مدیره مسئول کلیه امور مربوط به کانون است.

• رئیس هیأت، ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی آن در همه مراجع رسمی است.

• رئیس کانون کلیه امور اداری و حقوقی کانون را انجام می‌دهد.

☞ شرط بقای عضویت

• محل اقامت وکیل منتخب باید در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان باقی بماند.

ماده ۳: هیأت عمومی کانون وکلاء هر استان از وکلای که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند و حائز شرایط زیر باشند تشکیل می‌شود و هر دو سال یک‌بار برای انتخاب اعضاء هیأت مدیره تشکیل جلسه می‌دهد.

وکلای که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند در انتخاب اعضاء هیأت مدیره کانون شرکت نمایند:

الف - وکلاء پایه یک و پایه دو دادگستری مشروط بر این‌که:

۱- محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نداشته باشند.
۲- در حال تعلیق از وکالت نباشند.

۱- دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند.
۲- اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلاء و کارگشایان.
۳- رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلاء و کارگشایان دادگستری به وسیله دادسرا و دادگاه انتظامی وکلاء.
۴- معاضدت قضائی.
۵- فراهم آوردن وسائل پیشرفت علمی و عملی وکلاء.

ماده ۸: به اشخاص زیر پروانه وکالت درجه اول از طرف کانون وکلاء داده می‌شود:

الف - به کسانی که دارای ده سال متوالی یا پانزده سال متناوب سابقه خدمات قضائی بوده و لااقل پنج سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشند و سلب صلاحیت قضائی از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات نشده باشند.

ب - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و پنج سال سابقه خدمات قضائی داشته باشند و سلب صلاحیت قضائی از طرف دادگاه عالی انتظامی از آنها نشده باشد.

ج - نمایندگان مجلس شورای اسلامی با گذراندن یک دوره کامل نمایندگی که دارای لیسانس قضائی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه علمیه قم و ۵ سال سابقه کار قضائی در محاکم باشند.

د - کلیه کسانی که دارای لیسانس حقوق قضائی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه علمیه قم با حداقل ۵ سال سابقه کار متوالی یا ۱۰ سال متناوب در سمت‌های حقوقی در دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و نهادهای نیروهای مسلح باشند و بعد از اجراء این قانون با داشتن سی سال سابقه خدمت بازنشسته شوند بدون رعایت شرط سن با انجام نصف مدت کارآموزی.

تبصره ۱- کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و دو سال سابقه خدمات قضائی داشته باشند از انجام دوره کارآموزی معاف می‌باشند ولی در این مورد مدت انتظار خدمت از لحاظ اخذ پروانه وکالت جزء خدمت محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲ - کانون ملزم است در مورد تقاضاهای پروانه کارآموزی یا وکالت ظرف مدت شش ماه اتخاذ تصمیم نماید.

• **اشخاص زیر ممنوع از وکالت هستند:**

۱- اتباع خارجه.

۲- قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت. به استثناء استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه.

۳- مجبورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۴- محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۵- اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر، افیون و اعمال منافی عفت.

۶- محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنجه‌هایی که منافی با امانت و عفت و شأن وکالت است به تشخیص هیات مدیره کانون و یا آن که به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی است.

۷- کسانی که به اتهام و ارتکاب جنایت یا جنجه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند.

۸- اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند.

ماده ۱۲: در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرسی یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشند مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.

ماده ۱۳: دادرسی انتظامی وکلاء مرجع رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان دادگستری و تعقیب آنان بوده و از دادستان وعده لازم دادیار که از طرف هیات مدیره کانون برای مدت دو سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد.

دادرسی انتظامی وکلاء پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر می‌کند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رئیس کانون ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاه انتظامی وکلاء خواهد بود.

در صورتی که دادگاه انتظامی وکلاء قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

ماده ۱۴: مرجع رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان

دادگاه انتظامی وکلاء مسئول رسیدگی است.

ترکیب: ۳ وکیل پایه یک (انتخاب هیأت مدیره کانون، مدت ۲ سال)

۲ عضو علی‌البدل (انتخاب هیأت مدیره از بین وکلای پایه یک، برای جایگزینی در غیبت یا معذورت اعضا اصلی)

- مجازات‌های درجه ۱، ۲ و ۳: نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است.

← حق تجدیدنظرخواهی

اشخاص ذی‌حق:

— شاکی خصوصی (در صورتی که تعقیب با شکایت او آغاز شده باشد)

— دادرسی انتظامی وکلاء

— رئیس کانون (در حکم برائت و مجازات‌های درجه ۴ به بالا)

مهلت: ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ (با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی)

• مرجع تجدیدنظر: دادگاه عالی انتظامی قضات (رأی آن قطعی است).

ماده ۱۵: در صورتی که رئیس دادگاه یا دادستان شهرستان یا رئیس دادگاه استان و یا دادستان تخلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتباً به دادرسی انتظامی وکلاء اطلاع دهند در صورتی که دادرسی مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلاء ارجاع می‌کند و در غیر این صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان استان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادرسی انتظامی وکلاء تسلیم نشد راساً از دادگاه انتظامی وکلاء رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید.

ماده ۱۶: هرگاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات وکیلی را قابل تعقیب دانست می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء با ذکر دلایل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد می‌تواند تقاضای تجدیدنظر کند.

ماده ۱۸: در صورتی که وزیر دادگستری یا رئیس هیات مدیره کانون وکلاء به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی نموده

و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجراء خواهد بود و همچنین در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیات مدیره کانون رئیس کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید.

از رأی مزبور وکیل معلق می تواند تقاضای تجدیدنظر نماید.

و نیز از رأی عدم تعلیق، وزیر دادگستری یا رئیس کانون وکلاء حق تقاضای تجدیدنظر دارند دادگاه عالی انتظامی قضات به کلیه این درخواستها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

در مواردی که وزیر دادگستری در امور مربوطه به وظایف یکی از افراد هیات مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به امر را به دادستان دیوان عالی کشور ارجاع می نماید.

• قانون کیفیت اخذ پروانه:

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون کانون های وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران مکلفند حداقل یک بار در سال نسبت به پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت از طریق آزمون با آگهی در جراید اقدام نموده و حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از برگزاری آزمون ضمن اعلام نتایج قطعی نسبت به صدور پروانه کارآموزی وکالت برای پذیرفته شدگان اقدام نمایند.

تبصره ۱- کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلاء، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه مکلفند هر سال از طریق سازمان سنجش آموزش کشور نسبت به برگزاری آزمون پروانه وکالت اقدام نمایند. داوطلبانی که حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) امتیاز میانگین نمرات یک درصد (۱٪) حائزان بالاترین امتیاز را کسب کرده اند، به عنوان پذیرفته شده، جهت طی مراحل مقتضی به مرجع صدور مجوز مربوط معرفی می گردند. نظارت بر اجرای این تبصره بر عهده قوه قضائیه است و قوه مزبور مکلف است در صورت استنکاف کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلاء، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه از برگزاری آزمون، رأساً به برگزاری آن اقدام کند.

• شرایط صدور پروانه کارآموزی؛

۱- اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام.

۲- اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه، قانون اساسی.

۳- نداشتن پیشینه محکومیت مؤثر کیفری.

۴- نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه هایی که مرامنامه آن ها مبتنی بر نفی ادیان الهی می باشد.

۵- عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه های رژیم طاغوت.

۶- عضویت و هواداری از گروهک های غیرقانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران.

۷- عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی.

-مدت کارآموزی اعضای هیأت علمی دانشکده های حقوق نصف مدت سایر کارآموزان خواهد بود.

- اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می باشد. هرگاه وکیلی فاقد یکی از شرایط این قانون باشد کانون موظف است موضوع و دلایل آن را به دادگاه انتظامی وکلاء، اعلام و درخواست رسیدگی نماید. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رأی صادر می کند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود مگر در مواردی که دادگاه با توجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید.

-شرایط اعضای هیأت مدیره (اعم از اصلی و علی البدل):

۱- داشتن حداقل ۳۵ سال سن.

۲- حداقل هشت سال سابقه وکالت یا چهار سال قضاوت به انضمام چهار سال وکالت

داشته و از طرف دادگاه انتظامی صلاحیت قضایی آن ها سلب نشده باشد.

۳- عدم محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر.

۴- عدم اشتغال به فساد اخلاق (سوء شهرت)

۵- عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شوون شغل وکالت

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

*مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها، دادگاه عالی انتظامی قضات است.

-انتخاب اعضای هیأت مدیره کانون به‌طور متوالی برای بیش از دو دوره ممنوع می‌باشد.

ماده ۶: وکلا نمی‌توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده‌اند دفتر وکالت تأسیس نمایند و همچنین نمی‌توانند عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز نمایند. تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۳ در نوبت اول و درجه ۴ در نوبت دوم و درجه ۵ در نوبت سوم خواهد بود. به این تخلف در دادسرا و دادگاه انتظامی کانون رسیدگی خواهد شد که تخلف در حوزه آن انجام شده است.

«در صورت عدم توجه و رسیدگی کانون اخیر، کانون متبوع وکیل مزبور نیز حق رسیدگی خواهد داشت.»

-کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تأیید رئیس کانون و

رأی دادگاه انتظامی کانون پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد.

★ کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت حق وکالت در دعاوی که مرجع تجدید نظر از احکام آن‌ها دیوان عالی کشور می‌باشد را ندارند.

★ کسانی که دارای رتبه قضایی بوده‌اند به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت نخواهند داشت. متخلف از این مقرر به ترتیب تکرار مستوجب مجازات‌های درجه ۳ الی ۶ خواهد بود.

بخش پنجم - قانون افراز و فروش املاک مشاع

ماده ۱: افراز املاک مشاع که جریان ثبتی آن‌ها خاتمه یافته اعم از اینکه در دفتر املاک ثبت شده یا نشده باشد، در صورتیکه مورد تقاضای یک یا چند شریک باشد با واحد ثبتی محلی خواهد بود که ملک مذکور در حوزه آن واقع است. واحد ثبتی با رعایت کلیه قوانین و مقررات ملک مورد تقاضا را افراز می‌نماید.

تبصره - نسبت به ملک مشاع که برای آن سند مالکیت معارض صادر گردیده، تا زمانی که رفع تعارض نشده اقدام به افراز نخواهد شد.

ماده ۲: تصمیم واحد ثبتی قابل اعتراض از طرف هر یک از شرکاء در دادگاه شهرستان محل وقوع ملک است مهلت اعتراض ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم مورد اعتراض می‌باشد. دادگاه شهرستان به دعوی رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر خواهد نمود. حکم دادگاه شهرستان قابل شکایت فرجامی است.

ماده ۳: ملکی که به موجب تصمیم قطعی غیرقابل افراز تشخیص شود با تقاضای هر یک از شرکاء به دستور دادگاه شهرستان فروخته می‌شود.

ماده ۴: پرونده‌های افراز که در تاریخ اجرای این قانون در دادگاه‌ها مطرح می‌باشد کماکان مورد رسیدگی و صدور حکم قرار می‌گیرد ولی اگر خواهان افراز بخواهد دعوی خود را در واحد ثبتی مطرح کند باید دعوی سابق را از دادگاه استرداد نماید.

بخش ششم - قانون شوراهای حل اختلاف

شورای حل اختلاف یک مرجع غیر قضایی است که در امر رسیدگی قضایی، حل و فصل اختلافات و صدور حکم میان اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی فعالیت می‌کند و زیر نظر قوه قضائیه تشکیل می‌شود.

-برنامه‌ریزی و راهبری شوراهای توسط «مرکز حل اختلاف» انجام می‌شود که زیر نظر رئیس قوه قضائیه اداره شده و رئیس آن با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌گردد.

-حوزه فعالیت شوراهای تابع حوزه قضائی بخش یا شهرستان مربوط است.

-شعب شوراهای در شهرها و در صورت لزوم در مراکز دهستان‌ها و روستاها، به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا با تفویض اختیار به رئیس مرکز، به تعداد لازم تشکیل می‌شود.

-شوراهای حل اختلاف تخصصی برای رسیدگی به امور فنی و صنفی در دعاوی و شکایات بین اصناف قابل تشکیل است. در صورت تشکیل و عدم رد صلاحیت، دعاوی مربوط منحصراً در این شعب رسیدگی می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

- شوراهای حل اختلاف تخصصی برای رسیدگی به امور احوال شخصیه فی مابین اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی نیز قابل تشکیل است. تشکیل این شوراهای مانع مراجعه اقلیت‌های دینی به سایر شوراهای همان حوزه قضائی نیست.

اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

-قوه قضائیه مکلف است حداکثر ظرف یک سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، در هر حوزه قضائی شهرستان، شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها را تحت مدیریت و نظارت رئیس آن حوزه قضائی به‌عنوان دادگاه صلح تعیین کند.

در حوزه قضائی بخش، وظایف و اختیارات و صلاحیت‌های دادگاه صلح می‌تواند بر عهده دادگاه بخش باشد که بر اساس احکام این قانون رسیدگی می‌کند.

اعضا شورا

۱- یک نفر عضو اصلی

۲- حسب مورد یک نفر عضو علی‌البدل

جلسات شورا با حضور ۲ عضو رسمیت می‌یابد.

○ شرایط عضویت در شوراهای حل اختلاف

الف- شرایط عمومی

- ۱- متدین به دین مبین اسلام و مذهب رسمی کشور
- در مواردی که طرفین یا اطراف دعوی از پیروان سایر مذاهب مصرح در اصل دوازدهم (۱۲) قانون اساسی باشند، تدین به دین مبین اسلام کفایت می‌کند.
- اعضای شورای حل اختلاف اقلیت‌های دینی موضوع اصل سیزدهم (۱۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید متدین به دین خود باشند.
- ۲- تابعیت جمهوری اسلامی ایران
- ۳- التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ولایت مطلقه فقیه
- ۴- دیانت، امانت و صحت عمل و اشتغال به آن‌ها
- ۵- نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی
- ۶- دارا بودن کارت پایان خدمت وظیفه عمومی یا معافیت (دائم یا موقت) از خدمت وظیفه عمومی برای مشمولان
- ۷- متأهل بودن
- ۸- سابقه سکونت در حوزه شورا حداقل به مدت ۶ ماه شمسی و تداوم سکونت در آن حوزه پس از عضویت در شورا
- ۹- نداشتن سوء سابقه امنیتی و عدم وابستگی به گروه‌های غیرقانونی
- ۱۰- مؤثر نبودن در تحکیم رژیم سابق و عدم وابستگی به آن
- ۱۱- عدم استفاده از مشروبات الکلی
- ۱۲- عدم استعمال و اعتیاد به مواد مخدر یا روان‌گردان
- ۱۳- داشتن شرایط مذکور در بند (ز) ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری
- بند ز: داشتن سلامت جسمانی و روانی و توانایی برای انجام کاری که استخدام می‌شوند.

ب- شرایط سنی

- ۱- داشتن حداقل ۳۰ سال سن
- برای دارندگان مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر، پنج سال از میزان یادشده کسر می‌شود.

ج- شرایط تحصیلی

- ۱- دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی یا سطح دو حوزه علمیه برای تمام اعضای شعب شهری شورا
 - ۲- دارا بودن مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر برای اعضای شعب روستایی شورا
 - برای اشخاصی که سابقه عضویت در شوراهای حل اختلاف تا قبل از تصویب این قانون را داشته‌اند، شرط حداقل مدرک تحصیلی موضوع این بند برای عضویت در شعب روستایی شورا اعمال نمی‌شود.
 - برای عضویت در شورا، دارندگان مدرک حوزوی و یا دارندگان مدرک دانشگاهی در رشته‌های حقوق یا الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در اولویت هستند و حداقل یک نفر از اعضای شعب شهری شورا باید از میان دارندگان مدارک تحصیلی یادشده باشد.
 - مرجع احراز شرایط عضویت در شوراهای حل اختلاف شرایط مذکور در ماده ۷ توسط مرکز حل اختلاف احراز خواهد شد.
- افراد زیر در زمان اشتغال حق عضویت در شورا را ندارند:

۱- قضات

۲- کارکنان دادگستری

۳- وکلای دادگستری (اعم از وکلای عضو کانون‌های وکلا یا مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه)

۴- کارشناسان رسمی دادگستری

۵- نیروهای نظامی، انتظامی

۶- نیروهای اطلاعاتی اعم از نیروهای وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حراست و حفاظت دستگاه‌های اجرائی

۷- صاحبان امتیاز خدمات الکترونیک قضائی و سردفتران

۸- داوران و میانجی‌گران

* اعضای شورا به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و با حکم رئیس مرکز منصوب می‌شوند.

- | | | |
|--|---|--|
| ۱- اختلاف در اصل وقفیت و وصیت و تولیت. | } | دعای غیر قابل طرح در شورا حتی با توافق طرفین |
| ۲- دعاوی راجع به حجر و ورشکستگی. | | |
| ۳- دعاوی راجع به وجوه و اموال عمومی و دولتی و انفال. | | |
| ۴- اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، بطلان نکاح، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن، رجوع، نسب، ولایت قهری و قیمومت. | | |
| ۵- اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قانونی غیر دادگستری می‌باشد. | | |

- صلاحیت دادگاه‌های صلح؛

- دعای مالی و حقوقی:

۱- دعاوی مالی تا نصاب یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

۲- دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق

۳- دعاوی راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (۱) این ماده در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱/۱۲/۱۳۹۱ نباشد.

۴- دعاوی و درخواست‌های مربوط به تخلیه عین مستأجره و تعدیل اجاره‌بها.

* به‌جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب یا پیشه یا تجارت*

۵- اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.

۶- حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن

۷- تأمین دلیل

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۸- تقاضای سازش موضوع ماده (۱۸۶) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی)

○ **جرائم:**

- ۱- جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیرعمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی.
- ۲- جرائم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت.
- ۳- به کلیه جرائم مذکور در این ماده مستقیماً و بدون نیاز به کیفرخواست در دادگاه صلح رسیدگی می‌شود.

○ **سایر دعاوی:**

- ۱- دعاوی اصلاح شناسنامه، الزام به صدور شناسنامه، استرداد شناسنامه.
- ۲- تصحیح و تغییر نام.
- ۳- اثبات رشد.
- ۴- اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی (به استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است)
- ۵- الزام به اخذ پایان کار.

✦ رسیدگی به دعاوی غیرمنقول که تا ۱۰۰ میلیون تقویم شوند در صلاحیت دادگاه صلح است. (رأی وحدت رویه شماره ۸۶۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور)

این رأی در تعیین مرجع صالح برای اقامه دعا و رسیدگی به پرونده‌های ملکی آثار قابل توجهی خواهد داشت. تا پیش از صدور رأی وحدت رویه مربوطه تنها دعاوی مالی تا ۱۰۰ میلیون منقول در صلاحیت دادگاه صلح بود ولی اکنون رسیدگی به دعاوی غیرمنقول هم اگر کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان تقویم شده باشد در صلاحیت دادگاه صلح می‌باشند.

• بروز اختلاف بین دادگاه‌های صلح و سایر مراجع قضایی و غیر قضایی:

الف- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضایی شهرستان‌های یک استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح با دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضایی یک استان، حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر آن استان است.

ب- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضایی دو استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح و دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضایی دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که مرجع قضایی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده است.

پ- در مواردی که دادگاه صلح به صلاحیت مراجع غیر قضائی، از خود نفی صلاحیت کند، پرونده برای تعیین صلاحیت به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌شود، تشخیص آن مرجع لازم‌الاتباع است.

دادگاه صلح با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل رسمیت می‌یابد.

• **تجدیدنظرخواهی از آراء دادگاه صلح:**

آرای دادگاه صلح، قطعی است مگر در موارد زیر؛

الف- دعاوی موضوع بند (۱) این ماده در صورتی که خواسته بیشتر از نصف نصاب مذکور در آن بند باشد.

ب- موارد موضوع بند (۹) این ماده نسبت به دیه یا آرش، در صورتی که میزان یا جمع آن‌ها بیش از یک‌دهم دیه کامل یا معادل آن باشد.

پ- موارد مذکور در بندهای (۲)، (۳) و (۴) این ماده.

ت- موارد موضوع بند (۵) این ماده مشروط به اینکه اصل دعوا قابل اعتراض باشد.

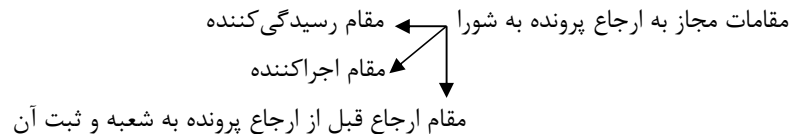
ث- جنبه عمومی جرائم غیرعمدی موضوع بند (۹) در صورتی که مجازات قانونی آن درجه شش یا بیشتر باشد.

ج- جرائم عمدی تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها حبس درجه هفت باشد.

- حدود صلاحیت شوراها
- ۱- کلیه امور مدنی و حقوقی
 - ۲- جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت
 - ۳- کلیه جرائم قابل گذشت
- جهت صلح و سازش

-موارد قابل ارجاع به شورا:

- + کلیه جرائم قابل گذشت (به استثنای مواردی که متهم، متواری یا مجهول المکان است)
- + اختلافات و دعاوی خانوادگی
- + سایر دعاوی مدنی و حقوقی که به طور مستقیم در مرجع قضائی طرح می شود



- نحوه حضور طرفین در شوراهای حل اختلاف ← شخصاً حضور یافته

یا

از وکیل دادگستری استفاده نمایند.

★ در موارد صلح و سازش استفاده از وکیل مدنی نیز در شورا مجاز است.

- هزینه دادرسی در دادگاههای صلح حسب مورد مطابق هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است و هزینه دادرسی شورا در موارد موضوع ماده (۱۳) این قانون، در دعاوی کیفری و دعاوی حقوقی غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی هزینه دادرسی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است.

- در صورت استرداد درخواست یا دعوا از سوی خواهان یا مدعی خصوصی، شورا اقدام به بایگانی پرونده می نماید. چنانچه پرونده از مراجع قضائی ارجاع شده باشد، مراتب به آن مرجع اعلام می شود.

- هرگاه در تنظیم یا نوشتن گزارش اصلاحی و دیگر تصمیمات شورا سهو قلم رخ بدهد مانند از قلم افتادن یا اضافه شدن کلمه ای و یا در محاسبه، اشتباه صورت گرفته باشد، تصحیح گزارش یا تصمیم مذکور راساً یا با درخواست ذی نفع، توسط دادگاه صلح انجام می شود. گزارش یا تصمیم تصحیح شده به طرفین ابلاغ می شود. تسلیم رونوشت گزارش یا تصمیم اصلی بدون الصاق گزارش یا تصمیم تصحیح شده ممنوع است.

ماده ۲۵: اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا و اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی و تصمیم شورا، در دادگاه صلح همان حوزه قضائی قابل طرح است.

- در صورت نقض تصمیم یا گزارش اصلاحی توسط مرجع رسیدگی به اعتراض، همان مرجع موظف است مستقیماً به پرونده رسیدگی کرده و رأی صادر کند.

- گزارش اصلاحی اصولاً قطعی است.

- اگر یکی از طرفین مدعی عدم تطابق گزارش اصلاحی با توافق صورت گرفته باشد، با دستور دادگاه صلح اجرای گزارش اصلاحی متوقف و در همان دادگاه به اعتراض رسیدگی می شود.

▪ هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اعضای شوراهای حل اختلاف هر استان از سه عضو تشکیل می شود:

• رئیس شوراهای حل اختلاف استان

• یک قاضی

• یک عضو شوراهای حل اختلاف استان (به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان)

عضو قاضی هیئت با پیشنهاد رئیس مرکز و حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود. سایر اعضا با حکم رئیس مرکز برای مدت سه سال منصوب می‌گردند. انتصاب مجدد آنان بلامانع است.

در صورت ضرورت و به تشخیص رئیس مرکز، تعداد هیئت‌های بدوی رسیدگی به تخلفات در هر استان می‌تواند به دو یا چند هیئت افزایش یابد.

بخش هفتم – قانون دیوان عدالت اداری

به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی و در راستای رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به:

• مأموران دولتی

• واحدهای دولتی

• آیین‌نامه‌های دولتی که خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب‌کننده باشند

«دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود. در این قانون، دیوان عدالت اداری به اختصار «دیوان» نامیده می‌شود.

مقر دیوان در تهران است.

ساختمان دیوان عدالت اداری

۱- شعب بدوی دیوان: رسیدگی با یک قاضی	}
۲- شعب تجدید نظر: رسیدگی با سه قاضی	
۳- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: متشکل از دوسوم از قضات شعب بدوی و تجدیدنظر با ریاست رئیس دیوان عدالت اداری یا معاون قضایی ایشان.	

☑ نکات؛

- ✓ شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رأی، نظر اکثریت است. آراء شعب تجدیدنظر دیوان قطعی است.
- ✓ چنانچه جلسه شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت یابد و هنگام صدور رأی اختلاف نظر حاصل شود، یک عضو مستشار توسط رئیس دیوان به آنان اضافه می‌شود. در صورت عدم حضور رئیس شعبه تجدیدنظر، اداره شعبه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد.
- ✓ قضات دیوان با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند و باید دارای ۷ سال سابقه کار قضائی باشند. رئیس دیوان عدالت اداری می‌تواند قضات واجد شرایط را به رئیس قوه قضائیه پیشنهاد نماید.
- ✓ واحد اجرای احکام دیوان زیر نظر رئیس دیوان یا معاون وی، انجام وظیفه می‌نماید که از تعداد کافی، دادرس اجرای احکام، مدیر دفتر و کارمند برخوردار است.
- ✓ دیوان می‌تواند جهت اعلام نظر در امور تخصصی، حسب مورد از کارشناسانی در رشته‌های مختلف که دارای مدرک کارشناسی با حداقل ده سال سابقه یا دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد با حداقل پنج سال سابقه در رشته مورد نیاز می‌باشند، بدون ایجاد تعهد استخدامی استفاده نماید.

ماده ۸: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از افراد زیر تشکیل می‌گردد:

- رئیس

- معاونین قضایی

- روسای هیأت‌های تخصصی

- روسا و مستشاران شعب تجدیدنظر

- روسای شعب بدوی

← رسمیت و نحوه صدور رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

این هیأت با حضور دوسوم اعضا و به ریاست رئیس دیوان یا یکی از معاونین قضایی با انتخاب رئیس دیوان رسمیت می‌یابد.

ملاک صدور رأی، نظر اکثریت اعضای حاضر می‌باشد.

در رسیدگی به موارد موضوع مواد (۸۹) و (۹۰) این قانون، قضات صادرکننده دادنامه‌ها با داشتن حق رأی می‌توانند در جلسات هیأت عمومی شرکت نمایند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

سایر قضات دیوان و یا کارشناسان امر حسب مورد با دعوت رئیس دیوان یا رئیس هیات تخصصی، بدون داشتن حق رأی می‌توانند در جلسات هیأت عمومی یا هیأت تخصصی شرکت کنند و در صورت لزوم نظرات خود را ارائه نمایند.

○ صلاحیت و حدود اختیارات دیوان؛

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف - تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آن‌ها.

ب - تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» در امور راجع به وظایف آن‌ها.

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیات حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها.

{رأی وحدت رویه شماره ۸۴۹ مورخ ۱۳۸۳/۴/۱۹ هیات عمومی دیوان عالی کشور:

خلاصه: به موجب بند ۲ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌ها منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. اما آرای صادره از هیات حل اختلاف موضوع ماده ۳۸ قانون اصلاح و تسری آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران، ناظر به اختلافات ناشی از معاملات مشمول قانون مذکور است که ماهیت حقوقی و ترافعی دارند و از امور خارج از صلاحیت دیوان عدالت اداری محسوب می‌شوند.}

۳- رسیدگی به شکایات قضات و کارمندان از حیث تضییع حقوق استخدامی.

✍ اصل بر این است که رسیدگی به دعاوی مطالبه خسارت در صلاحیت دادگاه عمومی است.

اما استثنا: اگر مطالبه خسارت ناشی از موارد زیر باشد، رسیدگی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است:

• تخلف در اجرای وظایف قانونی و اختصاصی واحدهای دولتی یا دستگاه‌های مذکور در بندهای (۱) و (۲)

• ترک فعل در انجام وظایف قانونی مذکور

• تخلف یا ترک فعل از سوی مأمورین این واحدها و دستگاه‌ها

در این حالت، شعبه دیوان عدالت اداری:

۱. به احراز وقوع تخلف می‌پردازد.

۲. نسبت به اصل مطالبه خسارت و تعیین میزان خسارت اقدام می‌کند.

۳. حکم مقتضی صادر می‌نماید.

✍ تصمیمات و آراء دادگاه‌ها و سایر مراجع قضائی دادگستری و نظامی و دادگاه‌های انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلح قابل شکایت در دیوان عدالت نمی‌باشد.

✍ رسیدگی به شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی از وقوع تخلف و عدم رعایت قوانین و مقررات در مراحل انعقاد قرارداد توسط دستگاه‌های اجرائی در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری است، لیکن رسیدگی به دعاوی ناشی از اجرای قرارداد فی‌مابین طرفین در صلاحیت دیوان نیست.

ماده ۱۱: در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت، موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد، شعبه رسیدگی کننده، حکم بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده، صادر می‌نماید.

تبصره - پس از صدور حکم و قطعیت آن بر اساس این ماده، مرجع محکوم‌علیه علاوه بر اجرای حکم، مکلف است در موارد مشابهی که با حکم صادره وحدت موضوع دارد، مفاد حکم صادره را در تصمیمات و اقدامات بعدی خود رعایت کند، مشروط بر اینکه با تشخیص رئیس دیوان، رأی معارض قطعی با آن، توسط همان شعبه یا شعب دیگر صادر نشده باشد.

• **حدود صلاحیت و وظایف هیات عمومی دیوان:**

۱- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که:

- + خلاف شرع
- + خلاف قانون
- + خارج از حدود صلاحیت
- + سو استفاده از اختیارات
- + تخلف در اجرای قوانین و مقررات
- + خودداری از انجام وظایف که باعث تضییع حقوق اشخاص می گردد.

۲- **صدور رأی وحدت رویه در موارد:**

- + در موارد مشابه آرای مختلف از شعب مختلف دیوان صادر شده باشد.
- + مرجع تقاضا: رئیس دیوان عدالت اداری (مكلف است)

۳- **صدور رأی ایجاد رویه در مواردی که:**

- + در موارد مشابه دست کم دو شعبه دیوان، حداقل ۵ رأی مشابه به هم صادر کرده باشد.
- + مرجع تقاضا: رئیس دیوان عدالت اداری (مختار است)

- | | | |
|---|---|--|
| ۱- رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضائیه
۲- رسیدگی به آیین نامه ها بخشنامه ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه
۳- مصوبات و تصمیمات شورا نگهبان، مصوبات و تصمیمات مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴- مصوبات و تصمیمات مجلس خبرگان رهبری
۵- شورای عالی امنیت ملی
۶- مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی
۷- شورای عالی فضای مجازی | } | ممنوعیت های
هیأت عمومی
دیوان عدالت |
|---|---|--|

رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و صرفاً آیین نامه ها، بخشنامه ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خارج است.

☞ رسیدگی به مصوبات و تصمیمات زیرمجموعه های شوراهای عالی انقلاب فرهنگی از قبیل هیأت (کمسیون ها)، کارگروه (کمیته ها)، شوراها و ستادها در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار می گیرد.

☞ اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رأی هیات عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، هیات مذکور اثر آن را به زمان تصویب مصوبه مترتب نماید.

☞ در موارد اختلاف در صلاحیت، بین شعب بدوی و تجدیدنظر، رأی شعبه تجدیدنظر و در موارد اختلاف بین شعب و هیأت عمومی، نظر هیأت عمومی متبّع است.

مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی، دیوان عالی کشور است. شعبه رسیدگی کننده در دیوان عالی کشور پس از اخذ نظر مشورتی نماینده قضائی رئیس دیوان که از بین قضات دیوان عدالت اداری انتخاب می شود، در موضوع، اتخاذ تصمیم می کند. نماینده مذکور مکلف است ظرف یک ماه از زمان درخواست، نظر مشورتی خود را اعلام کند. در صورت عدم اعلام نظر مشورتی، شعبه دیوان عالی کشور مجاز به اتخاذ تصمیم است.

• ترتیب رسیدگی در دیوان عدالت اداری؛

شروع به رسیدگی در دیوان عدالت اداری مستلزم تقدیم دادخواست است. شرایط دادخواست و ضمانت اجرای آن مطابق با شرایط دادخواست در آیین دادرسی مدنی است.

مهلت تقدیم دادخواست

۱- مهلت شکایت از اقدامات و تصمیمات واحدهای دولتی و مأمورین واحدهای دولتی: ظرف ۶ ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم.	}
۲- مهلت شکایت مأمورین واحدهای دولتی راجع به حقوق استخدامی: ظرف ۶ ماه از تاریخ ابلاغ.	
۳- شکایت از آرای قطعی صادره از مراجع اداری: ظرف ۳ ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعیت رأی.	

ماده ۱۷: شعب دیوان به شکایاتی رسیدگی می‌کنند که شخص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی، رسیدگی به شکایت را برابر قانون، درخواست کرده باشد.

تبصره ۱: دادستانی کل کشور، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور، در حدود اختیارات قانونی خود، می‌توانند شکایاتی را که متضمن تضییع حقوق عمومی است و رسیدگی به آن طبق ماده ۱۰ قانون در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار دارد، در دیوان مطرح کنند.

• این مراجع از پرداخت هزینه دادرسی معاف هستند.

✦ حق تجدیدنظرخواهی دارند.

• رسیدگی به این شکایات، با رعایت مصادیق اهم لازم‌الرعايه، خارج از نوبت انجام می‌شود.

تبصره ۲: سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) که موضوع فعالیت آن‌ها طبق اساسنامه، حمایت از حقوق عامه است - مانند امر به معروف و نهی از منکر، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حقوق شهروندی - می‌توانند:

• در زمینه‌های تخصصی مرتبط با فعالیت خود، نسبت به غیرقانونی بودن تصمیمات یا اقدامات یا خودداری از انجام وظیفه مقامات و مراجع موضوع ماده ۱۰ قانون که موجب تضییع حقوق عمومی می‌شود، در دیوان عدالت اداری شکایت کنند.

• این سازمان‌ها نیز حق تجدیدنظرخواهی دارند.

📌 هرگاه دادخواست توسط وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی شاکی تقدیم شده باشد، باید تصویر یا رونوشت گواهی‌شده سند مثبت سمت دادخواست دهنده نیز ضمیمه گردد.

📌 دادخواست و ضمایم آن باید به تعداد طرف شکایت به‌اضافه یک نسخه تهیه شود. پذیرش دادخواست در شعب بدوی، تجدیدنظر و هیأت عمومی دیوان به یکی از روش‌های زیر امکان‌پذیر است:

☐ - ثبت از طریق سامانه‌های الکترونیکی قضائی

☐ - ثبت در دفاتر استانی دیوان

☐ - ثبت در دبیرخانه مرکزی دیوان

{تاریخ ثبت دادخواست در هر یک از مراجع مذکور تاریخ تقدیم دادخواست است.}

ماده ۲۷: چنانچه دادخواست، فاقد نام و نام خانوادگی شاکی یا اقامتگاه وی باشد، به موجب قرار مدیر دفتر شعبه، رد می‌شود. این قرار قطعی است، ولی صدور آن، مانع طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح دعوای مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد از زمان اطلاع محاسبه می‌شود.

ماده ۲۸: به جز موارد مذکور در ماده (۲۷) این قانون چنانچه دادخواست از جهت شرایط مقرر در مواد (۱۸) تا (۲۳) این قانون نقص داشته باشد، مدیر دفتر شعبه ظرف دو روز نقایص دادخواست را طی اخطاریه‌ای به طور مستقیم یا از طریق دفاتر مستقر در مراکز استان‌ها یا ابلاغ الکترونیکی به شاکی اعلام می‌کند. شاکی از تاریخ ابلاغ اخطاریه ده روز فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او رد می‌شود. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض به قرار رد دادخواست در شعبه مربوط به عمل می‌آید. پس از صدور رأی توسط قاضی شعبه، مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می‌شود. این رأی قطعی است ولی رد دادخواست مانع از طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح شکایت مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد، باقیمانده مهلت مقرر، حسب مورد، از زمان قطعیت قرار مدیر دفتر یا ابلاغ رأی قاضی، محاسبه می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۴۹: پس از ارجاع دادخواست به شعبه، مدیر دفتر شعبه آن را پس از تکمیل بلافاصله در اختیار قاضی شعبه قرار می‌دهد. قاضی شعبه دیوان در صورت احراز صلاحیت و کامل بودن پرونده، آن را با صدور دستور ارسال یک نسخه از دادخواست و ضمائم آن به طرف شکایت، به دفتر اعاده می‌کند تا پس از ابلاغ دادخواست و ضمائم آن به طرف شکایت، در جریان رسیدگی قرار گیرد.

ماده ۳۰: طرف شکایت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. عدم وصول پاسخ، مانع رسیدگی نیست و شعبه با توجه به مدارک موجود، به پرونده رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

تبصره - در صورتی که طرف شکایت بدون عذر موجه از دادن پاسخ در موعد مقرر در این ماده خودداری نماید شعبه رسیدگی کننده، متخلف را به سه ماه تا یک سال انفسال از خدمت محکوم می‌نماید. این حکم ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر است.

○ تفکیک شکایات غیر مرتبط

اگر در یک دادخواست، چند شکایت بدون ارتباط مطرح شود و شعبه نتواند همه را در یک دادرسی رسیدگی کند:

• ظرف ۵ روز، شعبه با اخطاریه، لزوم تفکیک دادخواست را به شاکی یا شاکیان اعلام می‌کند.

• از تاریخ ابلاغ اخطاریه، شاکی یا شاکیان ۱۰ روز مهلت دارند تا شکایات را تفکیک یا موضوع مورد شکایت را مشخص کنند.

پیامد عدم تفکیک یا تعیین موضوع

در صورت عدم اقدام در مهلت مقرر:

• مدیر دفتر شعبه طبق ماده ۲۸ قانون، قرار رد دادخواست صادر می‌کند.

• این قرار، مانع از طرح مجدد شکایت نیست.

★ چنانچه اشخاص متعدد، شکایات‌های خود را به موجب یک دادخواست مطرح نمایند، در صورتی که شکایات مزبور منشأ و مبنای واحد داشته باشد، شعبه دیوان نسبت به همه موارد ضمن یک دادرسی، اتخاذ تصمیم می‌نماید. در غیر این صورت، مطابق بند قبل موارد به تفکیک و جداگانه رسیدگی می‌شود.

شاکیان در صورتی که بیش از پنج نفر باشند، می‌توانند در دادخواست، نماینده‌ای را از میان خود جهت امر ابلاغ و اخطار، به شعبه دیوان معرفی نمایند.

★ موضوع شکایت و خواسته باید صریح و منجز باشد. در صورت وجود ابهام به تشخیص شعبه، مراتب طی اخطاریه‌ای به شاکی اعلام می‌گردد و شاکی مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، نسبت به رفع ابهام اقدام کند. در غیر این صورت، شعبه نسبت به قسمت مبهم، قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.

- در صورتی که محتوای شکایت و دادخواست مطروحه در شعبه دیوان، حاوی مطالبی علیه شخص ثالث نیز باشد، این امر مانع رسیدگی شعبه به پرونده نیست.

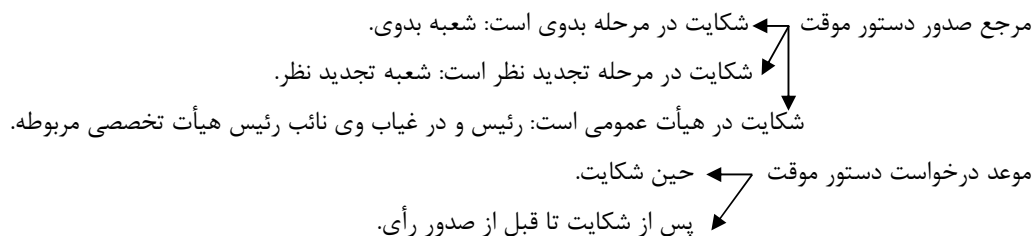
- در صورتی که شعبه دیوان از فوت یا محجور شدن شاکی یا زوال سمت نماینده قانونی او مطلع شود تا تعیین و معرفی قائم مقام قانونی متوفی یا محجور، قرار توقف دادرسی صادر و مراتب از طریق دفتر شعبه به نشانی شاکی اعلام می‌شود.

- شعبه دیوان پس از رسیدگی و تکمیل تحقیقات، ختم رسیدگی را اعلام و ظرف یک هفته مبادرت به انشاء رأی می‌نماید.

- شعب دیوان مکلفند در مورد هر شکایت، به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی، حکم صادر کنند.

- دادنامه پس از صدور، ثبت می‌شود و رونوشت آن ظرف پنج روز برای ابلاغ به طرفین ارسال می‌گردد.

۱- اقدامات یا تصمیمات یا آرای قطعی یا خودداری از انجام وظیفه از سوی طرف شکایت برخلاف شرع، خلاف قانون، خارج از حدود صلاحیت سو استفاده از اختیارات، خودداری از انجام وظایف قانونی، عدم رعایت قوانین و مقررات می‌باشد.	} جهات صدور دستور موقت با ادعای شاکی:
۲- اجرای آن‌ها سبب ورود خسارتی می‌گردد که جبران آن غیرممکن یا متعسر است.	



- ★ دستور موقت در دیوان عدالت اداری هزینه دادرسی ندارد و در عین حال مستلزم پرداخت خسارات احتمالی نیست.
- ★ مرجع رسیدگی به تقاضای صدور دستور موقت، شعبه‌ای است که به اصل شکایت رسیدگی می‌کند و مرجع رسیدگی‌کننده طی دادرسی فوری، در صورت احراز ضرورت و فوریت موضوع، برحسب مورد، دستور موقت مبنی بر توقف اجرای اقدامات، تصمیمات و آرای مورد شکایت یا انجام وظیفه صادر می‌کند.
- ★ دستور موقت تأثیری در اصل شکایت ندارد. در صورت رد شکایت یا صدور قرار سقوط شکایت یا صدور قرار ابطال یا رد دادخواست اصلی و یا حکم به عدم ابطال مصوبه و قطعیت رأی صادره، دستور موقت نیز لغو می‌شود.

○ تأیید دستور موقت

- اجرای دستور موقت صادره از شعب دیوان منوط به تأیید رئیس دیوان است.
- رئیس دیوان حداکثر ظرف یک هفته از زمان وصول باید نظر خود را اعلام نماید.
- در صورت عدم اظهار نظر در مهلت مذکور دستور موقت صادره لازم‌الاجراء است.
- شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید.

- | | | |
|--|---|----------------------|
| ۱- رد شکایت اصلی
۲- صدور قرار سقوط شکایت
۳- صدور قرار ابطال دادخواست
۴- صدور قرار رد دادخواست
۵- حکم به عدم ابطال مصوبه و قطعیت رأی صادره
۶- در صورت حصول دلایلی مبنی بر عدم ضرورت ادامه اجرای دستور موقت | } | موارد لغو دستور موقت |
|--|---|----------------------|

✍ ابلأغ دستور موقت یا تصمیم مربوط

- در صورت صدور دستور موقت یا لغو آن، مفاد تصمیم به طرفین ابلاغ می‌شود.
- اگر تقاضای صدور دستور موقت رد شود، مفاد تصمیم فقط به شاکی ابلاغ خواهد شد.

✍ اثر تقاضای دستور موقت بر اجرای تصمیمات قانونی

- صرف تقاضای صدور دستور موقت، مانع اجرای تصمیمات قانونی موضوع ماده ۱۰ این قانون نیست، مگر پس از صدور دستور موقت توسط شعبه.

• حضور طرفین در زمان رسیدگی:

- الف- اصل: بر این است که رسیدگی شعب دیوان بدون حضور طرفین صورت می‌گیرد.
- ب- استثناء: در مواردی که شعبه دیوان نیاز به اخذ توضیح داشته باشد، طرفین را دعوت می‌نماید. در این صورت مکلف به حضور و ادای توضیح می‌باشند.

ج- ضمانت اجرا: ← عدم ارائه توضیح از سوی شاکی؛ اگر دیوان بتواند با اخذ توضیح از طرف شکایت رأی صادر کند مبادرت به انجام آن می‌نماید؛ اما اگر نتواند قرار ابطال دادخواست را صادر می‌کند.

عدم ارائه توضیح از سوی طرف شکایت ← ضمانت اجرا انتظامی: شعبه دیوان طرف شکایت را احضار می‌نماید، پس از احضار در صورت عدم حضور وی بدون عذر موجه موجب جلب او خواهد شد یا انفصال از خدمات دولتی ۱ ماه تا ۱ سال.

ضمانت اجرای ماهوی: شعبه دیوان به رسیدگی ادامه می‌دهد.

عدم تعیین نماینده توسط طرف شکایت یا عدم حضور شخص معرفی شده در مهلت اعلام شده از سوی شعبه دیوان، موجب انفصال موقت از خدمات دولتی از دو ماه تا یک سال است.

• استرداد دادخواست پیش از وصول پاسخ طرف شکایت

• شاکی می‌تواند قبل از دریافت پاسخ طرف شکایت، دادخواست خود را مسترد کند.

• در این حالت، شعبه قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند.

• شاکی حق دارد همان دادخواست را دوباره تقدیم نماید.

• استرداد یا صرف نظر از شکایت پس از وصول لایحه دفاعیه یا پیش از صدور رأی

• اگر شاکی پس از دریافت لایحه دفاعیه طرف شکایت یا پیش از صدور رأی، از شکایت خود کلاً منصرف شود، شعبه قرار سقوط شکایت صادر می‌کند.

• شکایتی که موضوع آن سقوط یافته است، دیگر قابل طرح مجدد نیست.

• استرداد دادخواست تجدیدنظرخواهی

• اگر تجدیدنظرخواه دادخواست خود را مسترد کند یا از تجدیدنظرخواهی منصرف شود، قرار سقوط تجدیدنظرخواهی صادر می‌شود.

• در این حالت، تجدیدنظرخواهی قابل طرح مجدد نخواهد بود.

رسیدگی خارج از نوبت { ۱- آیین دادرسی مدنی بدوی { ممکن
تجدیدنظر نیست.
۲- دیوان عدالت اداری: در بدوی و تجدیدنظر ممکن است با تشخیص رئیس شعبه یا رئیس دیوان عدالت.

*در فرجام خواهی آیین دادرسی مدنی به تشخیص رئیس دیوان عالی کشور یا رئیس

قوه قضائیه رسیدگی خارج از نوبت ممکن است.*

-شاکی می‌تواند تا قبل از صدور رأی، خواسته خود را اصلاح کند. قبول تقاضای اصلاح خواسته پس از ارسال دادخواست و ضامین آن برای طرف شکایت، مشروط بر این است که به تشخیص شعبه، ماهیت خواسته تغییر نکرده باشد + شعبه بتواند بدون نیاز به ارسال مجدد دادخواست، بر اساس دادخواست اصلاح شده، رأی صادر نماید.

• قرار اناطه در دیوان؛

هرگاه رسیدگی دیوان منوط به اثبات امری باشد که در صلاحیت مرجع دیگری است، قرار اناطه صادر و مراتب به طرفین ابلاغ می‌شود.

ذی‌نفع باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اظهاریه دیوان، به مرجع صالح مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور را مبنی بر طرح موضوع، به دیوان تسلیم نماید. در غیر این صورت دیوان به رسیدگی خود ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی می‌گیرد.

-شکایات مطروحه در دیوان که به تشخیص رئیس دیوان دارای موضوع واحد یا مرتبط باشد در یک شعبه رسیدگی می‌شود و در صورت ارجاع به چند شعبه، به همه پرونده‌ها در شعبه‌ای که سبق ارجاع دارد رسیدگی به عمل می‌آید.

• **ایرادات شکلی در دیوان عدالت اداری:**

- الف- شاکی برای طرح شکایت، اهلیت یا سمت قانونی نداشته باشد.
- ب - شاکی در شکایت مطروحه ذینفع نباشد.
- پ - شکایت متوجه طرف شکایت نباشد.
- ت - شکایت خارج از موعد قانونی، مطرح شده باشد.
- ث - شکایت طرح شده از حیث موضوع قبلاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوی، قائم مقام آنان هستند، رسیدگی و حکم قطعی نسبت به آن صادر شده باشد.
- ج - موجبات رسیدگی به شکایت، منتفی شده باشد.
- *در صورت پذیرش ایراد از سوی دیوان، قرار رد شکایت صادر می‌گردد.*

• **دعاوی ثالث در دیوان عدالت اداری:**

۱- جلب ثالث

- از سوی شاکی: باید ضمن دادخواست اصلی یا حداکثر ظرف ۳۰ روز پس از ثبت دادخواست، دادخواست جلب ثالث را تقدیم نماید.
- از سوی طرف شکایت: باید دادخواست جلب ثالث را همزمان با ارائه پاسخ به دادخواست شکایت اصلی تقدیم کند.

۲- ورود ثالث

- شخص ثالث که مایل به ورود در پرونده است، باید تا پیش از صدور رأی دادخواست خود را ارائه دهد.
- اگر دادخواست ورود ثالث پس از صدور رأی تقدیم شود، نسبت به آن رسیدگی مستقل انجام خواهد شد

• **شرایط ورود ثالث در دیوان عدالت اداری**

- اگر شخص ثالث در موضوع پرونده برای خود حقی قائل باشد یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند با تقدیم دادخواست وارد دعوی شود.

الف- ورود ثالث قبل از صدور رأی

- در صورت وصول دادخواست پیش از صدور رأی، شعبه آن را برای طرفین ارسال کرده و پس از وصول پاسخ هر دو طرف و بررسی پاسخ هر سه طرف، رأی صادر می‌کند.

ب- ورود ثالث پس از صدور رأی بدوی

- اگر دادخواست ورود ثالث بعد از صدور رأی بدوی واصل شود:
- در صورت تجدیدنظرخواهی از رأی، دادخواست ورود ثالث همراه پرونده به شعبه تجدیدنظر ارسال می‌شود.
- در غیر این صورت، قرار رد دادخواست ورود ثالث صادر خواهد شد.

• **اعتراض ثالث نسبت به آراء صادره از شعب دیوان:**

آراء صادره شعب دیوان اعم از "بدوی یا تجدیدنظر" ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع از حکم، قابل اعتراض است. این اعتراض در شعبه رسیدگی‌کننده به پرونده، مطرح می‌شود و شعبه مزبور با بررسی دلایل ارائه شده، مبادرت به صدور رأی می‌کند. در صورتی که رأی مربوط به شعبه تجدیدنظر باشد، قطعی و در صورتی که از شعبه بدوی صادر شده باشد، قابل تجدیدنظر است.

+ در صورتی که احراز شود ثالث، معاذیر قانونی یا شرعی داشته است، مدت زمان معذوریت به مهلت دو ماه مذکور در این ماده، اضافه می‌شود.

+ در مواردی که اجرای رأی مورد اعتراض ثالث، موجب ورود خسارت غیرقابل جبران شود؛ شعبه رسیدگی‌کننده به اعتراض ثالث می‌تواند با تقاضای معترض و با موافقت رئیس دیوان، دستور توقف اجرای حکم مورد اعتراض را تا رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر کند.

 شعب دیوان مکلفند در مورد هر شکایت، به طور خاص و مُنَجَز تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام، کلی و یا مشروط، حکم صادر کنند.

• **تصمیم نهایی دیوان به شکایت (ماده ۶۳):**

- الف- رأی واجد ایراد و اشکال قانونی نباشد ☐ رأی صادره تأیید می‌شود.
- ب- دیوان جز سهو قلم ایراد و اشکال دیگری در رأی ملاحظه نمی‌کند ☐ رأی صادره را با اصلاح سهو قلم تأیید می‌نماید.
- ج- موجبی برای رسیدگی در مراجع مذکور وجود نداشته باشد یا موضوع مورد رسیدگی منتفی شده یا از مصادیق تخلف نباشد ☐ نقض بلارجاع می‌گردد.
- د- به تشخیص دیوان مرجع رسیدگی کننده صلاحیت رسیدگی به موضوع را نداشته است ☐ رأی را نقض و ضمن تعیین مرجع صلاحیت‌دار، مرجع رسیدگی کننده را موظف می‌کند موضوع را ظرف مدت یک هفته به مرجع دارای صلاحیت ارسال کند.
- ذ- دیوان تحقیقات را ناقص می‌داند یا ایراد شکلی مؤثر در پرونده مشاهده می‌کند ☐ با ذکر تمام جهات و دلایل قانونی، رأی صادره را نقض و موضوع را جهت رسیدگی مجدد به آن مرجع اعلام می‌کند. مرجع مذکور مکلف است با رعایت مفاد رأی شعبه دیوان حداکثر ظرف دو ماه نسبت به اتخاذ تصمیم یا صدور رأی اقدام کند.
- ک- در صورت شکایت مجدد شاکی، پرونده به شعبه صادرکننده رأی قطعی در دیوان ارجاع می‌شود. در این صورت، اگر شعبه دیوان رأی صادره را صحیح تشخیص دهد آن را تأیید می‌کند و در صورتی که رأی صادره را بر خلاف قوانین و مقررات بداند آن را نقض و رأی مقتضی صادر می‌کند.
- **تجدیدنظرخواهی مواد ۶۵ تا ۷۲؛**

کلیه آراء شعب بدوی دیوان به درخواست یکی از طرفین یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آن‌ها، قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر است. مهلت تجدیدنظرخواهی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از ایران دو ماه از تاریخ ابلاغ است.

- دادخواست تجدیدنظر توسط رئیس دیوان به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می‌شود.

- پس از ارجاع پرونده به شعبه تجدیدنظر، مدیر دفتر در صورت کامل بودن پرونده آن را به نظر قاضی شعبه می‌رساند. رئیس و در غیاب وی، مستشار شعبه در صورت تکمیل بودن دادخواست و ضمایم آن دستور تبادل آن را صادر می‌کند. در مواردی که آرای مورد اعتراض شعب بدوی دیوان از نوع قرار رد باشد و یا مستند به رأی وحدت رویه موضوع ماده (۸۹) این قانون و یا ایجاد رویه موضوع ماده (۹۰) این قانون صادر شده باشد، شعبه تجدیدنظر بدون انجام تبادل، نسبت به رسیدگی و صدور رأی اقدام می‌کند.

- چنانچه دادخواست تجدیدنظر، فاقد مشخصات تجدیدنظرخواه یا اقامتگاه او باشد، پس از انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر، رد می‌شود. این قرار قطعی است.

در سایر موارد نقص دادخواست تجدیدنظر، وفق ماده (۲۸) این قانون اقدام می‌گردد. اگر دادخواست تجدیدنظر، خارج از مهلت مقرر تسلیم شده باشد، شعبه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می‌کند.

- عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در

مرحله بدوی، موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر نیست. در این موارد شعبه تجدیدنظر به دادخواست دهنده بدوی اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید. در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست دهنده محرز نباشد رأی صادر شده نقض و قرار رد دعوی صادر می‌شود.

- چنانچه شعبه تجدیدنظر در رأی بدوی غیر از اشتباهاتی از قبیل اعداد، ارقام، سهو قلم، مشخصات طرفین و یا از قلم افتادگی در آن قسمت از خواسته که به اثبات رسیده، اشکال دیگری ملاحظه نکند ضمن اصلاح رأی، آن را تأیید می‌کند.

- چنانچه شعبه تجدیدنظر ایراد تجدیدنظرخواه را وارد تشخیص ندهد، رأی شعبه بدوی را تأیید و در غیر این صورت آن را نقض و پس از رسیدگی ماهوی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

- شعبه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد تجدیدنظرخواهی را مطابق قانون تشخیص دهد، آن را تأیید می‌کند، در غیر این صورت چنانچه قرار صادره را منطبق با هیچ یک از موارد صدور قرار رد تشخیص ندهد پس از نقض قرار، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به شعبه صادرکننده قرار عودت می‌دهد.

+ شعبه بدوی مکلف به تبعیت از رأی شعبه تجدیدنظر است؛ لیکن در صورتی که امر جدیدی حادث شود که امکان رسیدگی ماهوی فراهم نباشد، شعبه مذکور می تواند قرار مقتضی را صادر کند.

+ هرگاه شعبه تجدیدنظر، رسیدگی به شکایت را در صلاحیت سایر مراجع قضائی تشخیص دهد با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع مذکور ارسال می کند و در صورتی که رسیدگی به شکایت را در صلاحیت مراجع غیر قضائی بداند، حسب مورد قرار رد شکایت یا نقض رأی بدوی و قرار رد شکایت صادر می کند و شاکی را به مرجع صالح دلالت می نماید.

-هرگاه در مرحله تجدیدنظر تقاضای صدور دستور موقت شود، اتخاذ تصمیم با شعبه تجدیدنظر است. اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس دیوان است. دستور موقت صادر شده از شعبه بدوی مادام که توسط مرجع تجدیدنظر لغو نگردد، به قوت خود باقی است.

• اعلام اشتباه از سوی قاضی و تأثیر آن در رأی؛

الف-چنانچه قاضی شعبه بدوی صادرکننده رأی پی به اشتباه خود ببرد و پرونده به هر علتی به شعبه تجدیدنظر نرفته باشد، با ذکر دلیل پرونده را از طریق رئیس دیوان به شعبه تجدیدنظر ارسال می کند. شعبه یاد شده با توجه به دلیل ابرازی و در صورت وارد دانستن اشتباه، رأی صادرشده را نقض می نماید و هرگاه رأی صادره به صورت قرار باشد پرونده را جهت ادامه رسیدگی به شعبه بدوی اعاده و در غیر این صورت اقدام به رسیدگی ماهوی می کند.

ب-در صورتی که حداقل یک قاضی از دو قاضی و یا دو قاضی از سه قاضی صادرکننده رأی در شعبه تجدیدنظر، پی به اشتباه شکلی یا ماهوی خود ببرند، مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام می دارند. رئیس دیوان پرونده را جهت رسیدگی و صدور رأی به شعبه هم عرض ارجاع می دهد. ماده ۷۹: در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان رأی قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان فقط برای یک بار با ذکر دلیل پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم عرض ارجاع می نماید. شعبه مذکور مکلف است خارج از نوبت به پرونده رسیدگی و رأی مقتضی را صادر کند. رأی صادر شده قطعی است.

تبصره ۱ - چنانچه رأی قطعی موضوع این ماده از شعبه بدوی صادر شده باشد، در این صورت پرونده برای صدور رأی به شعبه تجدیدنظر ارجاع می گردد.

تبصره ۲ - در صورت اعلام خلاف بین شرع یا قانون بودن رأی، توسط رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان، اجرای حکم تا صدور رأی مجدد، متوقف می شود.

ماده ۸۴: اموری که مطابق قانون در صلاحیت هیأت عمومی دیوان است، ابتداء به هیأت های تخصصی مرکب از حداقل پانزده نفر از قضات دیوان ارجاع می شود. رسمیت جلسات هیأت های تخصصی منوط به حضور دوسوم اعضاء است که به ترتیب زیر عمل می کنند:

الف - در صورتی که نظر اکثریت مطلق هیأت تخصصی بر قبول شکایت و ابطال مصوبه باشد، پرونده به همراه نظریه هیأت جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی ارسال می شود.

ب - در صورتی که نظر سه چهارم اعضای هیأت تخصصی بر رد شکایت باشد، رأی به رد شکایت صادر می کند. این رأی ظرف بیست روز از تاریخ صدور، از سوی رئیس دیوان یا ده نفر از قضات دیوان قابل اعتراض است. در صورت اعتراض و یا در صورتی که نظر اکثریت کمتر از سه چهارم اعضاء بر رد شکایت باشد، پرونده به شرح بند (الف) در هیأت عمومی مطرح و اتخاذ تصمیم می شود.

• ارتباط دیوان عدالت اداری با شورا نگهبان برای کسب تکلیف در خصوص ادعای غیرشرعی بودن؛

۱-هرگاه فقط ادعای غیرشرعی بودن مصوبه شده باشد: رئیس دیوان پس از تبادل لوایح با طرف شکایت موضوع را با اسناد به شورای نگهبان ارسال و نظر شورای نگهبان در خصوص شرعی یا غیرشرعی بودن مصوبه برای هیأت عمومی لازم الاتباع است.

۲-ادعای غیرشرعی بودن در کنار سایر جهات مطرح شده است:

الف-مصوبه به سایر جهات ابطال شود؛ ————— دیگر نیازی به استعلام از شورای نگهبان نیست.

ب-مصوبه به سایر اسباب قابل ابطال نباشد؛ ————— رئیس دیوان عدالت اداری موضوع را جهت تعیین تکلیف به شورای نگهبان ارسال می نماید. نظر شورای نگهبان بر هیأت عمومی در این خصوص لازم الاتباع است.

*چنانچه فقهای شورای نگهبان رأساً مغایرت شرعی مصوبه ای را به رئیس دیوان اعلام نمایند، هیأت عمومی مطابق نظر فقهای شورای نگهبان نسبت به ابطال مصوبه اقدام می کند.

-هرگاه به تشخیص رئیس دیوان، در موضوعات مشابه، آرای متعارض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، وی می‌تواند دستور بررسی آن را جهت صدور رأی وحدت رویه صادر نماید. هیأت عمومی پس از بررسی و احراز تعارض، با اعلام رأی صحیح، نسبت به صدور رأی وحدت رویه اقدام می‌کند. در صورتی که هیأت عمومی آرای موضوع تعارض را غیر صحیح تشخیص دهد، نظر صحیح را با صدور رأی وحدت رویه اعلام می‌کند.

شایان به ذکر است که؛ اثر آرای وحدت رویه نسبت به آینده است لیکن در مورد احکامی که در رأی هیأت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده شده است، شخص ذینفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظرخواهی را دارد. در این صورت پرونده به شعبه تجدیدنظری که قبلاً به پرونده رسیدگی نکرده است، ارجاع می‌شود و شعبه مذکور موظف به رسیدگی و صدور رأی، مطابق رأی وحدت رویه است. آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخر، بلااثر می‌شود.

• اعاده دادرسی در دیوان عدالت اداری؛

- الف - حکم، خارج از موضوع شکایت صادر شده باشد.
- ب - حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد.
- پ - در مفاد حکم، تضاد وجود داشته باشد.
- ت - حکم صادر شده با حکم دیگری در خصوص همان دعوی و اصحاب آن، که قبلاً توسط همان شعبه یا شعبه دیگر صادر شده است متعارض بوده بدون آن که سبب قانونی موجب این تعارض باشد.
- ث - حکم، مستند به اسنادی باشد که پس از صدور، جعلی بودن و یا عدم اعتبار آن‌ها به موجب حکم مراجع صالح قانونی ثابت شده باشد.
- ج - پس از صدور حکم، اسناد و دلایلی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست‌کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و دلایل یادشده در جریان دادرسی در اختیار وی نبوده است.

تشریفات و قواعد اعاده دادرسی	۱- آرای قابل اعاده دادرسی: احکام قطعی صادره از شعب دیوان.
	۲- هزینه دادرسی: برابر با هزینه دادرسی تجدیدنظر
	۳- مرجع رسیدگی: شعبه صادرکننده رأی قطعی
	۴- مهلت
	- در مورد بندهای الف تا پ ماده ۹۸ این قانون ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی شعبه. - در مورد بندهای تا ج ماده ۹۸ این قانون ۲۰ روز از تاریخ حصول سبب اعاده دادرسی.

- هرگاه شعبه دادخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می‌نماید. در صورتی که دادخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می‌گردد.

- چنانچه جهت دادخواست اعاده دادرسی، مغایرت دو حکم باشد، شعبه رسیدگی کننده پس از قبول اعاده دادرسی، حکم دوم را نقض می‌نماید و حکم اول به قوت خود باقی می‌ماند.

- حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌گردد، قابل اعاده دادرسی مجدد از همان جهت نیست.

- در اعاده دادرسی به هیچ‌عنوان شخص دیگری غیر از طرفین دعوی، وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنان، نمی‌تواند وارد دعوی شود.

ماده ۱۰۸: شعبه دیوان پس از صدور رأی مکلف است آن را به طرفین ابلاغ کند. محکوم علیه موظف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی، نسبت به اجرای کامل رأی یا جلب رضایت محکوم له اقدام و نتیجه را به‌طور کتبی به شعبه صادرکننده حکم قطعی اعلام کند. در صورت عدم اجرای رأی یا عدم جلب رضایت محکوم له در مهلت مقرر، با درخواست محکوم له پرونده به واحد اجرای احکام ارسال می‌شود.

ماده ۱۱۰: واحد اجرای احکام دیوان موظف است اقدامات لازم را جهت اجرای احکام دیوان به عمل آورد و در صورت استنکاف شخص یا مرجع محکوم علیه از اجرای حکم قطعی، مراتب را به رئیس دیوان گزارش دهد.

رئیس دیوان بلافاصله پرونده را به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می‌نماید. شعبه مذکور موظف است خارج از نوبت به موضوع استنکاف رسیدگی و رأی مقتضی صادر و پرونده را جهت اقدامات بعدی به واحد اجرای احکام دیوان ارسال نماید.

ماده ۱۱۷: چنانچه دادرس اجرای احکام دیوان، رأی شعبه دیوان را مبهم بداند، به نحوی که اجرای آن امکان نداشته باشد با ذکر مورد ابهام از شعبه صادرکننده رأی تقاضای رفع ابهام می‌نماید. نظر شعبه در خصوص رفع ابهام، برای دادرس اجرای احکام دیوان، لازم الاتباع است.

ماده ۱۲۱: هرگاه ضمن رسیدگی به موضوعی در دیوان، رئیس دیوان در جریان تضييع حقوق عمومی و یا منافع بیت‌المال قرار گیرد، موظف است مراتب را حسب مورد به سازمان بازرسی کل کشور، دادستان کل کشور و دیوان محاسبات کشور اعلام نماید.

فصل سوم - قوانین خاص مربوط به حقوق تجارت

بخش اول - قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی

- هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است.

- هر شرکت خارجی برای این که بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجاری یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد.

- تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتباً اطلاع داده شود تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است مگر این که شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می‌کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت رساند.

- شرکت‌های بیمه اعم از ایرانی و خارجی تابع نظامنامه‌هایی خواهند بود که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود. قبول تقاضای ثبت شرکت‌های فوق و شرایط راجعه به ادامه عملیات آن‌ها منوط به رعایت مقررات نظامنامه‌های مزبوره خواهد بود.

- شرکت‌های تعاونی روستایی و سایر شرکت‌های تعاونی که اساسنامه آن‌ها طبق مقررات به تصویب رسیده باشد و همچنین سازمان تعاون و مصرف کادر نیروهای مسلح و واحدهای اقتصادی تابع آن و شرکت‌های دولتی توسعه کشاورزی و شرکت‌های دولتی کشت و صنعت از پرداخت حقوق ثبتی معاف می‌باشند.

بخش دوم - قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی

ماده واحده - به منظور اعمال نظارت مالی بر واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی و همچنین حصول اطمینان از قابل اعتماد بودن صورت‌های مالی واحدهای مزبور در جهت حفظ منافع عمومی، صاحبان سرمایه و دیگر اشخاص ذیحق و ذینفع، به دولت اجازه داده می‌شود حسب مورد و نیاز، ترتیبات لازم را برای استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی در موارد زیر به عمل آورد:

الف - حسابرسی و بازرسی قانونی شرکت‌های پذیرفته شده یا متقاضی پذیرش در بورس اوراق بهادار.

ب - حسابرسی و بازرسی قانونی سایر شرکت‌های سهامی.

ج - حسابرسی شرکت‌های غیر سهامی و مؤسسات انتفاعی و غیرانتفاعی.

د - حسابرسی و بازرسی قانونی شرکت‌ها و مؤسسات موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده ۷ اساسنامه قانونی سازمان حسابرسی مصوب ۱۳۶۶.

ه - حسابرسی مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی

- شرایط و ضوابط مربوط به تعیین صلاحیت حسابداران رسمی و چگونگی انتخاب آنان مطابق آیین‌نامه‌ای می‌باشد که به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

- به منظور تنظیم امور و اعتدالی حرفه حسابداری و حسابرسی و نظارت حرفه‌ای بر کار حسابداران رسمی، نخستین گروه حسابداران رسمی با نصاب حداقل ده (۱۰) نفر می‌توانند به عنوان هیات مؤسس، "جامعه حسابداران رسمی ایران" را به صورت موسسه‌ای غیردولتی، غیرانتفاعی و دارای استقلال مالی و شخصیت حقوقی مستقل تشکیل دهند. اساسنامه جامعه مزبور توسط هیات مؤسس، تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

- دستگاه‌های دولتی می‌توانند از خدمات سازمان حسابرسی - که تنها سازمان حسابرسی دولتی محسوب می‌شود - یا حسابداران رسمی و مؤسسات حسابرسی فوق‌الذکر استفاده کنند.

بخش سوم - قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی

■ ماده ۱. عبارات و اصطلاحات این قانون در معانی مشروحه زیر به کار می‌رود:

- ۱ - طرح (پروژه): عبارت است از مجموعه فعالیت‌های هدفدار (طراحی - مهندسی، تولید، تدارکات، اجراء و یا راه‌اندازی) که منجر به تولید یا احداث یک واحد جدید، توسعه و اصلاح واحد موجود و یا خرید محصولات مبتنی بر سفارش طراحی - ساخت شود.
- ۲ - ارجاع کار: عبارت است از انجام دادن و یا واگذاری مسئولیت انجام فعالیت‌های مختلف طرح (پروژه) به صورت کامل و یا بخشی از یک طرح (پروژه)
- ۳ - دستگاه مرکزی: واحد مرکزی دستگاه‌ها که طبق مقررات وظیفه راهبری واحدهای تابعه را برعهده دارند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

- ۴ - پیمانکار: هر شخص حقیقی یا حقوقی که طی قرارداد به آن ارجاع کار می‌شود.
- ۵ - پیمانکار طراحی و ساخت: به پیمانکاری اطلاق می‌شود که مسئولیت انجام خدمات طراحی تفصیلی و اجرایی، طراحی مهندسی یا مهندسی فرآیند، تولید، تهیه و تأمین کالا و تجهیزات، عملیات اجرایی و نصب و راه‌اندازی و مدیریت انجام این فعالیت‌ها در یک طرح (پروژه) را بر عهده دارد.
- ۶ - کالا: محصولی که فرآیند مصرف آن از فرآیند تولیدش قابل تفکیک است و مالکیت آن می‌تواند از یک شخص به شخص دیگری منتقل شود.
- ۷ - خدمت: محصولی که فرآیند مصرف آن از فرآیند تولید یا ایجاد آن قابل تفکیک نباشد، شامل انواع تغییرات سفارشی و خاص که به درخواست مشتری در وضعیت، شکل، موقعیت و مکان اشیاء یا اشخاص صورت پذیرد و شامل انواع خدمات مشاوره، آموزشی و درمانی یا انواع پیمانکاری از جمله پیمانکاری احداث، پیمانکاری ترابری، پیمانکاری تعمیر، نگهداری یا بهره‌برداری می‌شود.
- ۸ - محصول داخلی: عبارت از کالای تولیدشده یا خدمتی که با طراحی متخصصان ایرانی یا به طریق مهندسی معکوس یا انتقال دانش فنی و فناوری آن به منظور ایجاد ارزش افزوده در داخل کشور انجام می‌شود.
- ۹ - عمق ساخت داخل: میزان سهم عوامل تولید و نهاده‌های به‌کاررفته در فرآیند ساخت محصول داخلی که در قلمرو جغرافیایی کشور ایجاد شده باشد.
- ۱۰ - مشارکت ایرانی - خارجی: شرکت متشکل از اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی و خارجی و یا گروه اقتصادی که با منافع مشترک (کنسرسیوم) از این اشخاص بر اساس قرارداد قانونی معتبر برای انجام طرح (پروژه) مشخص، تشکیل شده است.
- ۱۱ - تأمین مالی مقید: تأمین مالی طرح‌ها (پروژه‌ها) در داخل کشور مشروط به ارجاع کار توسط کارفرما به پیمانکار ایرانی یا مشارکت ایرانی - خارجی به‌گونه‌ای که سهم شرکت ایرانی حداقل پنجاه و یک درصد (۵۱٪) باشد.
- ۱۲ - تأسیسات عمومی: تأسیساتی که در مصارف عمومی نظیر ساختمان اداری، محوطه‌سازی و یا قسمت‌های غیر صنعتی طرح (پروژه) مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ۱۳ - استاندارد غیرمعارف: استانداردهایی که مطابق قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶/۹/۴ در تقسیم‌بندی استانداردهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار نداشته باشند.
- ۱۴ - اتاق‌ها: اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی که در این قانون مختصراً «اتاق ایران» نامیده می‌شود، «اتاق تعاون» و «اتاق اصناف» که هر سه به موجب قوانین مربوطه تشکیل شده‌اند.

■ دامنه شمول ماده ۲

- کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت (موضوع ماده ۴ قانون محاسبات عمومی).
- بانک‌ها، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی (موضوع ماده ۵ قانون محاسبات عمومی) و شرکت‌های تابعه آن‌ها.
- بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی.
- شرکت‌ها، مؤسسات و نهادهای موضوع ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و شرکت‌های تابعه آن‌ها.

☞ سازمان‌ها و نهادهای مشمول به‌طور خاص

- شرکت‌های تابعه وزارت نفت در حوزه نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش و پخش.
- سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران.
- سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران.
- سازمان هواپیمایی کشوری.
- سازمان بنادر و دریانوردی.
- سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- شرکت ملی فولاد.
- ستاد اجرایی فرمان امام (ره).
- قرارگاه‌های سازندگی.
- سازمان‌های مناطق ویژه اقتصادی با مدیریت بخش عمومی.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

• هیأت امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران.

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی

• دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و نهادها و شرکت‌های تابعه و وابسته آن‌ها.

معیار کلی شمول

• فرقی ندارد از امکانات دولتی، وجوه عمومی، درآمد اختصاصی یا از تسهیلات، اعتبارات و تضامین ارزی یا ریالی استفاده کنند.

• فعالیت در سرزمین اصلی یا در مناطق ویژه اقتصادی، هر دو مشمول قانون می‌شود.

تبصره ۱ - اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی یا تعاونی که در اجرای طرح‌ها (پروژه‌ها) از تسهیلات منابع صندوق توسعه ملی، تسهیلات تکلیفی، تسهیلات یارانه‌ای و یا تضمین تسهیلات بانکی توسط دولت، استفاده می‌کنند به میزان تسهیلات و امکانات دولتی دریافتی در همان طرح (پروژه) مشمول این قانون می‌شوند.

تبصره ۲ - اشخاص حقوقی که صرف‌نظر از نوع مالکیت، حداقل یکی از اعضای هیأت‌مدیره آن‌ها توسط یکی از دستگاه‌های صدر این ماده تعیین می‌شوند، مشمول این قانون می‌شوند.

تبصره ۳ - شمول احکام این قانون به دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری، منوط به اخذ استعلام رئیس هیأت نظارت موضوع ماده (۱۹) این قانون و با اذن مقام معظم رهبری می‌باشد.

■ حمایت از تولید داخلی و تعمیق ساخت داخل (ماده ۵)

الف. ارجاع کار به پیمانکاران داخلی

• ارجاع کار فقط به شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی ثبت‌شده در فهرست توانمندی‌های سامانه ماده ۴ مجاز است.

• در صورت نیاز به مشارکت ایرانی - خارجی: سهم شرکت ایرانی باید حداقل ۵۱٪ باشد و با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه و تصویب هیأت نظارت (ماده ۱۹) انجام می‌شود.

• در موارد خاص که این امکان وجود نداشته باشد، ارجاع کار به شرکت‌های خارجی یا مشارکت با سهم کمتر از ۵۱٪، با تصویب شورای اقتصاد و ارائه گزارش سه‌ماهه به کمیسیون‌های مجلس مجاز است.

• در موارد مغایر با مصالح امنیتی و دفاعی (با تأیید شورای عالی امنیت ملی)، ارجاع کار به شرکت‌های ثبت‌نشده در سامانه بلامانع است.

ب. تأمین کالا و خدمات از منابع داخلی

• دستگاه‌ها مکلفند کالا و خدمات مورد نیاز را از فهرست توانمندی‌های داخلی سامانه ماده ۴ تأمین کنند.

• خرید خارجی (داخلی یا وارداتی) در صورت وجود مشابه داخلی ممنوع است.

• استثناً: با تأیید وزارت صنعت، معدن و تجارت یا وزارت جهاد کشاورزی (حسب مورد) و رعایت حد نصاب تبصره ۲، خرید خارجی مجاز می‌شود.

تبصره‌های مهم

° تبصره ۱: الزام به اخذ تأیید بالاترین مقام وزارت مربوط برای خرید خارجی مشابه داخلی.

° تبصره ۲: حداقل ۵۱٪ استفاده از ارزش محصولات داخلی (قابل افزایش توسط شورای اقتصاد).

° تبصره ۳: در صورت کمتر بودن سهم داخلی از نصاب، اعلام به شورای اقتصاد و تصمیم‌گیری حداکثر ظرف دو ماه.

° تبصره ۴: نظارت بر اجرای این ماده بر عهده هیأت نظارت (ماده ۱۹).

° تبصره ۵: در شرایط انحصار محصول داخلی، آیین‌نامه کشف قیمت ظرف ۳ ماه تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

° تبصره ۶: محاسبه حد نصاب بدون احتساب زمین، ساختمان و تأسیسات عمومی.

° تبصره ۷: درج صریح الزام رعایت ماده ۵ در قرارداد اصلی و فرعی و نظارت بر اجرا.

° تبصره ۸: پیوست فناوری جزء لاینفک قرارداد است و باید بر اساس اسناد بالادستی (چشم‌انداز، نقشه جامع علمی، اقتصاد مقاومتی) تهیه و با طرح به شورای اقتصاد ارائه شود.

ماده ۶. الزامات قبل از واردات و اعلام پیمانکاران

الف - ثبت سفارش قبل از واردات یا خرید خارجی

• کلیه دستگاه‌های مشمول ماده ۲ قبل از واردات کالا یا تهیه خدمات از خارج کشور، موظف به ثبت سفارش طبق قانون مقررات صادرات و واردات و آیین‌نامه اجرایی آن هستند.

ب - اعلام اسامی پیمانکاران به وزارت صمت

• دستگاه‌های مشمول ماده ۲ باید اسامی پیمانکاران پروژه‌های خود را، با رعایت تبصره (۱) بند «ب» ماده ۴ و تبصره (۳) ماده ۲، بلافاصله پس از تعیین پیمانکار، به وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کنند.

ج - جلوگیری از ثبت سفارش متخلفان

• وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است از ثبت سفارش کالا و خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی که مفاد این قانون را رعایت نکرده‌اند، جلوگیری نماید.

ماده ۸ - تأمین‌کنندگان کالا و خدمات مجازند با استناد به ماده (۱۰) قانون برگزاری مناقصات و در چهارچوب تأمین مالی واگذاری مطالبات از طریق کارگزاری (فاکتورینگ)، تمام یا بخشی از مطالبات قراردادی محقق‌شده و محقق‌نشده خود را به اشخاص حقیقی و حقوقی ثالث (پذیرندگان) اعم از بانکها یا مؤسسات اعتباری واگذار کنند. در صورتی که تأمین‌کننده، مطالبات را به ثالث واگذار کند، کلیه کارفرمایان موضوع این قانون اعم از دولتی، عمومی و یا تعاونی مکلف به رعایت واگذاری مطالبات از طریق کارگزاری (فاکتورینگ) هستند. آیین‌نامه اجرایی این ماده حداکثر ظرف مدت چهارماه پس از ابلاغ این قانون توسط سازمان برنامه‌وبودجه کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره ۱ - دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این قانون مجاز نیستند در قرارداد خرید کالا یا خدمات، حق واگذاری مطالبات آن قرارداد را از فروشنده کالا یا خدمت سلب کنند و در هر صورت سلب این حق نافذ نخواهد بود.

تبصره ۲ - پرداخت کارفرما یا مشتری به خریدار، قطعی و غیرقابل برگشت بوده و تضامین ارائه‌شده توسط کارفرما (مشتری) به تأمین‌کنندگان، به پذیرنده منتقل می‌شود.

ماده ۹ - به‌منظور گسترش ابزارهای تضمین و پوشش‌های بیمه‌ای در کشور:

الف - صندوق‌های تضمین می‌توانند توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی از جمله تشکلهای حرفه‌ای یا گروهی از اعضای یک صنف یا صنعت خاص ایجاد شوند و به صورت عمومی تخصصی ملی و یا منطقه‌ای فعالیت نمایند. صندوق‌های تضمین موظف‌اند تمام یا بخشی از ابزارهای تضمین مورد نیاز بخش‌های تولیدی و خدماتی کشور اعم از ضمانت‌نامه تعهد پرداخت شرکت در مناقصه یا مزایده پیش‌پرداخت حسن انجام تعهدات استرداد کسور وجه‌الضمان، ضمانت‌نامه گمرکی و همچنین ضمانت‌نامه‌های مورد نیاز برای انتشار اوراق بهادار در بازار سرمایه را در چهارچوب ضوابط ارائه نمایند

تبصره ۱- به‌استثنای صندوق‌هایی که به موج قانون به صورت دولتی تأسیس و اداره شده یا می‌شوند، صندوق‌های تضمین به صورت غیردولتی و اداره خواهند شد. دستگاه‌های اجرایی می‌توانند با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به منظور انجام وظایف تخصصی خود، اقدام به مشارکت در تأسیس یا سهامداری صندوق‌های غیردولتی (اعم از خصوصی، تعاونی و عمومی) نمایند.

تبصره ۲- ثبت صندوق‌های تضمین منوط به دریافت موافقت اصولی از شورا و دریافت مجوز از وزارت امور اقتصادی و دارایی است.

ب- با هدف حمایت حقوقی و مالی لازم از شکل‌گیری و توسعه فعالیت صندوق‌های تضمین و ایفای نقش آن‌ها در رفع مشکل تأمین مالی اشخاص: (اصلاحیه ۲/۱۴/۱۳۹۲)

۱- مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه می‌توانند علاوه بر تأسیس یا مشارکت در تأسیس صندوق‌های تضمین سبد ضمانت صندوق‌های تضمین را به صورت مجدد تضمین یا بیمه نمایند.

۲- ضمانت‌نامه‌های صادر شده توسط صندوق‌های تضمین در زمره ضمانت‌نامه‌های قابل پذیرش دستگاه‌های موضوع ماده (۲) قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۵/۲/۱۳۹۸ قرار می‌گیرند و نهادهای مالی و نهادهای وثیقه‌پذیر و سایر کارفرمایان مجازند تضمین صندوق‌های مزبور را متناسب با وضعیت اعتباری این صندوق‌ها، بپذیرند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۳- دستگاه‌های اجرائی و صندوق‌های ضمانت یا تضمین دولتی، مجازند با رعایت قوانین و مقررات مربوط، منابع مالی در اختیار خود را در قالب‌های مختلف اعم از کمک کارگزاری منابع یا وجوه اداره شده تسهیلات ارزان قیمت و مشارکت در مخاطره (ریسک) صدور ضمانت‌نامه در اختیار صندوق‌های تضمین قرار دهند.

۴- قراردادهایی که توسط صندوق‌ها ضمیمه مطابق نمونه مصوب شورا تنظیم و منعقد می‌گردد، در حکم اسناد لازم الاجرا بوده مزایای اسناد تجاری از جمله عدم نیاز به تودیع خسارت احتمالی بابت اخذ قرار تأمین خواسته برخوردار می‌باشد.

بخش چهارم - قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی

۱. تشکیل اداره تصفیه

- در هر حوزه دادگاه شهرستان که وزارت دادگستری لازم بداند، اداره تصفیه برای رسیدگی به امور ورشکستگی تشکیل می‌شود.
- در این حالت، عضو ناظر تعیین نمی‌گردد.

۲. انتخاب رئیس و کارکنان

- رئیس و کارمندان اداره تصفیه می‌توانند از میان خدمتگزاران قضایی یا اداری، یا حتی از غیر خدمتگزاران دولت انتخاب شوند.

۳. موارد رد

- موارد رد رئیس، قائم‌مقام و محاسبین اداره تصفیه همان موارد رد دادرس در اصول محاکمات حقوقی است.

۴. مرجع رسیدگی به شکایات از اقدامات اداره تصفیه

- مرجع شکایت: دادگاهی که حکم توقف صادر کرده است.
- اصل بر این است که شکایت جریان کار را متوقف نمی‌کند، مگر در دو حالت:
 - (۱) عمل مورد شکایت جبران‌ناپذیر باشد.
 - (۲) دلایل شاکی قوی باشد.

- در این موارد، دادگاه می‌تواند دستور جلوگیری از عمل را بدهد.

۵. رسیدگی به شکایت

- دادگاه مکلف است به‌صورت فوری، خارج از نوبت و در جلسه اداری به شکایت رسیدگی کرده و تصمیم خود را اعلام کند.
- اداره تصفیه در صورت لزوم می‌تواند برای اقدامات تأمینیه بدوی به اعتبار دارائی موجود ورشکسته استقراض نماید.
- ورشکسته مکلف است اموال و دفاتر خود را به اداره تصفیه معرفی نموده و در تحت اختیار آن بگذارد و گرنه به مجازات از سه ماه تا شش ماه زندان تأدیبی محکوم خواهد شد.
- اگر ورشکسته فوت نموده یا فراری باشد ورثه و شرکاء و خدمه و متصدیان امور و کلیه اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال ورشکسته تصرف و دخالت دارند این تکلیف را خواهند داشت و گرنه به همین مجازات خواهند رسید.
- مستثنیات دین تحت اختیار ورشکسته گذاشته شده ولی جزء صورت اموال قید خواهد شد.

ماده ۲۱ قانون اداره تصفیه - نکات کلیدی

۱. تکلیف حضور ورشکسته نزد اداره تصفیه

- متوقف (ورشکسته) مکلف است در طول دوره تصفیه، خود را در اختیار اداره تصفیه بگذارد، مگر اینکه به‌طور صریح از این تکلیف معاف شده باشد.
- در صورت اقتضا، اداره می‌تواند دستور جلب ورشکسته را صادر کند و برای توقیف، از دادگاه قرار بگیرد.
- رفع توقیف با دستور اداره تصفیه انجام می‌شود.

۲. حق اعتراض به توقیف

- ورشکسته می‌تواند هر ماه یک بار از دادگاه صادرکننده قرار توقیف، درخواست رفع توقیف نماید.

۳. نفقه و محل سکونت ورشکسته

- اداره تصفیه می‌تواند نفقه عادلانه ورشکسته و افراد واجب‌النفقة او را پرداخت کند.
- اداره تعیین می‌کند تا چه مدت ورشکسته و خانواده‌اش می‌توانند در محل سکونت قبلی بمانند.

۴. تصفیه اختصاری

- اگر حاصل فروش اموال صورت‌برداری شده برای پرداخت هزینه ورشکستگی کافی نباشد، اداره به‌جای تصفیه عادی، اقدام به تصفیه اختصاری می‌کند.
- استثنا: هر بستانکار می‌تواند درخواست تصفیه عادی بدهد به شرط آنکه هزینه آن را قبلاً بپردازد.

۵. تشریفات تصفیه اختصاری

- اداره تصفیه آگهی می‌کند تا هر کس ادعایی دارد ظرف ۴۰ روز مطرح کند.
- سپس اموال بدون تشریفات فروخته می‌شود و حاصل آن به ترتیبی که منافع بستانکاران اقتضا کند، تقسیم می‌گردد.
- در پایان، ختم عملیات تصفیه اعلام می‌شود.
- اداره تصفیه مکلف است شرایط فروشی را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و ورشکسته تعیین نماید. اداره می‌تواند پرداخت بها را نقد یا به موعده قرار بدهد (موعد هیچ‌گاه از سه ماه نباید تجاوز کند).
- تسلیم در مورد مال منقول و انتقال قطعی در مورد مال غیرمنقول نباید قبل از پرداخت بها صورت بگیرد.
- در مورد پرداخت نقدی یک روز مهلت جایز است.
- اگر پرداخت در موعده مقرر انجام نگیرد مزایده جدید به عمل آمده در هر حال پیشنهاددهنده سابق مسئول کسر قیمت و سایر خسارات وارده خواهد بود.
- پس از تقسیم اموال خاتمه ورشکستگی اعلام خواهد شد، هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی اموالی متعلق به متوقف کشف شود اداره آن‌ها را به تصرف خود درآورده و حاصل فروش آن را بدون هیچ‌گونه تشریفات بین بستانکاران تقسیم می‌کند.
- ورشکستگی باید از تاریخ وصول حکم آن به اداره تصفیه در ظرف هشت ماه تصفیه گردد. هنگام ضرورت رئیس دادگاه استان می‌تواند این مدت را تمدید نماید.
- بستانکارانی که دارای وثیقه‌اند نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شود.
- طلبهائی که دارای وثیقه نیست و همچنین باقیمانده طلبهائی که دارای وثیقه بوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدم‌اند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید می‌شود.

طبقه اول

الف - حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف.

ب - حقوق خدمتگزاران بنگاه ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از توقف.

طبقه دوم

ج - دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از توقف.

طبقه سوم

طلب اشخاصی که مال آن‌ها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره ورشکسته بوده نسبت به میزانی که ورشکسته از جهت ولایت و یا قیمومت مدیون شده است. این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که توقف در دوره قیمومت یا ولایت و یا در ظرف یک سال از انقضای آن اعلام شده باشد.

طبقه چهارم

طلب پزشک و داروفروش و مطالباتی که به مصرف مداوای مدیون و خانواده‌اش در ظرف سال قبل از توقف رسیده است.

الف - نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی.

ب - مهریه زن تا میزان ده هزار ریال به شرط آنکه ازدواج اقل پنج سال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت به مازاد جزء سایر دیون محسوب می‌شود.

طبقه پنجم

سایر بستانکاران

بخش پنجم - قانون صدور چک

انواع چک

۱- چک عادی

چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر می‌کنند. دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد.

۲- چک تأیید شده

چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر می‌کنند. پرداخت وجه آن توسط بانک محال علیه تأیید می‌شود.

۳- چک تضمین شده

توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر می‌شود. پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود. رجوع کنید به ماده ۲۴ قانون صدور چک.

۴- چک مسافرتی

چکی است که توسط بانک صادر می‌شود. وجه آن در هر یک از شعب آن بانک توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد.

۵- چک الکترونیکی

چکی است که صدور، دریافت، تأیید اطلاعات و انتقال آن به شخص دیگر در قالب «داده پیام» صورت گرفته و صدور آن منوط به «امضای الکترونیکی» صادر کننده است. این چک مشمول قوانین و مقررات مرتبط با چک کاغذی حسب مورد می‌باشد. رجوع کنید به دستورالعمل اجرایی چک الکترونیکی مصوب ۲۸/۱۱/۱۴۰۲.

۶- چک موردی

به منظور کاهش تقاضا برای دریافت دسته‌چک و رفع نیاز اشخاص به ابزار پرداخت وعده‌دار، بانک مرکزی مکلف است ضوابط و زیرساخت خدمات برداشت مستقیم را به صورت چک موردی برای اشخاصی که دسته‌چک ندارند، به صورت یکپارچه در نظام بانکی تدوین و راه‌اندازی نماید. (ماده ۶ قانون صدور چک)

• چک در حکم سند لازم‌الاجرا

+ چک‌های صادره عهده بانک‌هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می‌شوند، همچنین شعب آن‌ها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم‌الاجرا است.

+ دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل یا به هر دلیل دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید.

+ برای صدور اجراییه دارنده چک باید عین چک و گواهی نامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهی نامه مندرج در ماده ۵ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید.

+ اجراء ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که مطابقت امضای چک به نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

دارنده چک

۱- چک در وجه او صادر گردیده
۲- یا به نام او پشت نویسی شده
۳- یا حامل چک (در مورد چک های در وجه حامل)
۴- یا قائم مقام قانونی آنان.

✓ دارنده چک می تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید. (تم ۲ ق.ص.چ)

✓ منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه های وارد شده...» خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه های قانونی است. (قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲)

✓ در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید. (تم ۲ ق.ص.چ)

★ **رأی وحدت رویه شماره ۸۱۲:** مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم، تاریخ چک است. بنابراین، خسارت تأخیر تأدیه وجه چک، برابر مقررات مذکور که به طور خاص راجع به چک وضع شده است، محاسبه می شود و از شمول شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ خارج است.

{ خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ صدور چک تا زمان وصول آن محاسبه می شود و این استثنایی بر اصل تعلق خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه دین است؛ بنابراین در مورد چک بلامحل خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک تعلق می گیرد و به مانند دیگر خسارات تأخیر تأدیه، در چک نیز شاخص سالانه ملاک است. }

★ **رأی وحدت رویه ۸۲۴:** در مواردی که به موجب حکم دادگاه، اعیان محکوم علیه، به نحو کلی یا با تعیین مهلت و یا اقساط، ثابت شود، از تاریخ ثبوت اعیان، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجه چک نیز متوقف می شود. بدیهی است در موارد صدور حکم اعیان با تعیین مهلت یا اقساط، به لحاظ احراز تمکن مدیون در حدود مقرر، در صورت تأخیر، از موعد یا مواعد تعیین شده، حسب مورد، به دین یا هر یک از اقساط معوق، خسارت تأخیر تأدیه تعلق می گیرد.

تکالیف

صادر کننده

چک

۱- در تاریخ مندرج در چک معادل مبلغ در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد.
۲- نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج نماید.
۳- نباید دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد.
۴- نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک، یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید.

که مستنبط از مواد ۳ و ۴ و ۷ قانون صدور چک، هر چکی که به یکی از علل مندرج در ماده ۳ قانون مذکور (از جمله عدم تطبیق امضاء) پرداخت نگردد، از مصادیق چک بلامحل محسوب و به مجازات آن (ماده ۷ همان قانون) محکوم می شود.

★ هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.

★ چک فقط در تاریخ مندرج در آن و یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.

• گواهی عدم پرداخت چک



هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده (۳) پرداخت نگردد، بانک مکلف است بنا بر درخواست دارنده چک اقدامات زیر را انجام دهد:

-فوراً غیر قابل پرداخت بودن آن را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی ثبت نماید.

-کد رهگیری دریافت کند.

-کد رهگیری را در گواهینامه‌ای که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد درج کند.

-علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً در گواهینامه قید کند.

-گواهینامه را امضاء و مهر کند و به متقاضی تسلیم نماید.

به گواهینامه فاقد کد رهگیری در مراجع قضائی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی‌شود.

• موجودی حساب کمتر از مبلغ مندرج در چک؛

-مبلغ موجودی در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده با قید مبلغ دریافت شده

در پشت چک، آن را به بانک تسلیم نماید.

-فوراً کسری مبلغ چک را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی وارد نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه‌ای با مشخصات مذکور در

ماده قبل، آن را به متقاضی تحویل دهد.

• محدودیت‌های اعمال شده بر صادرکننده چک برگشتی؛

-بعد از ثبت غیر قابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی، این سامانه مراتب را به صورت برخط به تمام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اطلاع می‌دهد.

-پس از گذشت ۲۴ ساعت کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری حسب مورد مکلفند تا هنگام رفع سوء اثر از چک، اقدامات زیر را نسبت به صاحب حساب اعمال نمایند:

(الف) عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت‌بانکی جدید.

(ب) مسدود کردن وجوه کلیه حساب‌ها و کارت‌های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا موسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی.

(ج) عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت‌نامه‌های ارزی یا ریالی.

(د) عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی.

☑ **مهم:** در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) صادر شود، اقدامات موضوع این ماده علاوه بر صاحب حساب، در مورد وکیل یا نماینده نیز اعمال می‌گردد.

مگر اینکه اگر وکیل یا نماینده در مرجع قضائی صالح اثبات نماید عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او بوده است اقدامات موضوع این ماده بر وی اعمال نمی‌گردد.

• رفع سوء اثر از چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی؛

در هر یک از موارد زیر، بانک مکلف است مراتب را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی اعلام کند تا فوراً و به صورت برخط از چک رفع سوء اثر شود:

(الف) واریز کسری مبلغ چک به حساب جاری نزد بانک محال علیه و ارائه درخواست مسدودی که در این صورت بانک مکلف است ضمن مسدود کردن مبلغ مذکور تا زمان مراجعه دارنده چک و حداکثر به مدت یک سال، ظرف مدت سه روز واریز مبلغ را به شیوه‌ای اطمینان بخش و قابل استناد به اطلاع دارنده چک برساند.

(ب) ارائه لاشه چک به بانک محال علیه؛

(ج) ارائه رضایت‌نامه رسمی (تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی) از دارنده چک یا نامه رسمی از شخص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی دارنده چک؛

(د) ارائه نامه رسمی از مرجع قضائی یا ثبتی ذی‌صلاح مبنی بر اتمام عملیات اجرائی در خصوص چک؛

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ه) ارائه حکم قضایی مبنی بر براءت ذمه صاحب حساب در خصوص چک؛
و) سپری شدن مدت سه سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت مشروط به عدم طرح دعوای حقوقی یا کیفری در خصوص چک توسط دارنده.

مجازات دریافت چک غیرمتناسب با اوضاع مالی و اعتباری

+ محرومیت ۳ ساله از دریافت دسته چک، صدور چک جدید و استفاده از چک موردی

+ محکومیت به جزای نقدی درجه پنج

در صورتی که عمل ارتكابی منطبق با عنوان مجرمانه دیگری با مجازات شدیدتر باشد، مرتكب به مجازات آن جرم محكوم می شود.

عدم تعقیب کیفری } - قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک را نقداً به دارنده آن بپردازد؛
چک } - یا به موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد؛
به این دلایل } - یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید.

در این مورد بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک حساب صادرکننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک وجه آن را بپردازد.

عمل وی در حکم صدور چک بی محل خواهد بود.

صدور چک با علم به } به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد.

بسته بودن حساب } مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق خواهد بود.

در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه ننماید یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید

دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه انتقال قهری باشد.

هرگاه بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو به دیگری واگذار نماید تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

رأی وحدت رویه شماره ۳۱ مورخ ۱۶/۱۲/۱۳۶۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور:

خلاصه: نظر به اینکه به صراحت مندرجات ماده ۱۰ قانون صدور چک منظور از دارنده چک در آن ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است لذا چنانچه بانک مرجوع الیه پس از دریافت چک از مشتری آن را برای وصول به بانک دیگری ارسال نماید و بانک اخیرالذکر گواهی برگشت را به نام بانک اول صادر کند این امر نمی تواند موجب سلب حق شکایت کیفری از کسی که برای نخستین بار چک را به بانک ارائه داده است گردد. مضافاً به اینکه با توجه به نحوه فعالیت بانکها و رویه معمول آن مؤسسات و وظائف آنها، تردیدی نیست که بانکها معمولاً به عنوان نمایندگی از ابراز کننده چک نسبت به وصول وجه آن از بانک دیگری اقدام می نمایند و در مواردی هم که چک متعلق به خود بانک بوده و اصلتاً نسبت به وصول وجه آن اقدام می نمایند هیچگاه گواهی برگشت و چک متعلق به خود را به اشخاص دیگر تسلیم نمی نمایند. بنابراین در مواردی که بانکها از طرف دارنده چک مأمور وصول و ایصال وجه چکها می باشند این نمایندگی نیاز به تصریح ندارد.

شرایط صدور قرار موقوفی تعقیب در جرم صدور چک بی محل

گذشت یا پرداخت وجه چک قبل از صدور حکم قطعی

هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید و یا اینکه متهم وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارت مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجراء ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی صادر خواهد کرد.

صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که دادگاه نسبت به سایر خسارت مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند.

گذشت یا پرداخت وجه چک پس از صدور حکم قطعی

هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید اجرای حکم موقوف می شود. در این صورت محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در چک خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

نحوه محاسبه خسارات

میزان خسارات و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۰/۳/۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد بود (تبصره ماده ۱۲).

• مواردی که صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نیست؛

الف) چک سفید امضاء

در صورتی که ثابت شود چک سفید امضا داده شده است.

ب) چک مشروط

هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

ج) چک بابت تضمین

چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله و یا تعهدی است.

د) اثبات مشروط بودن یا بابت تضمین بودن چک

هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

ه) چک بدون تاریخ یا با تاریخ مقدم

در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.

عدم امکان توقف پرداخت چک های تضمین شده و مسافرتی را نمی توان متوقف نمود.

چک های تضمین شده و مسافرتی

مگر آن که بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید.

- دارنده چک می تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه نماید.

- رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

- وجود چک در دست صادرکننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است مگر خلاف این امر ثابت گردد.

قرارات تأمین در جرائم مربوط به چک بلامحل ← قرار کفالت

قرار وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول

• مسئولیت تضامنی صادرکننده و صاحب حساب در چک های صادره توسط وکیل یا نماینده؛

در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب امضا متضامناً مسئول پرداخت وجه چک هستند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

و در صورت عدم پرداخت وجه چک، اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو نفر صادر خواهد شد. به علاوه امضاکننده چک طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری نیز خواهد داشت. مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او بوده است. در این صورت، کسی که موجب عدم پرداخت شده است، از نظر کیفری مسئول خواهد بود. چنانچه یکی از صاحبان حساب مشترک برای صدور چک به دیگری وکالت داده باشد، موضوع مشمول ماده ۱۹ قانون صدور چک است و صادرکننده و صاحب حساب مشترک متضامناً مسئول پرداخت وجه چک می‌باشند. (نظریه مشورتی)

-بانک‌ها مکلفند کلیه حساب‌های جاری اشخاصی را که بیش از یکبار چک بی‌محل صادر کرده و تعقیب آن‌ها منجر به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آن‌ها حساب جاری دیگری باز نمایند.

• سامانه صیاد

در این سامانه از دریافت دسته‌چک و صدور چک جدید و استفاده از چک موردی توسط افراد زیر جلوگیری خواهد شد:

- اشخاص ورشکسته
 - معسر از پرداخت محکوم‌به
 - دارای چک برگشتی رفع سوءاثر نشده
- ✓ این ممنوعیت در مورد اشخاص ورشکسته، معسر از پرداخت محکوم‌به یا دارای چک برگشتی رفع سوءاثر نشده که به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) اقدام می‌کنند نیز مجری است.
- ✓ مبلغ چک نباید از اختلاف سقف اعتبار مجاز و تعهدات چک‌های تسویه نشده بیشتر باشد.
- ✓ در مورد چک‌های صیاد صدور و پشت نویسی چک در وجه حامل ممنوع است و ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جایگزین پشت نویسی چک خواهد بود.

• شرایط و نحوه صدور اجراییه چک

دارنده چک می‌تواند با ارائه گواهینامه عدم پرداخت، از دادگاه صالح صدور اجرائیه نسبت به موارد زیر را درخواست نماید:

+ کسری مبلغ چک

+ حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی

دادگاه مکلف است در صورت وجود شرایط زیر حسب مورد علیه صاحب حساب، صادر کننده یا هر دو اجرائیه صادر نماید:

(الف) در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی نشده باشد.

(ب) در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

(ج) گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق ماده (۱۴) این قانون و تبصره‌های آن صادر نشده باشد.

▪ چک تضمین‌شده - مفقودی و جعل

۱. مفقودی چک تضمین‌شده

• اگر متقاضی و گیرنده (ذی‌نفع) هر دو به بانک صادرکننده مراجعه و فرم اعلام مفقودی و تعهدنامه عدم ادعا را تکمیل و امضا کنند، می‌توانند صدور المثنی را درخواست نمایند.

• بانک موظف است:

-حراز هویت متقاضی و گیرنده از طریق سامانه نظام هویت سنجی الکترونیکی بانکی.

-ابطال چک مفقودشده.

-صدور چک المثنی مطابق اطلاعات مندرج در سامانه صیاد.

۲. جعل چک تضمین شده

- در صورت جعل یا استفاده از چک تضمین شده مجعول، مرتکب علاوه بر مجازات های قانونی، به حکم دادگاه به دو تا شش سال محرومیت از دریافت چک تضمین شده محکوم می شود.

بخش ششم – قانون تجارت الکترونیکی

۱. هدف قانون

- ایجاد مجموعه قواعد برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در بسترهای الکترونیکی و سیستم های ارتباطی نوین.

۲. تعاریف کلیدی

- داده پیام (Data Message): هر نماد از واقعه، اطلاعات یا مفهوم که با ابزارهای الکترونیکی، نوری یا فناوری های نوین تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش شود.

- اصل ساز (Originator): شخصی که منشأ اصلی داده پیام است و آن را خود یا از طرف او تولید یا ارسال می کند (واسطه نیست).

- مخاطب (Addressee): شخصی که اصل ساز قصد دارد داده پیام را به او برساند (واسطه نیست).

- ارجاع در داده پیام (Incorporation By Reference): اشاره به منابع خارج از داده پیام که در صورت تطابق با ماده ۱۸ قانون، جزئی از داده پیام محسوب می شوند.

- تمامیت داده پیام (Integrity): حفظ موجودیت کامل و بدون تغییر داده پیام؛ تغییرات ناشی از عملیات معمول سیستم (مثل ارسال یا نمایش) خدشه ای به آن وارد نمی کند.

- سیستم اطلاعاتی (Information System): سیستمی برای تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش داده پیام.

- سیستم اطلاعاتی مطمئن (Secure Information System): سیستمی که:

۱- به طور معقول در برابر سوءاستفاده و نفوذ ایمن باشد.

۲- دارای سطح مناسب دسترسی و تصدی صحیح باشد.

۳- متناسب با اهمیت کار پیکربندی و سازماندهی شده باشد.

۴- مطابق رویه ایمن عمل کند.

- رویه ایمن (Secure Method): روشی برای اطمینان از صحت ثبت، منشأ، مقصد، تاریخ، و کشف خطا یا تغییر در مبادله یا ذخیره داده پیام؛ ممکن است از رمزنگاری، الگوریتم ها، کدها یا روش های مشابه استفاده شود.

- امضای الکترونیکی (Electronic Signature): هر علامت متصل یا مرتبط با داده پیام که برای شناسایی امضاءکننده به کار می رود.

- امضای الکترونیکی مطمئن (Advanced Electronic Signature): امضای الکترونیکی که شرایط ماده ۱۰ قانون را داشته باشد.

- امضاءکننده (Signatory): شخص یا قائم مقام وی که امضای الکترونیکی را تولید می کند.

- شخص (Person): شامل اشخاص حقیقی، حقوقی و سیستم های رایانه ای تحت کنترل آنان.

- معقول (Reasonableness Test): ارزیابی منطقی با توجه به اوضاع و احوال مبادله، مهارت طرفین، حجم معاملات، گزینه های پیشنهادی، هزینه ها و عرف رایج.

- مصرف کننده (Consumer): شخصی که به غیر از تجارت یا شغل حرفه ای خرید یا اقدام می کند.

- تأمین کننده (Supplier): شخصی که بر اساس اهلیت تجاری یا حرفه ای فعالیت می کند.

- وسایل ارتباط از راه دور (Means of Distance Communication): ابزارهایی که بدون حضور فیزیکی هم زمان طرفین برای فروش کالا یا خدمات استفاده می شوند.

- عقد از راه دور (Distance Contract): قرارداد بین تأمین کننده و مصرف کننده از طریق وسایل ارتباط از راه دور.

- واسط با دوام (Durable Medium): وسیله ای که مصرف کننده بتواند داده پیام ها را روی آن ذخیره کند (مانند دیسک سخت یا ایمیل).

- داده پیام های شخصی (Private Data): داده پیام های مربوط به شخص حقیقی مشخص.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- در تفسیر، باید به جنبه بین‌المللی، هماهنگی بین کشورها و حسن نیت توجه شود.
 - در صورت سکوت یا ابهام، محاکم باید بر اساس سایر قوانین موضوعه و با رعایت چارچوب این قانون قضاوت کنند.
- ماده ۶ - هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، «داده پیام» در حکم نوشته است مگر در موارد زیر:
- الف - اسناد مالکیت اموال غیرمنقول.
- ب - فروش مواد داروئی به مصرف‌کنندگان نهایی.
- ج - اعلام، اخطار، هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالا صادر می‌کند و یا از به‌کارگیری روش‌های خاصی به صورت فعل یا ترک فعل منع می‌کند.
- هرگاه قانون لازم بداند که اطلاعات به صورت اصل ارائه یا نگهداری شود، این امر با نگهداری و ارائه اطلاعات به صورت داده پیام نیز در صورت وجود شرایط زیر امکان‌پذیر می‌باشد:
- الف - اطلاعات مورد نظر قابل دسترسی بوده و امکان استفاده در صورت رجوع بعدی فراهم باشد.
- ب - داده پیام به همان قالبی (فرمتی) که تولید، ارسال و یا دریافت شده و یا به قالبی که دقیقاً نمایشگر اطلاعاتی باشد که تولید، ارسال و یا دریافت شده، نگهداری شود.
- ج - اطلاعاتی که مشخص کننده مبداء، مقصد، زمان ارسال و زمان دریافت داده پیام می‌باشند نیز در صورت وجود نگهداری شوند.
- د - شرایط دیگری که هر نهاد، سازمان، دستگاه دولتی و یا وزارتخانه در خصوص نگهداری داده پیام مرتبط با حوزه مسئولیت خود مقرر نموده فراهم شده باشد.
- امضای الکترونیکی مطمئن باید دارای شرایط زیر باشد:
- الف - نسبت به امضاء کننده منحصر به فرد باشد.
- ب - هویت امضاء کننده «داده پیام» را معلوم نماید.
- ج - به وسیله امضاء کننده و یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد.
- د - به نحوی به یک «داده پیام» متصل شود که هر تغییری در آن «داده پیام» قابل تشخیص و کشف باشد.
- نسبت به «داده پیام» مطمئن، سوابق الکترونیکی مطمئن و امضای الکترونیکی مطمئن انکار و تردید مسموع نیست و تنها می‌توان ادعای جعلیت به «داده پیام» مزبور وارد و یا ثابت نمود که «داده پیام» مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.
- ارسال «داده پیام» زمانی تحقق می‌یابد که به یک سیستم اطلاعاتی خارج از کنترل اصل‌ساز یا قائم مقام وی وارد شود.
- در هر معامله از راه دور مصرف کننده باید حداقل هفت روز کاری، وقت برای انصراف (حق انصراف) از قبول خود بدون تحمل جریمه و یا ارائه دلیل داشته باشد. تنها هزینه تحمیلی بر مصرف کننده هزینه بازپس فرستادن کالا خواهد بود.
- در صورتی که تأمین کننده در حین معامله به دلیل عدم موجودی کالا و یا عدم امکان اجرای خدمات، نتواند تعهدات خود را انجام دهد، باید مبلغ دریافتی را فوراً به مخاطب برگرداند، مگر در بیع کلی و تعهداتی که برای همیشه وفای به تعهد غیرممکن نباشد و مخاطب آماده صبر کردن تا امکان تحویل کالا و یا ایفای تعهد باشد. در صورتی که معلوم شود تأمین کننده از ابتدا عدم امکان ایفای تعهد خود را می‌دانسته، علاوه بر لزوم استرداد مبلغ دریافتی، به حداکثر مجازات مقرر در این قانون نیز محکوم خواهد شد.
- تأمین کننده می‌تواند کالا یا خدمات مشابه آنچه را که به مصرف کننده وعده کرده تحویل یا ارائه نماید مشروط بر آن که قبل از معامله یا در حین انجام معامله آن را اعلام کرده باشد.
- در صورتی که تأمین کننده، کالا یا خدمات دیگری غیر از موضوع معامله یا تعهد را برای مخاطب ارسال نماید، کالا و یا خدمات ارجاع داده می‌شود و هزینه ارجاع به عهده تأمین کننده است. کالا یا خدمات ارسالی مذکور چنانچه به عنوان یک معامله یا تعهد دیگر از سوی تأمین کننده مورد ایجاب قرار گیرد، مخاطب می‌تواند آن را قبول کند.
- تأمین کنندگان در تبلیغ کالا و خدمات خود نباید مرتکب فعل یا ترک فعلی شوند که سبب مشتبه شدن و یا فریب مخاطب از حیث کمیت و کیفیت شود.

▪ جرم کلاه برداری رایانه‌ای در بستر مبادلات الکترونیکی

۱. رفتارهای مجرمانه:

- سوءاستفاده یا استفاده غیرمجاز از داده پیام‌ها، برنامه‌ها، سیستم‌های رایانه‌ای یا وسایل ارتباط از راه دور.
- اقداماتی مانند ورود، محو یا توقف داده پیام.
- مداخله در عملکرد برنامه یا سیستم رایانه‌ای.
- فریب دیگران یا گمراه کردن سیستم‌های پردازش خودکار.

۲. نتیجه رفتار مجرمانه:

- تحصیل وجوه، اموال یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری.
- بردن اموال دیگران.

۳. مجازات قانونی:

- رد مال به صاحب آن.
- حبس: از یک تا سه سال.
- جزای نقدی: معادل مال مأخوذه.

۴. حکم شروع به جرم:

- شروع به این جرم نیز مجازات آن حداقل مجازات مقرر در ماده می‌باشد.

جرم جعل داده پیام در بستر مبادلات الکترونیکی

۱. رفتارهای مجرمانه مشمول حکم:

- ورود، تغییر، محو یا توقف داده پیام.
- مداخله در پردازش داده پیام یا سیستم‌های رایانه‌ای.
- استفاده بدون مجوز از وسایل رمزنگاری تولید امضاء (مانند کلید اختصاصی).
- تولید امضای فاقد سابقه ثبت در فهرست دفاتر اسناد الکترونیکی.
- استفاده از وسایلی که با نام دارنده در فهرست دفاتر مطابقت ندارد.
- اخذ گواهی معمول و موارد مشابه.

۲. هدف از ارتکاب جرم:

- ایجاد داده پیام‌های دارای ارزش مالی یا اثباتی و ارائه آن‌ها به مراجع اداری، قضایی، مالی و غیره به عنوان داده پیام معتبر.

۳. مجازات قانونی:

- حبس: از یک تا سه سال.
- جزای نقدی: پنجاه میلیون ریال.

بخش هفتم - قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

ماده ۱- در این قانون اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار برده می‌شود:

- ۱- بازار: به فضایی جغرافیایی یا مجازی اطلاق می‌شود که در آن خریداران و فروشندگان، کالاها و خدمات مشابه یا جانشین نزدیک را مبادله می‌کنند.
- ۲- کالا: هر شیء منقول و یا غیرمنقول که می‌تواند مورد مبادله و استفاده قرار گیرد.
- ۳- خدمت: محصول غیرملموسی که استفاده از آن از فرایند تولید آن قابل تفکیک نیست.
- ۴- بنگاه: واحد اقتصادی که در تولید کالا یا خدمت فعالیت می‌کند، اعم از آن که دارای شخصیت حقوقی یا حقیقی باشد.
- ۵- شرکت: شخص حقوقی که با رعایت قانون تجارت یا قانون خاص حسب مورد تشکیل شده باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

- ۶- سهام مدیریتی: میزانی از سهام یک شرکت که دارنده آن طبق اساسنامه اختیار تعیین حداقل یک عضو را در هیأت مدیره شرکت دارد
- ۷- سهام کنترلی: حداقل میزان سهام مورد نیاز برای آن که دارنده آن قادر به تعیین اکثریت اعضاء هیأت مدیره شرکت باشد.
- ۸- شرکت تعاونی سهامی عام: نوعی شرکت سهامی عام است که با رعایت قانون تجارت و محدودیت‌های مذکور در این قانون تشکیل شده باشد.
- ۹- شرکت تعاونی فراگیر ملی: نوعی تعاونی متعارف یا سهامی عام است که برای فقرزدایی از سه دهک پایین درآمدی تشکیل می‌شود. عضویت سایر افراد در این تعاونی آزاد است ولی در بدو تشکیل حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) اعضاء آن باید از سه دهک پایین درآمدی باشند.
- ۱۰- انحصار: وضعیتی در بازار که سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولید کننده، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار داشته باشد، یا ورود بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن با محدودیت مواجه باشد.
- ۱۱- ادغام: اقدامی که بر اساس آن چند شرکت، ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند.

۱۲- تجزیه: اقدامی که بر اساس آن یک شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود دو یا چند شخصیت حقوقی جدید تشکیل دهد.

ماده ۵: مؤسسات اعتباری اعم از بانکها و غیر بانکی غیردولتی صرفاً باید در قالب؛

الف- شرکت‌های سهامی عام و

ب- تعاونی سهامی عام

بوده تا مجاز به فعالیت باشند.

تملك سهام این مؤسسات تا سقف ده درصد توسط مالک واحد بدون اخذ مجوز مجاز است.

تملك سهام مؤسسات اعتباری و بانکها ← تا سقف ۱۰٪ توسط مالک واحد

بیش از ۱۰٪ نیاز به مجوز بانک مرکزی

تملك سهام سایر مؤسسات اعتباری به هر میزان توسط مالک واحدی که در یکی از مؤسسات اعتباری بیش از ۱۰٪ سهام داراست بدون مجوز بانک مرکزی ممنوع است.

ک مالک واحد به شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به‌طور مستقل یا بیش از یک شخص حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که به تشخیص بانک مرکزی و در قالب دستورالعمل شورای پول و اعتبار، دارای روابط مالی، خویشاوندی (سببی یا نسبی)، نیابتی یا مدیریتی با یکدیگر می‌باشند.

ضمانت اجرا مقررۀ فوق؛

- | | |
|---|--|
| ۱- فاقد حقوق مالکیت اعم از حق رأی | مالک سهام مؤسسات اعتباری بیش از حدود مجاز ذکر شده نسبت به سهام مازاد |
| ۲- حق دریافت سود | |
| ۳- نسبت به سهام مازاد مشمول مالیات نرخ | |
| ۴- حق رأی ناشی از سهام مازاد در مجامع عمومی به وزارت اقتصاد تفویض می‌شود. | |

-تهاتر و تسویه بدهی‌های دولت به مؤسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌های وابسته به آنها و ... از طریق واگذاری سهام و اموال دولتی به آنها ممنوع است هدف جلوگیری از تشکیل شرکت‌ها شبه‌دولتی بود.

- شرکت تعاونی سهامی عام نوعی شرکت سهامی عام است، در نتیجه بخش عمده‌ی مقررات حاکم بر شرکت‌های تعاونی سهامی عام همان است که برای شرکت سهامی عام مقرر شد.

- محدودیت‌های شرکت تعاونی سهامی عام؛

الف- حداکثر سهم هر شخص حقیقی مستقیم و غیرمستقیم در زمان تأسیس و طول فعالیت نباید از ۵٪ سرمایه شرکت تجاوز کند.

ب- اشخاص حقوقی

+ اگر نوع این شخص حقوقی تعاونی فراگیر ملی، تعاونی سهامی عام یا شریک سهامی عام باشند حق مالکیت ۲۰٪ سهام را دارند.

+ سایر اشخاص حقوقی حق مالکیت ۱۰٪ سهام را دارند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ج- سهم مجموع بنگاه‌ها و موسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی در میزان سهام و کرسی‌های هیأت مدیره نباید از ۴۹٪ بیشتر شود.
د- در زمان افزایش سرمایه در صورتی که تمام یا برخی سهامداران از حق تقدم خود استفاده نکنند کارکنان غیر سهامدار شرکت در خرید این سهام حق تقدم دارند.

ذ- مجامع عمومی در تعاونی سهامی عام که تعداد سهامداران آن از ۵۰۰ نفر بیشتر باشد می‌تواند با بلوک‌بندی انجام شود.

ن- کلیه سهام آن بانام و نقل و انتقال آن منوط به ثبت در دفتر سهام شرکت است.

شرکت تعاونی سهامی عام هیچ‌گاه وصف دولتی پیدا نمی‌کند.

-شورای عالی اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی برای ایفاء وظایف محوله در این قانون مرکب از اعضاء زیر تشکیل می‌شود:

۱- رئیس‌جمهور یا معاون اول وی به عنوان رئیس شورا،

۲- وزیر امور اقتصادی و دارایی (دبیر شورا)،

۳- وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی،

۴- وزیر یا وزراء وزارتخانه‌های ذی‌ربط،

۵- وزیر دادگستری،

۶- وزیر اطلاعات،

۷- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور،

۸- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران،

۹- دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام،

۱۰- دادستان کل کشور،

۱۱- رئیس سازمان بازرسی کل کشور،

۱۲- رئیس دیوان محاسبات کشور،

۱۳- سه نفر از نمایندگان مجلس به انتخاب مجلس شورای اسلامی،

۱۴- رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران،

۱۵- رئیس اطاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران،

۱۶- رئیس اطاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران،

۱۷- سه نفر خبره و صاحب‌نظر اقتصادی از بخش‌های خصوصی و تعاونی به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی با حکم رئیس‌جمهور،

۱۸- رئیس سازمان خصوصی‌سازی،

۱۹- رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار

-وظایف و اختیارات شورای عالی اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به شرح زیر است:

۱- تبیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرائی سالانه،

۲- نظارت بر فرآیند اجراء قوانین و مقررات مرتبط با سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی،

۳- سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی- تبلیغاتی برای اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی،

۴- تصویب آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، نظام‌نامه‌ها و ضوابطی که در این قانون مرجع تصویب آن این شورا است،

۵- تصویب شاخص‌های اجرائی برای تحقق اهداف سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به منظور اعمال نظارت دقیق بر اجراء آنها،

۶- تدوین سازوکارهای جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی،

۷- تبیین نقش سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت دولت،

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مؤسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد